توسعه تأسیسات وتجهیزات نشریه سندیکای شرکت های تأسیساتی و صنعتی ایران

● شماره استاندارد بین المللی : ۱۵۸-۰۱۵۵ ۱۷۳۵ ● زمستان ۱۳۹۳ / دوره جدید/ شماره چهل و سه/ شماره مسلسل:۹۶

● کمیسیون انتشارات و هیأت تحریریه: مهندسان: منوچهر اقبالی، مصطفی امیری فر، مرتضی بنی احمد، احمد علی پیروز فرد، محمد مهدی تابع قانون، پرویز تیوای، مرتضی سرمست شوشتری، مرتضی قضات، حمیدرضا قندهاری، محمود حصاری کریمی، محمدرضا محمدآبادی کمره ای، منوچهر معتمدی کردستانی، سعید منوچهریان و محمود مودت

● سردبیر: محمد حسین دانایی ● دبیر تحریریه: منیژه فرهنگی ● روی جلد: آریا برزن فروزان ● صفحه آرایی: غلامرضا ملکی

● لیتوگرافی: نگارگران ● چاپ: تصویر گیلان: تهران- خیابان فردوسی جنوبی- بعد ازخیابان سرهنگ سخایی- کوچه بانک- نبش کوچه هنرستان- پلاک ۱۵ ● نظارت فنی: یاز گرافیک

● نشانی سندیکا: تهران- سعادت آباد- میدان کاج- خیابان نهم- پلاک ۱۸ ● تلفن: ۲۲۰۸۳۷۶۵- ۲۲۰۸۳۹۶۱- ۲۲۰۸۳۹۵۹ ● نمابر: ۲۲۰۸۴۰۳۰

e-mail:towsaeh@ismeic.org www.ismeic.org اینترنت:

TOWSAEH TASISAT VA TAJHIZAT- journal of the iranian syndicate of m & e and industrial contractors/ ismeic ISSN: 1735 - 0158 MANAGING EDITOR: M. AMIRIFAR

● مدیر مسوول: مهندس مصطفی امیری فر

● **روی جلد:**

احیای سازمان مدیریت و برنامه ریزی؛ انتقادات و انتظارات

مطالب لزوماً نظر سندیکای شرکت های تاسیساتی و صنعتی ایران نیست.

به نام خدا

* احیای سازمان مدیریت و برنامه ریزی؛ انتقادات و انتظارات ۱۱

* گزارشی از فعالیت ها و اقدامات هیأت مدیره سندیکا ۲٤
* همایش پنجاهمین سال تاسیس شرکت ملی صنایع پتروش..... ۲۸
* شرکت های پیمانکاری چند بار باید ارزشیابی شوند؟ ۳۲
* بیمه نامهٔ اجرای تعهدات پیمانکاری ۳۳

* بهره گیری از فناوری GTL ۳۸
* کاربردهای نیروگاه های حرارتی خورشیدی ٤۲
* تصفیه و سالم سازی آب استخر / بخش دوم و پایانی ٤٦

* بحران های اقتصاد ایران / بخش دوم و پایانی ٤۹
* قربانیان حوادث رانندگی در ایران ۵۳
* اعتماد، سنگ بنای جامعه سالم ۵٤
* اصول حاکمیت شرکتی ۵٦
* خطرات تغییر آب و هوا ٦۰
* گوهر خود را هویدا کن! ٦۲
* نروژ "بلای نفت" را چطور دفع می کند؟ ٦۵
* تهران را باید جابجا کرد یا آلاینده هایش را؟ ٦۸
* در آرزوی ایران بدون فساد ۷۰
* گلگشت ۷٤

* مروری بر خبرها و نظرها ۷٦

گزارش میزگرد ویژه:

احیای سازمان مدیریت و برنامه ریزی؛ انتقادات و انتظارات
همراه با نگاهی به ترکیب اقلام بودجهٔ سال ۱۳۹٤

اشاره

گفته شده است: بهترین راه برای پیش بینی آینده، ساختن آینده است و اکنون که بحث احیای سازمان مدیریت و برنامه ریزی از یک طرف و بحث بودجه سال ۱۳۹٤ از طرف دیگر مطرح است، فرصت مناسبی است برای فعالان حوزه های فنی و مهندسی کشور که وارد صحنه شوند و در ساختن آینده کشور و وضعیت کسب و کار خودشان مشارکت نمایند. موضوع این میزگرد هم بحث در بارهٔ همین دو رویداد است و می خواهیم با صبر و استقامتی بایسته، زوایای مربوط به این دو موضوع را مورد توجه قرار بدهیم و انتقادات و انتظارات بخش قابل توجهی از ذیحقان و ذینفعان این دو رویداد را به گوش دست اندرکاران مربوطه، اعم از کسانی که در نهادهای قانونگذاری نشسته اند و کسانی که در موضع قوه مجریه به خدمت مشغولند، برسانیم، بدان امید که نقطه نظرهای مزبور هم مورد توجه آنان قرار گیرند.

آنچه از نظرتان گذشت، سخنان آغازین محمدحسین دانایی، سردبیر مجله توسعه در میزگرد ویژه این شمارهٔ مجله توسعه بود، میزگردی که با حضور دکتر غلامحسن عبیری، نویسنده و عضو هیأت علمی دانشگاه- مهندس علی آزاد، دبیر انجمن شرکت های راه سازی ایران- مهندس منوچهر مشکوة، عضو هیأت مدیره و مهندس کامران باغگلی، مشاور سندیکای شرکت های تأسیساتی و صنعتی ایران و در محل این سندیکا برگزار شد.

لازم به ذکر است که این میزگرد از دو بخش تشکیل شده. در بخش اول، ضمن نگاهی سریع به ترکیب اقلام بودجه سال ۱۳۹٤، نظریات حاضران در خصوص وضعیت اعتبارات عمرانی مطرح شده و در بخش دوم نیز موضوع احیای سازمان مدیریت و برنامه ریزی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

در ادامه، توجه شما را به عمده ترین مباحث این میزگرد جلب می کنیم.

توسعه تأسیسات و تجهیزات

بخش اول- نگاهی به ترکیب اقلام بودجهٔ سال ۱۳۹٤

پیش درآمد

سردبیر فصلنامه توسعه تأسیسات و تجهیزات، در شروع میزگرد و به عنوان مقدمهٔ ورود به بحث لایحه بودجه سال ۱۳۹٤ گفت: بدون تردید، شناخته شده ترین و در عین حال، عزیزترین سرمایه ای که در اختیار انسان ها و جوامع انسانی قرار دارد، سرمایه های مادی و اقتصادی است، اما سرمایه هایی مهمتر از سرمایه های مادی نیز وجود دارند که علیرغم اهمیتشان، ناشناخته مانده اند و در نتیجه، مورد بی اعتنایی قرار گرفته اند. یکی از این نوع سرمایه های پربها، ولی ناشناخته، سرمایه های اجتماعی است که مطابق عقیدهٔ بسیاری از صاحبنظران، وجودشان از سرمایه های اقتصادی هم مهمتر و موثرتر است، چون اگر سرمایه های اجتماعی به صورت قوی در جامعه شکل نگرفته باشند، سرمایه گذاری های اقتصادی منجر به نتیجهٔ مطلوب نخواهند شد. وی افزود: یکی از مهمترین اشکال سرمایه اجتماعی هم "اعتماد" است، اعتماد تک تک آحاد مردم به خودشان و به دیگران، به ویژه اعتماد به دولت ها، چون اگر فعالان حوزه های مختلف اقتصادی و اجتماعی به دولت ها اعتماد داشته باشند و فضای عمومی هم به آنان اجازه بدهد که به خودشان و توانایی های انسانی شان اعتماد داشته باشند، آنوقت با روحیه و نشاط لازم به صحنه می آیند و به نقش آفرینی می پردازند. بدیهی است که اعتماد مردم به دولت ها هم با لفاظی و شعار و تبلیغات به دست نمی آید. در این عرصه حرف کافی نیست، عمل لازم است.

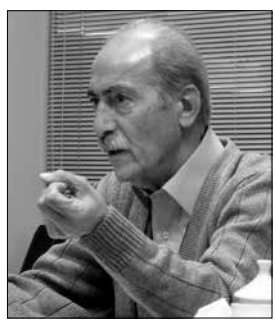

آقای محمدحسین دانایی: اعتماد مردم به دولت ها، با لفاظی و شعار و تبلیغات بدست نمی آید. در این عرصه حرف کافی نیست، عمل لازم است.

وی سپس با اشاره به شعار محوری دولت یازدهم که "تدبیر و امید" بود، افزود: امید محصول اعتماد است و دولتی که تدبیر و امید را در صدر برنامه های اجتماعی خویش قرارداده، علی الاصول باید بیشترین اهتمام را در

اگر دولت واقعاً می خواهد کار بکند، باید بوروکراسی موجود را به بوروکراسی مولد تبدیل کند.

جلب اعتماد عمومی داشته باشد تا بتواند به امیدواری مردم دل ببندد، وگرنه بی اعتمادی مردم منجر به نومیدی آنان و ترک صحنه می شود. بنابراین، نخستین سوالی که در رابطه با لایحه بودجه سال ۱۳۹٤ به نظر می رسد، این است که آیا دولت یازدهم از این فرصت تاریخی برای جلب اعتماد یا تقویت اعتماد مردم استفاده کرده و در جریان تنظیم بودجه که سند دخل و خرج دولت در سال آینده است، رفتار صادقانه ای با مردم داشته است یا خیر؟ آیا اقلام درآمد و هزینه و منابع و مصارف بودجه سال ۱۳۹٤ واقع بینانه است یا خوش بینانه یا خوش باورانه، آنهم با کسری های پنهان شده در لابلای فصول و مواد گوناگون؟ و بعد هم به طور خاص می خواهیم ببینیم که وضعیت اعتبارات عمرانی در این لایحه چگونه است و سرنوشت فعالان خدمات فنی و مهندسی کشور که رونق و رکود کسب وکارشان –خواهی نخواهی– به وجود و عدم اینگونه منابع گره خورده است، چگونه خواهد بود؟ وی افزود: البته در این روزها متداول شده است که وقتی بحث به وضعیت اعتبارات عمرانی می رسد، همه به یاد کاهش قیمت نفت در بازارهای جهانی و تأثیر آن بر منابع مالی دولت می افتند و این رفتار را طبیعی می بینند که دولت برای جبران کسر بودجه، به سمت اعتبارات عمرانی دست دراز کند تا بتواند هزینه های جاری اش را تأمین کند، ولی برای باطل کردن این بهانه، کافیست به سایر امکانات دولت جهت کاهش کسری بودجه یا جبران کسری بودجه هم توجه داشته باشیم، مثلاً دولت می تواند از طریق حذف یارانه حدود ۱۰ میلیون نفر از اقشار پردرآمد که مورد تأکید قانونگذار هم هست، بالغ بر ٥٤۰۰ میلیارد تومن از هزینه هایش را کاهش بدهد، یا با اصلاح رفتار خود، جلوی واردات سالانه چهار میلیارد دلار کالاهای لوکس مثل اتومبیل و لوازم آرایشی را بگیرد، یا فکری به حال ۸۰ هزار میلیارد تومان فرار مالیاتی بکند. آقای دانایی در ادامه افزود: برای اثبات این عرایض، کافیست نگاهی داشته باشیم به گزارش تازه یک مقام مسوول که گویای حقایق بسیاری است. در اواخر دی ماه، آقای حبیب الله حقیقی، رییس ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، حقایقی را افشا فرموده اند حاکی از اهمیت عملکرد دولت در مورد مدیریت منابع و مصارف بودجه ای کشور. طبق گفته این مقام، ارزش کالاهای قاچاق شده در سال ۹۲، معادل ۲۰ میلیارد دلار بوده، یعنی حدود ٦۰ هزار میلیارد تومان که دوبرابر کل بودجه عمرانی کشور است!

آقای محمدحسین دانایی در ادامه سخنانش، به نقل قولی از یکی از استادان دانشگاه پرداخت و گفت: آنچه در لایحه بودجه سال ۹٤ ارایه شده، نسبت بسیار ناچیزی با بایسته های رفتاری مورد انتظار از یک دولت توسعه گرا دارد و خیلی کمتر از آن چیزی است که باید می بود. به عبارت دیگر، دولت می توانست همین نصف شدن بهای نفت در بازارهای جهانی را به یک فرصت تاریخی استثنایی تبدیل کند و با برخوردی صادقانه با مردم و با همه ارگان ها و گروه هایی که عادت به رانت خواری کرده اند، ساختار اقتصادی معیوب کشور را به سمت اصلاحات بنیادین هدایت کند و اجازه ندهد که این چرخ همچنان در جهت ناصحیح خود بچرخد.

وی سپس از دکتر عبیری، استاد اقتصاد، درخواست کرد که نظریاتش را در مورد ارقام بودجه به طور کلی و قابلیت عملیاتی شدن آنها بیان کند.

بودجه ۹۴ هم مسأله ای را حل نمی کند

دکتر غلامحسن عبیری، عضو هیأت علمی دانشگاه، ضمن اظهارنظر در خصوص لایحه بودجه سال ۹٤ گفت: بر پایه مطالعات، تحقیقات و مشاهداتم، از اولین روزهایی که وارد ایران شدم، گفتم که این ساختار توسعه نیافته است و شرایط توسعه نیافتگی در جامعه به نحو بارزی دیده می شود. وجود الگوی مصرف افراطی، الگوی فرار سرمایه و الگوی تکنولوژی نامناسب در کنار یکدیگر، حاکی از ساختار توسعه نایافته جامعه است.

این استاد دانشگاه در فراز دیگری از سخنانش، حل مشکلات اقتصادی در یک اقتصاد بسته و بدون ارتباط با اقتصاد جهانی را ناممکن دانست و گفت: وقتی دولت ادعا کرد که در طی برنامه پنجساله اول، بیکاری را ریشه کن می کند، در مقاله "نقد دوستانه ای بر خطوط استراتژیک برنامه پنجساله اول نظام جمهوری اسلامی ایران" نوشتم که حل مشکل بیکاری و تورم، در داخل یک سیستم بسته امکان پذیر نیست و تنها یک راه برای نظام وجود دارد و آن هم آزادسازی است. برای مرور ساختار اقتصادی باید اول بازاری را بوجود بیاورید که اطلاعات و عوامل انسانی در آن بازار جایگاه داشته باشد. دستمزد، نرخ بهره و شاخص قیمت ها همسبتگی درونی دارند. ثروت باید میان عوامل تولید پخش شود، در حالی که در کشور ما ثروت به سرمایه چسبیده است. در اینجا نیروی انسانی محور نیست و تا زمانی که نیروی انسانی محور نباشد، چگونه می توان بودجه ای نوشت که خالی از اشکال باشد؟ بسیاری از کارشناسان

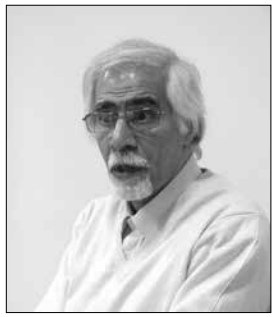

دکتر غلامحسن عبیری: در اینجا نیروی انسانی محور نیست و تا زمانی که نیروی انسانی محور نباشد، چگونه می توان بودجه ای نوشت که خالی از اشکال باشد؟

تصویری از شرکت کنندگان در میزگرد.

ارشد بودجه نویسی معتقدند که درک و فهم درستی از مفاهیم بودجه در ساختار دیده نمی شود، چرا؟ چون بودجه باید با فعالیت و فعالیت با وظایف و وظایف در یک فرایند حرکتی توجیه پذیر باشند، یعنی پولی که در آموزش و پرورش خرج می شود، باید باعث تولید و تربیت نیروی کار مفید شود، نه اینکه مثلاً حسابدار تربیت بکنیم و او به جای کمک به حسابداری مملکت، به فرار مالیاتی کمک کند! یا پزشک تربیت کنیم برای نجات جان انسان ها، ولی عملاً به فکر پرکردن جیب خودش باشد! و غیره.

دکتر عبیری که سابقه خدمت در سازمان برنامه و بودجه را هم در کارنامه خود دارد، سپس به بیان تجربه خود در این سازمان پرداخت و گفت: اگر دولت واقعاً می خواهد کار بکند، باید بوروکراسی موجود را به بوروکراسی مولد تبدیل کند. مطمئناً سازمان مدیریت و برنامه ریزی در گذشته عیب و ایرادهایی داشته و در حال حاضر هم اگر انتظار داشته باشیم که بودجه ای بنویسد که همه مشکلات را رفع کند، انتظار بیجایی است. بنابراین، بودجه سال ۹۴ هم در واقع، یک مسیر تشریفاتی برای ادامه حرکت ساختار موجود است و یک بهبود نسبی هم بوجود خواهد آمد، ولی مسأله ای را حل نمی کند. وی سپس گفت: برای حل مسایل، باید الگوی درست را انتخاب کنیم، شفاف عمل کنیم، متغیرها را بدرستی سرجایشان بگذاریم، استراتژی ها را درست تعریف کنیم و از نخبگان و خبرگان هم بدرستی و به معنای واقعی بهره برداری کنیم. در غیراینصورت، خواهیم دید که چند درصد افراد نخبه جذب ساختارهای بوروکراسی دولتی می شوند: بهترین پزشکان کشور در بخش خصوصی مشغول بکارند، بهترین استادان دانشگاه در خارج از ساختار دانشگاه مشغول به کار هستند! بهترین پیمانکاران در خارج از کشور کار می کنند و بهترین نویسندگان ما هم کتابشان در خارج از کشور چاپ می شود! اینها نشاندهنده الگوهای شناخته شده ای است. لذا همهٔ تدبیر و امید در گروی این است که شفاف باشیم و حاکمیت هم باید هزینهٔ شفاف بودن را بپردازد و در صورت تأخیر در این امر، نسل های بعدی باید هزینهٔ آن را بپردازند. بنابراین، تا دیر نشده باید این کار را انجام دهیم.

صدای شکستن بلور انتظار و امید

مهندس علی آزاد، دبیر انجمن شرکت های راه سازی ایران هم طی سخنانی، اعتماد را زیرمجموعه اخلاق و همانند صداقت، راستی و پذیرش نظارت بر امور تعبیر کرد و به نقل از ملک الشعرای بهار گفت: اقوام روزگار، به اخلاق زنده اند– قومی که گشت فاقد اخلاق، مردنی است.

وی سپس افزود: دولت آقای روحانی در زمان انتخابات اعلام کرد که تدبیر دارد و در جهت اصلاح امور گام برخواهد داشت. خوشبختانه هم آقای روحانی و هم وزرای انتخابی ایشان، دارای سابقه شایستگی خدمت هستند و از طرفی، ملت ایران که از برخی امور سرخورده بود، از این دولت حمایت شایسته ای کرد و بعد از استقرار دولت، انتظاراتی در سطح جامعه بوجود آمد، ولی متأسفانه باید بگویم که این دولت، شاهد صدای شکستن بلور انتظار و امید مردم هست و به خوبی درک می کند که دیوار اعتماد بین مردم و دولت ترک برداشته و بایستی به هر قیمتی از فروریزی آن جلوگیری کرد.

اگر به قوانین موجود عمل شود، دیگر کسی نمی تواند بخاطر تبلیغات محلی برای خودش، پروژه بدون تأمین اعتباری را شروع و در میانه راه، آن را رها کند و باعث ضرر و ورشکستگی پیمانکار و نابودی پروژه و اموال عمومی بشود.

دبیر انجمن شرکت های راه سازی ایران سپس با طرح سوالاتی از این دست که دولت چه کارهایی برای جلوگیری از بروز این وضعیت باید می کرد؟ و اینکه آیا دولت قصد اصلاح امور را داشته است یا خیر؟ به واکاوی علل کاهش اعتماد میان دولت و ملت پرداخت و گفت: مسلماً قصد و نیت، اصلاح امور است، ولی مشکلات بسیار زیادی وجود دارند. مشکل امروز جامعه ما آن است که نهال هایی را می کاریم و با خون دل آبیاری می کنیم، ولی ثمر خوبی نداریم. شاید علت این بی ثمری، کاشت در زمین شوره زار است و برای داشتن ثمر، باید آن زمین و بستر اصلاح شود. مشکل ما آن است که بسترسازی برای اصلاح امور در جامعه به خوبی انجام نشده است و ما امیدواریم که در این مورد اقدام شود. بایستی برای اصلاح زیرمجموعه ها و ساختار اقتصادی کشور، فکر اساسی کرد و تصمیم های قاطع گرفت و قاطعانه و با جدیت اجرا نمود.

مهندس آزاد در مورد لایحه بودجه سال ۹۴ هم گفت: یکی از مسایلی که در بحث بودجه باید مورد توجه قرار گیرد، موضوع معافیت مالیاتی نهادهایی است که با استفاده از امکانات کشور، فعالیت اقتصادی می کنند، ولی مالیات نمی دهند. بر اساس آمار ارایه شده توسط مسوولان کشور، ۴۰ درصد معافیت مالیاتی و ۲۰ درصد فرار مالیاتی در کشور وجود دارد که باید جلوی آن گرفته شود. وی سپس افزود: دولت باید برای اقتصاد بدون نفت برنامه ریزی کند، چون نفت حکم فرش خانه را دارد که برای تأمین هزینه های ماهانه و آتی فروخته می شود. لذا باید کل درآمد حاصل از فروش نفت، صرف سرمایه گذاری برای توسعه کشور بشود.

مهندس علی آزاد: دیوار اعتماد بین مردم و دولت ترک برداشته و بایستی به هر قیمتی از فروریزی آن جلوگیری کرد.

جلوگیری از کاهش اعتبارات عمرانی

مهندس آزاد در ادامه سخنانش، با انتقاد از عملکرد دولت های گذشته در مورد بودجه های عمرانی گفت: در سال های گذشته، همیشه بودجه جاری نسبت به سایر اقلام بودجه، بیشتر بوده و تخصیص بودجه عمرانی هم بیش از میزان واقعی آن اعلام شده است، ولی عملاً در طول سال، مبالغی از بودجه های عمرانی صرف هزینه های جاری دولت شده و حتی بر اساس آمار سازمان برنامه و بودجه، عدم تحقق بودجه های عمرانی، نقش ۸۰درصدی در تأخیر پروژه های عمرانی داشته و باعث شده است که انتظار انجام پروژه های عمرانی از دو یا سه سال، به ده سال و دوازده سال برسد. البته دلیل دیگر آن هم فقدان سازمان مدیریت و برنامه ریزی بوده است، یعنی سازمان برنامه ای که مستقل از فشارهای مسوولان برای اجرای پروژه های موردنظرشان، مسوول و پاسخگو باشد و بر اساس برنامه های کارشناسی شده عمل کند. وی سپس افزود: البته در سال جاری سعی شده است که بودجه های عمرانی به هر قیمتی شده، تأمین شود و تاکنون که ۱۰ ماه از سال ۹۳ گذشته، ۱۰۰ درصد بودجه های عمرانی استانی با پیگیری و فشار نمایندگان مجلس پرداخت شده، اما بودجه های عمرانی سراسری به همین نسبت تحقق نیافته است، این درحالی است که نباید در مورد اهمیت نگهداری از راه های کشور غفلت و کم کاری کنیم، زیرا نگهداری از راه ها به عنوان شریان های ارتباطی و سرمایه ملی کشور بسیار مهم است و عدم توجه به آن ضررهای هنگفتی را برای کشور بوجود خواهد آورد. اما متأسفانه در حال حاضر، به علت نبودن بودجه های مناسب، نگهداری از این سرمایه های ملی مغفول مانده، به طوری که در سال ۸۳ و ۸۴، برای حفظ و نگهداری راه های مملکت، سالانه ۲۸ میلیون تن آسفالت برای روکش جاده ها مصرف می کردیم، ولی این میزان در سال گذشته به شش میلیون تن تقلیل یافت و این موضوع، نمونه ای از کاهش شدید حجم پروژه های عمرانی اجراشده در سال های ۹۲ و ۹۳ می باشد که باعث بیکاری وسیع در میان پیمانکاران طرح های عمرانی شده است.

بخش دوم: احیای سازمان مدیریت و برنامه ریزی؛ انتقادات و انتظارات

سردبیر مجله توسعه تأسیسات و تجهیزات ورود به مباحث بخش دوم میزگرد را با ذکر مقدمه ای آغاز کرد و گفت: کارل گوستاو یونگ، روانشناس سوییسی، تعبیرِ جالب و شاید منحصربفردی در بارهٔ انسان و رفتارهایَ شایسته انسان دارد. او معتقد است انسان هایی می توانند موفق باشند که از طریق تجاربِ خویش آموخته اند که بار ناخوشی ها و ناملایمات را بدَونِ مغلوب شدن در برابر آنها، تحمل کنند. بر اساس این تعریف، شرط لازم برای موفق بودن، همانا توانمندیِ بالا در شکیبایی و استقامت است. نظام برنامه ریزی مملکت ما هم از مدتی قبل، دچار یک مرگ مغزی شده بود و حال، در اثر همان نوع شکیبایی ها و استقامت ها یا به هر علت دیگری درحال احیاست و این امر، فی حدذاته نویدبخش یک رویکرد عقلایی و منطقی به مسایل است. حال اگر احیای سازمان مدیریت و برنامه ریزی را یک حرکت اصیل تلقی کنیم و نه یک حرکت نمایشی، طبیعتاً باید انتظار داشته باشیم که گام هایی که به دنبال این تصمیم برداشته می شود، مبتنی بر عقل و منطق قابل قبولی باشد و برای شروع این دور تازه هم علی الاصول عقل و منطق ایجاب می کند که از تمام نیروهای شایستهٔ جامعه برای به چرخش درآوردن این فرایند تازه استفاده شود، اعم از اینکه این نیروها در بخش دولتی و یا غیردولتی مشغول به کارند. وی در ادامه افزود: واقعیت آن است که عدهٔ زیادی از افراد لایق در رشته های مختلف، درخدمت دولت نیستند و این عقلایی نیست که دولت برای تدوین خط مشی های کلی آینده مملکت، خودش را از توانایی های اینگونه نیروهای عاقل و شایسته محروم کند. بنابراین، اگر نگاه حاکمیت به فرایند برنامه ریزی، نگاه عاقلانه ای باشد، از همه نیروهای عقلایی مملکت که بخشی از آنها در تشکل های صنفی و حرفه ای هستند، استفاده خواهد کرد و تشکل های صنفی و حرفه ای هم بنا بر رسالت اجتماعی خودشان، این وظیفه را احساس می کنند که انتقاداتشان در مورد روند برنامه ریزی گذشته و انتظاراتشان از روند برنامه ریزی آینده را به اطلاع مسوولان برسانند. در واقع، یکی از دلایل برگزاری این جلسه هم این است که ما به سهم خودمان کوتاهی نکرده باشیم و اگر می توانیم در ساختار جدید برنامه ریزی کشور یک آجر درست بگذاریم، دریغ نکنیم و بموقع اینکار را انجام بدهیم.

تعدادی از شرکت کنندگان در میزگرد.

تعامل به جای تقابل با بخش خصوصی

در ادامه این نشست، مهندس منوچهر مشکوه، عضو هیأت مدیره سندیکای شرکت های تأسیساتی و صنعتی ایران، پس از ابراز امیدواری نسبت به اثربخشی مباحث این میزگرد در پی ریزی ساختار جدید سازمان مدیریت و برنامه ریزی، گفت: به نظر من، اصولاً باید تحکم در ساختار جدید سازمان برنامه از بین برود و مسوولان این سازمان به جای اینکه بخش خصوصی را در مقابل خود ببینند و در تقابل با آن باشند، در تعامل با بخش خصوصی عمل کنند و اجازه بدهند که کارشناسان بخش خصوصی نظریات سازندهٔ خود را مطرح کنند. وی افزود: واقعیت آن است که در خلال سال های گذشته، ما همواره مسایل و مشکلات را به گوش مسوولان رسانده ایم، ولی تاکنون توجه و گوش شنوایی وجود نداشته است. به عنوان مثال، وقتی که موضوع اصلاح شرایط عمومی پیمان مطرح شد، نمایندگان تشکل های مهندسی با شرکت در جلسات متعدد بحث و گفتگو با کارشناسان معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور، نظریاتشان را برای بهبود شرایط عمومی پیمان ارایه کردند، اما متأسفانه مسوولان دولتی نظریات ما را کنار گذاشتند و در پشت درهای بسته شرایط عمومی پیمان مورد نظر خودشان را تدوین کردند که اگر ابلاغ می شد، برای ما فاجعه بار بود و مشکلات جدیدی را بر مشکلات قبلی می افزود که خوشبختانه ابلاغ نشد. بنابراین، امید ما آن است که در ساختار جدید

در شرایط موجود که چارت جدید سازمان مدیریت و برنامه ریزی در دست تدوین است، بهترین فرصت برای طرح این پیشنهاد است که جایگاه نهاد تعامل در تشکیلات سازمان مدیریت و برنامه ریزی رسمیت پیدا کند.

اول باید بستر کار فراهم شود، یعنی باید بخش دولتی- نه تنها در سازمان مدیریت و برنامه ریزی، بلکه در همهٔ بخش ها- واقعاً اعتقاد پیدا کند که ادامه شرایط موجود، به نفع مملکت نیست و بعد براساس این اعتقاد، برای اصلاح وضعیت فعلی با بخش خصوصی گفتگو کند.

سازمان برنامه، مجرایی برای شنیدن نظریات بخش خصوصی بوجود بیاید و مسوولان نسبت به این نظریات تعقل کنند و در صورت درست بودن، آنها را به کار گیرند.

مهندس مشکوه در ادامه سخنان خود، برخی از انتظارات جامعه پیمانکاری از سازمان مدیریت و برنامه ریزی جدید را به شرح زیر برشمرد:

-نهادینه کردن مشارکت تشکل های صنفی و استفاده از نظریات آنها در تدوین فهارس بهای پایه و شاخص های تعدیل و اعلام بموقع آنها.

- واگذاری کار تشخیص صلاحیت و رتبه بندی شرکت های پیمانکاری به سندیکای مربوطه.

- انجام اقدامات عملی برای جلوگیری از واگذاری پروژه های عمرانی به شرکت ها و سازمان های وابسته به دولت و نهادهای دولتی که ناقض اصل عدم وابستگی پیمانکاران و مشاوران به دولت است و زمینه رانت جویی و رانت خواری را در جامعه شکل می دهد.

- پیش بینی مکانیسمی در متن قراردادهای تیپ برای پرداخت جریمه تأخیر در پرداخت صورت وضعیت پیمانکاران پس از تأیید نهایی کارفرما.

- پیش بینی مراجع بیطرف در متن قراردادهای تیپ برای رفع اختلاف بین کارفرما و پیمانکار و توجیه آنها قبل از آنکه مجبور به مراجعه به داوری و یا مراجع قضایی بشوند.

- بررسی همه جانبه به منظور یافتن راه حلی برای ایجاد هماهنگی های لازم با وزارت دادگستری برای ایجاد دادگاه های تخصصی جهت رسیدگی به دعاوی پیمانکاری.

الزام به رعایت قوانین و مقررات

مهندس کامران باغگلی، مشاور فعلی سندیکا که قبلاً یکی از مدیران سازمان برنامه و بودجه بوده است نیز ضمن نقد عملکرد این سازمان گفت: مشکل اساسی ما در سازمان برنامه و بودجه، کمبود قوانین و مقررات نیست، بلکه عدم رعایت قوانین و مقررات موجود است. ما قوانین خوبی داریم که مراعات نمی کنند، مانند قانون مناقصات. در این قانون، صریحاً آمده است که ابتدا اعتبار پروژه تأمین شود و سپس مناقصه برای آن برگزار شود، ولی مسوولان مملکت به استان ها سفر می کنند و در جلسه با مسوولان استان، ده ها پروژه را تصویب می کنند، بدون آنکه نحوهٔ تأمین اعتبار پروژه ها مشخص باشد و در نتیجهٔ این نوع عملکرد، هزاران پروژه نیمه تمام روی دست دولت مانده و مشکلات متعددی را به بار آورده است، حال آنکه در قانون محاسبات سال های گذشته، اجرای پروژه بدون تأمین اعتبار آن، به منزلهٔ تصرف در اموال عمومی است و برای ذیحساب و مسوول دستگاه اجرایی مربوطه، از یک تا سه سال زندان درنظر گرفته شده بود. بنابراین، اگر به قوانین موجود عمل شود، دیگر کسی نمی تواند به خاطر تبلیغات محلی برای خودش، پروژه ای را بدون تأمین اعتبار شروع کند و در میانه راه، آن را رها کند و باعث ضرر و ورشکستگی پیمانکار و نابودی پروژه و اموال عمومی بشود.

مشاور سندیکا سپس به ذکر مصادیقی از نادیده گرفتن قوانین و مقررات توسط دولت پرداخت و گفت: در ماده ۲۲ قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار صراحتاً گفته شده است که در شرایط مساوی برای واگذاری پروژه ها، اولویت با بخش خصوصی است، ولی چندی پیش، شهردار تهران اعلام کرد که در سال آینده، کلیهٔ پروژه های شهرداری به قرارگاه خاتم الانبیا واگذار می شود! حال آنکه با واگذاری این پروژه ها به پیمانکاران بخش خصوصی، شرکت های زیادی از حالت رکود خارج شده و با فعالیت آنها، هزاران نفر مشغول به کار می شوند و می توانند زندگیشان را

مهندس منوچهرمشکوه: امید ما آن است که در ساختار جدید سازمان برنامه، مجرایی برای شنیدن نظریات بخش خصوصی بوجود بیاید و مسوولان نسبت به این نظریات تعقل کنند و در صورت درست بودن، آنها را به کار گیرند.

بگذرانند. بنابراین، اشکال از قوانین و یا کمبود قوانین نیست، بلکه اشکال از مسوولانی همچون شهردار تهران است که چنین حاتم بخشی ای برای قرارگاه خاتم الانبیا می کند. وی در ادامه افزود: همچنین طبق ماده ۷۵ قانون برنامه پنجساله پنجم، شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی با مشارکت هشت نماینده از بخش خصوصی و تعدادی از وزرا و روسای سازمان برنامه و بانک مرکزی تشکیل شده، ولی با گذشت چند سال از اجرای برنامه پنجم، این شورا هیچ خروجی ای نداشته و کمکی به تسهیل فعالیت بخش خصوصی در کشور نکرده است. لذا بار دیگر تأکید می کنم که مشکل اصلی بخش خصوصی در کشور ما، کمبود قوانین نیست، بلکه عدم رعایت قوانین تسهیل کنندهٔ فعالیت بخش خصوصی است.

لزوم رسمیت یافتن جایگاه نهاد تعامل در چارت جدید سازمان مدیریت و برنامه ریزی

مهندس باغگلی در ادامه سخنانش گفت: در شرایط موجود که چارت جدید سازمان مدیریت و برنامه ریزی در دست تدوین قرار گرفته، بهترین فرصت برای طرح این پیشنهاد است که جایگاه نهاد تعامل در تشکیلات سازمان مدیریت و برنامه ریزی رسمیت پیدا کند، چون در حال حاضر، نهاد تعامل حالت مشورتی دارد و لذا دولت به نظریات نمایندگان بخش خصوصی در این نهاد توجهی نمی کند. به عنوان مثال، در جریان تجدیدنظر در متن شرایط عمومی پیمان، جلسات متعددی با حضور نمایندگان تشکل های بخش خصوصی تشکیل شد و همه تشکل ها هم نظریات اصلاحی خودشان را در این مورد ارایه کردند، ولی عاقبت آنچه برای انتشار آماده شد، با نظریات و خواسته های آنها فرسنگ ها فاصله داشت، در حالی که با رسمیت یافتن جایگاه نهاد تعامل در تشکیلات جدید سازمان مدیریت و برنامه ریزی، توجه به نظریات این نهاد برای دولت الزام آور می شود و منافع آن هم عاید هر دو طرف، یعنی دولت و بخش خصوصی خواهد شد.

وی سپس با تأکید بر اهمیت وجود اعتماد میان دولت و مردم گفت: جالب اینجاست که دولتی ها به خودشان هم اعتماد ندارند، به طوری که قانون فاینانس برای پرداخت صورت وضعیت پیمانکاران در مجلس تصویب شده و هیأت وزیران هم آیین نامه آن را تدوین و تصویب کرده، ولی بانک های دولتی به علت اعتمادنداشتن به دولت، به این قانون عمل نمی کنند!

جلوگیری از کلنگ زنی های نمایشی

مشاور انجمن سپس با بیان اینکه قبل از انقلاب هم دستگاه های اجرایی نظر خوبی راجع به سازمان برنامه نداشتند و این سازمان را مانع فعالیت هایشان می دانستند و ترجیح می دادند که منابع دراختیارشان را هر طور که مایلند، هزینه کنند، اظهار داشت: امور کشور بدون وجود برنامه و بدون تلفیق برنامه و بودجه، پیش نمی رود. لذا در ساختار جدید سازمان برنامه حتماً باید در مورد پروژه های بزرگ مطالعات فنی و اقتصادی انجام شود و از کلنگ زنی های فاقد توجیه فنی و اقتصادی که جنبه نمایشی دارد، جلوگیری شود.

چهار محور ضروری در ساختار جدید سازمان

دکتر عبیری هم ضمن بیان دیدگاهش در خصوص محورهای مهمی که باید در ساختار جدید سازمان مدیریت و برنامه ریزی مورد توجه قرار گیرند، گفت: سازمان مدیریت و برنامه ریزی باید چهار محور را در دستور کار خود قرار دهد:

۱) هدایت ساختار اقتصادی به سمت رقابت

حضور نمایندگان تشکل های صنفی در جلسات حل اختلاف میان کارفرمایان و پیمانکاران، امکان دفاع بهتر از منافع همه ذینفعان پروژه ها را فراهم می کند.

مهندس کامران باغگلی: مشکل اساسی ما در سازمان برنامه و بودجه، کمبود قوانین و مقررات نیست، بلکه عدم رعایت قوانین و مقررات موجود است.

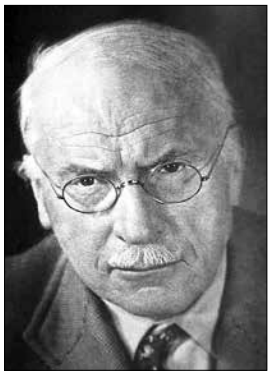

کارل گوستاو یونگ، روانشناس سوییسی، معتقد است که باید ناملایمات را تحمل کرد، ولی نباید مغلوب آنها شد.

سازنده، یعنی باید جلوی هر نوع انحصارگرایی، اقتدارگرایی و حکومت فردی را بگیرد و زمینه فعالیت را برای بخش خصوصی، بخش دولتی و NGOها (حتی در خارج از کشور) فراهم کند.

۲) قیمت گذاری عوامل تولید، یعنی منطقی کردن دستمزد نیروی انسانی، نرخ بهره سرمایه و شاخص قیمت کالاها و خدمات. منظور از منطقی کردن قیمت عوامل تولید آن است که نسبت های عوامل مذکور در کشورهای توسعه یافته را که منجر به رشد اقتصادی در آن کشورها شده، در کشور پیاده سازی کند.

۳) از آنجا که محور توسعه انسان است، مسوولان سازمان برنامه باید از این محور فاصله نگیرند و سرمایه و تکنولوژی را محور توسعه قرار ندهند و همانطور که بارها تأکید کرده ام، نگویند امنیت و توسعه، بلکه بگویند آزادی، امنیت و توسعه. اگر انسان را محور توسعه قرار بدهیم، یک حرکت کاملاً شفاف و زیربنایی را برای تحقق توسعه انجام داده ایم.

٤) محور چهارم آن است که نباید بیش از این از اقتصاد به سیاست رانت بدهیم، لذا باید ضریب جینی یا فاصله میان درآمد طبقات اجتماعی را کاهش دهیم. به عبارت دیگر، سازمان برنامه باید در مسیر توزیع منطقی درآمد، الگو باشد و خط مشی تعیین کند.

وی در ادامه این بخش از سخنان خود گفت: اگر سازمان برنامه می خواهد به عنوان یک دستگاه بوروکراتیک وارد کار بشود و اشتباهات گذشته را تکرار کند، منطقی تر است که اصلاً احیا نشود، ولی اگر سازمان برنامه چهار محور مذکور را که بر پایه مطالعات و تجربیات میدانی خودم مطرح کرده ام، به عنوان مأموریت های اصلی خود در نظر بگیرد و به اجرا بگذارد، به تدریج جایگاه خودش را پیدا خواهد کرد.

سازمانی غیردولتی برای تغییر بنیان های غلط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

در ادامه مباحث، آقای دانایی خاطرنشان ساخت که البته با توجه به سابقه بیش از ۷۰ سالهٔ نظام برنامه ریزی در کشور ما، انتظار می رود که در تجدید ساختار سازمان مدیریت و برنامه ریزی، اشتباهات گذشته اصلاح شود. به علاوه، نظریات و انتظارات مطرح شده از سازمان مدیریت و برنامه ریزی به تدریج مرا به این صرافت می اندازد که سازمان مدیریت و برنامه ریزی جدید اگرنه یک سازمان فرادولتی، حداقل باید یک سازمان غیردولتی و جدای از بدنه دولت باشد تا بتواند با تأثیرگذاری بر ساختار و کارکرد نهادهای دولتی، بنیان های غلط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ما را تغییر بدهد و تمام چرخهٔ عظیم تمدنی را به طرف یک مسیر صحیح هدایت کند. وی افزود: بدون تردید، این انتظار، انتظار بسیار بزرگی است. ما هم اگر واقعاً انتظار داریم که سازمان برنامه جدید بار تمام این مسوولیت ها را به دوش بگیرد و تمام کجروی ها و کم کاری های دیگر نهادهای حاکمیتی را تصحیح کند، بنابراین، باید مخلصانه دست به دستش بدهیم و به طور جدی کمکش کنیم تا از پس این رسالت بزرگ برآید.

دانایی در این مرحله از میزگرد، از مهندس مشکوه و مهندس باغگلی درخواست کرد که ضمن بیان انتقادات خود نسبت به عملکردهای گذشته، سایر انتظارات صنف از این نهاد در حال شکل گیری را نیز بیان کنند.

زعامت سازمان مدیریت و برنامه ریزی در همهٔ ساخت وسازها

مهندس مشکوه نیز در راستای انتظارات صنفی

یکی از مهمترین مطالبات امروز پیمانکاران و مشاوران بخش خصوصی از دولت، پرداخت مطالبات معوق آنهاست.

از سازمان مدیریت و برنامه ریزی نسل جدید گفت: تاکنون سازمان مدیریت و برنامه ریزی از جواب دادن به سوالات مربوط به پیمان هایی که با شرایط عمومی پیمان این سازمان بسته شده اند، ولی ارتباطی با بودجه های عمرانی و اعتبارات طرح های تملک دارایی های سرمایه ای نداشته اند، طفره می رفته است، ولی ما انتظار داریم که سازمان مدیریت و برنامه ریزی جدید زعامت کلیه ساخت وسازها در کشور، اعم از عمرانی و غیرعمرانی را برعهده بگیرد و به طرفین کلیهٔ قراردادهایی که از شرایط عمومی پیمان و ضوابط سازمان برنامه استفاده می کنند، پاسخگو باشد.

استفاده از پیمانکاران خبره برای رفع اختلافات در پروژه ها

این عضو هیأت مدیره سندیکا در ادامه سخنانش گفت: بسیاری از اختلافات میان پیمانکاران و گروه های کارفرمایی، به علت عدم درک و یا درک اشتباه از قوانین و مقررات است. لذا ما انتظار داریم که برای حل سریع اختلافات میان کارفرمایان و پیمانکاران، سازمان مدیریت و برنامه ریزی هر شهرستان، خبرگان پیمانکاری آن شهر را شناسایی کند و آنها را به عنوان کارشناسان رسمی بپذیرد و در صورت بروز اختلاف میان عوامل پروژه –قبل از ارجاع اختلاف به داوری و یا اعمال ماده ۵۳ شرایط عمومی پیمان و غیره– این کارشناسان از طریق گفتگو و مذاکره با طرفین، ابهامات را رفع و اختلافات را حل کنند.

برخی دیگر از انتظارات اعضای سندیکای شرکت های تأسیساتی و صنعتی ایران که در این جلسه توسط مهندس مشکوه مطرح شد، عبارتند از:

– تشکیل "معاونت بخش خصوصی" در ساختار جدید سازمان مدیریت و برنامه ریزی.

– نظارت دقیق بر اجرای قوانین و جلوگیری از برخوردهای سلیقه ای و تفسیر به رأی قوانین در وزارتخانه ها و دستگاه های اجرایی.

–تدوین برنامه های توسعه ای و قوانین بودجه سالانه با مشارکت بخش خصوصی.

–نظارت بر حسن اجرای قوانین

انتقاد از برخی مواد شرایط عمومی پیمان جدید

سپس مهندس باغگلی با انتقاد از برخی مواد شرایط عمومی پیمان جدید، اجرای آن را برای پیمانکاران مصیبت بار دانست و در ادامه افزود: مطابق یکی از مواد شرایط عمومی پیمان جدید، کارفرما می تواند معادل مبلغ اولیه پیمان، از پیمانکار ادعای خسارت بکند، یعنی در یک قرارداد ۳۰ میلیارد تومانی، کارفرما می تواند عین همین مبلغ را از پیمانکار بابت خسارت مطالبه کند، این در حالی است که پیمانکار نمی تواند خسارت زیادی به پروژه بزند، چون در هر پروژه، مشاور به عنوان دستگاه نظارت کارفرما، عملیات اجرایی پیمانکار را زیر نظر دارد و اگر کار پیمانکار مطابق مشخصات نباشد، جلوی کارش را می گیرد و باید کار را دوباره انجام دهد. بنابراین، پیمانکار

سازمان برنامه اگر می خواهد موفق باشد، باید جایگاه دانش را در درون خود احیا کند و با تأکید بر بودجه ریزی و برنامه ریزی، ابعاد نظارتی و هماهنگی را نیز بالا ببرد.

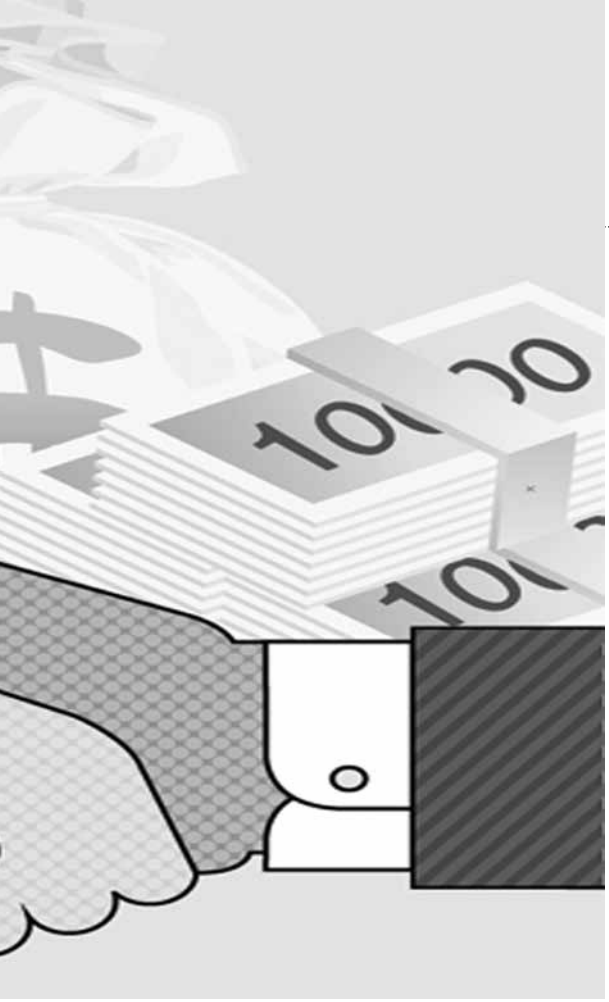

چندان اهمیتی ندارد که سازمان جدید چه نامی داشته باشد، بلکه مهم آن است که از استقلال و اختیار لازم در انجام وظایفش برخوردار باشد.

نمی تواند خسارت زیادی به پروژه بزند، ولی برای دستگاه اجرایی ادعای خسارت کردن خیلی راحت است و آنوقت پیمانکار باید سال ها در دادگاه ها دوندگی کند و وکیل بگیرد و با تحمل هزینه های گزاف ثابت کند که خسارتی به پروژه نزده است.

وی در ادامه نقد مفاد شرایط عمومی پیمان جدید گفت: در ماده ۳۷ شرایط عمومی پیمان ذکر شده است که چنانچه مطالبات پیمانکار در ارتباط با صورت وضعیت های کارکرد، بیشتر از ۲۰ درصد مبلغ اولیه پیمان شود، پیمانکار می تواند تقاضای خاتمه پیمان بکند، اما بررسی این ماده نشان می دهد که پیمانکار باید توان مالی تا ۲۰ درصد مبلغ اولیه پیمان را داشته باشد و در واقع، باید در پروژه سرمایه گذاری کند، در حالی که پیمانکار کار خدماتی انجام می دهد و سرمایه گذار نیست.

رفع مشکلات رتبه بندی شرکت های پیمانکاری

مشاور سندیکا سپس با انتقاد از ضوابط و شرایط تشخیص صلاحیت شرکت های پیمانکاری گفت: در گذشته، پیمانکاران با مراجعه به کارشناسان سازمان مدیریت و برنامه ریزی مشکلات مربوط به رتبه بندی خود را حل می کردند، ولی پس از کامپیوتری شدن تشخیص صلاحیت شرکت ها، مشکلات زیادی برای پیمانکاران ایجاد شده و متأسفانه دسترسی به کارشناسان مربوطه هم بسیار سخت شده است و به نامه ها هم جواب داده نمی شود، چنانکه تاکنون از سوی سندیکا ده ها نامه در مورد مشکلات رتبه بندی شرکت های عضو به معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی سابق نوشته شده، ولی همهٔ آنها بی جواب مانده است، حال آنکه در ماده ۵۳ شرایط عمومی پیمان تصریح شده که اگر کسی در چارچوب بخشنامه های سازمان برنامه مشکلی داشته باشد، آنها باید جواب بدهند و براساس همان جواب هم عمل کنند، ولی به این ماده قانونی عمل نمی شود. وی همچنین خاطرنشان ساخت که البته مهندس شافعی، معاون فنی سازمان مدیریت و برنامه ریزی، با شنیدن مشکلات رتبه بندی پیمانکاران برای رفع آنها دستوراتی صادر نمود، اما متأسفانه زیرمجموعهٔ ایشان از ایشان تبعیت نمی کنند.

حضور نمایندگان تشکل های صنفی در هیأت های حل اختلاف

مهندس باغگلی همچنین با اشاره به وظیفه تشکل های صنفی در دفاع از حقوق اعضایشان، اظهار داشت: حضور نمایندگان تشکل های صنفی در جلسات حل اختلاف میان کارفرمایان و پیمانکاران، امکان دفاع بهتر از منافع همه ذینفعان پروژه ها را فراهم می کند. بنابراین، لازم است که این موضوع هم در ساختار جدید سازمان مدیریت و برنامه ریزی مورد توجه قرار گیرد.

لزوم استقلال سازمان مدیریت و برنامه ریزی

در ادامه این نشست، مهندس آزاد با اشاره به اینکه احیای سازمان مدیریت و برنامه ریزی، یکی از درخواست های تشکل های صنفی از دولت دکتر روحانی در جریان مبارزات انتخاباتی ایشان بود، اظهار داشت: چندان اهمیتی ندارد که سازمان جدید چه نامی داشته باشد، بلکه مهم آن است که از استقلال و اختیار لازم در انجام وظایفش برخوردار باشد. به عبارت دیگر، اگر مانند گذشته همه امور به صورت دستوری انجام شوند، احیای سازمان مدیریت و برنامه ریزی، فایده ای نخواهد داشت. بنابراین، امیدواریم که ساختار جدید سازمان مدیریت و برنامه ریزی، طوری تنظیم شود که دارای استقلال لازم باشد و برنامه توسعه کشور را با همکاری متخصصان و نهادهای اجرایی تدوین کند و در مرحله سوم، با توجه به اهمیت کارها و برنامه ریزی صورت گرفته و متناسب با

تنها کافی نیست که از دولت بخواهیم تا مسیر اجرای پروژه های عمرانی را باز کند، بلکه باید به دنبال زدودن آلودگی های این مسیر و سالم سازی آن باشیم و تشکل های بخش خصوصی باید در این زمینه هم به طور خیلی جدی با دولت چانه زنی کنند.

بودجه های مملکت، برنامه های اجرایی سالانه را تهیه کند.

مهندس آزاد همچنین گفت: انجام کارهای موازی در مملکت لطمهٔ زیادی به جامعه وارد کرده است. در حال حاضر، دفاتر فنی استان ها، سازمان برنامه کوچکی هستند که منابع در اختیارشان را هزینه می کنند، اما باید سازمان برنامه و بودجه بر روند اجرا و هزینه کرد بودجه های استان ها نظارت کند و تطابق کارهای انجام شده توسط نهادهای اجرایی با برنامه های توسعه را بررسی کند. آنوقت می توان انتظار داشت که فعالیت سازمان برنامه و بودجه برای کشور مفید واقع شود.

وی در بخش دیگری از سخنانش گفت: نمی دانم چرا در محدوده نظام فنی و اجرایی، هرچه ما می گوییم، ثمر نمی دهد؟ چرا باید پس از دو سال تلاش گروهی کارشناسان معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی و نمایندگان تشکل های صنفی برای تدوین یک شرایط عمومی پیمان که بتواند به پیشبرد بهتر پروژه ها کمک بکند، یکباره متنی مخالف انتظار ما ارایه شود و درنتیجه، ماهم بگوییم: از طلا گشتن پشیمان گشته ایم-مرحمت فرموده، ما را مس کنید!

شرکت های پیمانکاری باید یک بار رتبه بندی شوند

مهندس آزاد سپس با اشاره به مشکلات موجود در فرایند رتبه بندی شرکت های پیمانکاری، گفت: رتبه بندی شرکت های پیمانکاری، جواز کسبی است که سازمان برنامه به شرکت های پیمانکاری می دهد و کارفرمایان هم قبل از برگزاری مناقصات، توان مالی و اجرایی پیمانکاران را ارزیابی می کنند. بنابراین، هر شرکتی باید تنها یک بار رتبه بندی شود، مگر آنکه متقاضی ارتقای رتبه خود باشد و یا مرتکب خلافی شده باشد و بر اساس آیین نامه های اجرایی مربوطه و یا به تشخیص دادگاه صالحه، از شرکت سلب صلاحیت شده باشد. وی سپس افزود: البته هم دکتر نوبخت و هم مهندس شافعی معتقد به رفع مسایل رتبه بندی شرکت ها هستند و حتی مهندس شافعی اعلام موافقت خود را با تمدید رتبه پیمانکاران تا سال ۹۵ اعلام می کند، ولی زیرمجموعهٔ ایشان در مخالفت با تصمیم ایشان، تهدید به استعفای دسته جمعی می کنند! و نمی خواهند استخوانی که در لای زخم گذاشته شده، توسط مسوولان رده اول کشور برداشته شود و اوضاع بهبود یابد.

مقابله با نقض قوانین

دبیر انجمن شرکت های راه سازی ایران در ادامه سخنانش، خواهان مقابله سازمان مدیریت و برنامه ریزی جدید با نقض قوانین توسط مسوولان این سازمان و

عدم تحقق بودجه های عمرانی، نقش ۸۰ درصدی در تأخیر پروژه های عمرانی داشته است.

دستگاه های اجرایی شد و گفت: مطابق قانون مناقصات، در هر مناقصه ای، قیمت های پیشنهادی توسط کمیسیونی ارزیابی می شود، اما اعضای این کمیسیون ها برای قراردادن خود در یک حاشیه امن، کمترین قیمت پیشنهادی را به عنوان برنده مناقصه انتخاب می کنند و پروژه و منافع ملی را به خطر می اندازند. ناگفته نماند که اگرچه معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی سابق، در اقدامی ارزشمند، محدوده قیمت متناسب را ایجاد کرده، ولی کارفرماها به آن هم عمل نمی کنند، هرچند که باید گفت: محدودهٔ قیمت متناسب هم بی معناست، چون قیمت متناسب، تنها یک قیمت است.

شفاف سازی و منطقی کردن فهارس بهای پایه

مهندس آزاد سپس با تأکید بر لزوم شفاف سازی و منطقی کردن فهارس بهای پایه پیمانکاری گفت: لازم است که سازمان مدیریت و برنامه ریزی جزییات تجزیهٔ بهای اقلام مختلف را در اختیار جامعه پیمانکاری قرار دهد. علاوه بر این، یکی از وظایف شورای عالی فنی سازمان مدیریت و برنامه ریزی، تعیین فهارس بهای پایه سالانه بر مبنای قیمت های منطقی است، ولی متأسفانه تاکنون از انجام این وظیفه طفره رفته است و به همین علت هم فهارس بهای فعلی راهسازی از نظر دستمزد و کرایه ساعتی ماشین آلات، نصف قیمت های روز است. وی افزود: البته پس از مکاتبات متعدد با شورای عالی فنی، امسال سرانجام متوجه غیرمنطقی بودن نرخ دستمزد شدند و دستور دادند که ۳۳ درصد به نرخ دستمزد منظورشده در فهارس بهای پایه اضافه شود و نرخ دستمزد در فهرست بهای پایه سال ۹۳، جمعاً ۵۷ درصد رشد پیدا کرد، اما با وجود این، هنوز این نرخ دستمزد ۶۰ درصد قیمت واقعی دستمزد در بازار کار است. به علاوه، قیمت ساعتی کرایه ماشین آلات هم باید مطابق فرمول ها و ضوابط سازمان برنامه به روز شود.

ویژگی های مطلوب ساختار جدید سازمان مدیریت و برنامه ریزی

دکتر عبیری نیز در جهت تکمیل نظریات خودش در خصوص ویژگی های مطلوب ساختار جدید سازمان مدیریت و برنامه ریزی، گفت: سازمان برنامه باید اقتصاد را به سمت دانش محورشدن هدایت کند، یعنی برگزاری مناقصات و رتبه بندی باید دانش محور شوند. لازم به یادآوری است که در تعاریف سنتی ما، پول و ثروت تولید قدرت می کرد، ولی امروز در اقتصاد دانش محور، دانش است که پول و ثروت و قدرت را به همراه می آورد. وی در ادامه افزود: بنابراین، سازمان برنامه اگر می خواهد موفق باشد، باید جایگاه دانش را در درون خود احیا کند و با تأکید بر بودجه ریزی و برنامه ریزی، یک رابطه متعادل میان این دو برقرار کند و از طرف دیگر، ابعاد نظارتی و هماهنگی را بالا ببرد. منظور من از ابعاد نظارتی، اِعمال آن نوع کنترلی نیست که خلاقیت و نوآوری را از بین می برد، بلکه ابعاد نظارتی ای است که بتواند شرایط پویایی سیستم را فراهم کند. نگرانی عمدهٔ من در مورد وضعیت فعلی پیمانکاران هم آن است که دانش فنی بدست آمده در طی چند دهه در حال از بین رفتن است، چون کسی که بر کار پیمانکار نظارت می کند، فاقد دانش کافی است. در مناقصات هم همین مشکل وجود دارد، چون قانون مناقصات ما، نمی تواند با تکنولوژی پیشرفته (high-tech) رابطه منطقی برقرار کند، زیرا نسل دوم و سوم دانشگاه های ما- به جز دانشگاه تهران و یا دانشگاه صنعتی شریف- از

نسل دانشگاه های پیشرفته نیستند. البته ممکن است برخی از استادان دانشگاه از دانش پیشرفته روز برخوردار باشند، ولی این دانش سازمان یافته نیست.

دکتر عبیری در فراز دیگری از سخنانش خاطرنشان ساخت که تجدید رتبه بندی شرکت های پیمانکاری باعث می شود که برای ارتقای دانش و رتبه خود تلاش کنند و این کار در مورد پزشکان و استادان دانشگاه هم می تواند مفید واقع شود.

خلاصه گفتگوها

پس از طرح نظریات شرکت کنندگان در میزگرد، سردبیر مجله توسعه عمده ترین محورها و موضوعات مطرح شده در خصوص احیای سازمان مدیریت و برنامه ریزی را به شرح زیر ارایه کرد:

۱) مروری بر رویه های گذشته و جاری دولت ها در زمینه نظام برنامه ریزی و بودجه نویسی و طرح نظریات مثبت و منفی در مورد آنها.

۲) تأکید بر اینکه حرکت موفقیت آمیز در هر مسیری، مستلزم وجود بستر مناسب است و تا زمانی که بسترهای مناسب نداشته باشیم، نمی توانیم حرکت موفقیت آمیزی داشته باشیم. همچنین تأکید شد که یکی از این بسترها، اعتقاد بر این است که مشکل، مشکل همهٔ ملت ایران است و همه ملت هم باید با هم برای حل آن تلاش کنند. سپس به طور خاص انتظارات و یا چشم اندازهای کلان از سازمان مدیریت و برنامه ریزی جدید مطرح شد و چهار محور مورد اشاره هم عبارت بودند از: الف) هدایت جامعه به سوی شرایط رقابتی و مقابله با انحصارگرایی، ب) قیمت گذاری منطقی و متناسب عوامل تولید، پ) قبول کردن محوریت انسان در فرایند توسعه و تنظیم همه برنامه ها بر حول ارتقای سطح مادی و غیرمادی انسان. ت) توزیع منطقی درآمدها و تصحیح ضریب جینی و کاهش شکاف طبقاتی مهلک.

۳) بحث در باره استقلال سازمان برنامه و لزوم عقلایی شدن فرایندهای تصمیم گیری و برنامه سازی. همچنین حرکت به سمت استفاده از دانش و علم به عنوان عنصر بسیار موثر در ارتقای سطوح مختلف جامعه و به ویژه در بُعد نظارت سازمان برنامه.

٤) توسعه قانونگرایی، چون یکی از سدهای بزرگی که مانع پیشرفت کشور شده، قانون گریزی و یا قانون شکنی مجریان قانون است. سپس مطرح شد که باید از ظرفیت های قانونی موجود، مانند شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی و نهاد تعامل که از دستاوردهای مهم بخش خصوصی در دوره های قبلی است، استفاده کنیم.

۵) رعایت الزامات قانونی، از جمله در زمینه فاینانس که به علت ناهماهنگی میان نهادهای حاکمیتی، عملاً ناکارا شده است.

٦) اشاره به رسالت سازمان مدیریت و برنامه ریزی و طرح انتظارات صنف پیمانکاری از این سازمان، از جمله تصحیح شرایط عمومی، منطقی کردن و شفاف سازی فهارس بهای پایه، استفاده از اقتدارات و توانایی های کارشناسی سازمان برنامه به عنوان یک محور حل اختلافات در تمام قراردادهای منعقده تحت ضوابط شرایط عمومی پیمان، رفع مشکلات تشخیص صلاحیت و رتبه بندی شرکت های پیمانکاری و بالاخره اینکه سازمان مدیریت و برنامه ریزی حتی الامکان خود را در مقابل کلیه مسایل جامعه فنی و مهندسی کشور پاسخگو بداند.

تنظیم کننده: منیژه فرهنگی

گزارشی از

فعالیت ها و اقدامات هیأت مدیره سندیکا

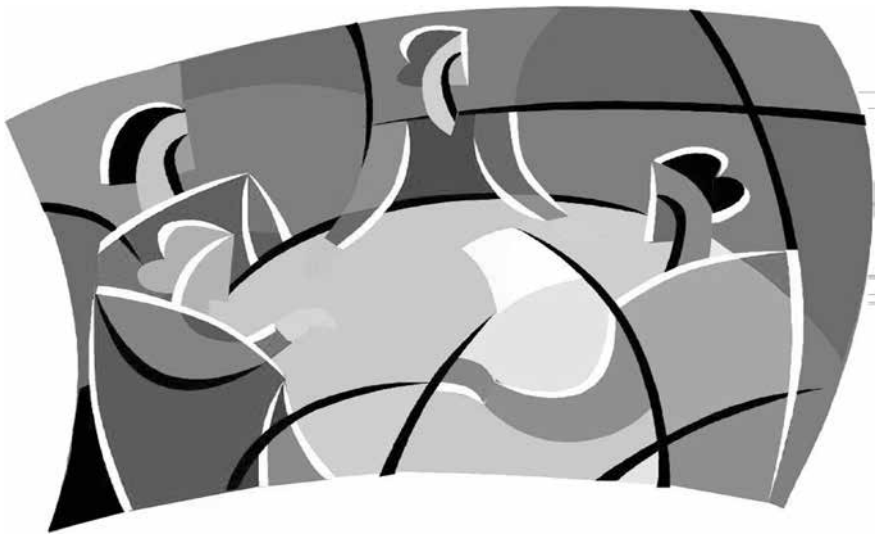

در آذرماه سال جاری، جمعی از مدیران شرکت های عضو سندیکای شرکت های تأسیساتی و صنعتی ایران بنا به دعوت دبیرخانه این سندیکا، برای شنیدن گزارش اقدامات هیأت مدیره پیرامون تشخیص صلاحیت شرکت های پیمانکاری، مشارکت سندیکا در تدوین شرایط عمومی پیمان جدید و فهارس بهای پایه، عضویت شرکت های عضو سندیکا در اتاق بازرگانی و موضوع مالیات بر ارزش افزوده و بحث و تبادل نظر در موارد مذکور، در سالن اجتماعات سندیکا گردهم آمدند.

رتبه بندی شرکت های پیمانکاری

در ابتدای این نشست، مهندس منوچهر اقبالی، دبیر سندیکا، یادآور شد که از سال ۱۳۸۱، آمایش پرونده متقاضیان رتبه بندی، توسط تشکل های صنفی مربوطه انجام می شد و پرونده متقاضیان رتبه های ۱ و ۲ به همراه نامه ای برای تأیید سازمان مدیریت و برنامه ریزی و رتبه های پایین تر به استانداری ها ارسال می شد و همهٔ ۱۵۲ پرونده آمایش شده توسط انجمن نیز از سوی مسوولان تشخیص صلاحیت پیمانکاران مورد تأیید قرار گرفت و در سال ۸۲، رتبه های شرکت های مذکور صادر شد و در سال ۸۶، با خاتمهٔ زمان اعتبار رتبه های مزبور، هیأت وزیران طی مصوبه ای تصمیم گرفت که رتبه قبلی شرکت ها تا سال ۸۸ تمدید شود، ولی عملاً تمدید رتبه های شرکت ها بسته به نظر کارشناسان مربوطه در معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی از شش ماه تا دو سال، متفاوت بود و پس از سال ۸۸ هم مقرر شد که رتبه بندی شرکت های پیمانکاری از طریق سیستم ساجات صورت گیرد که مشکلات متعددی را برای پیمانکاران ایجاد کرد که هنوز هم ادامه دارد.

از سال ۱۳۹۰، تشدید مشکلات اقتصادی کشور و به تبع آن، کاهش پروژه های عمرانی، منجر به بروز بیکاری وسیع در میان شرکت های پیمانکاری شد، به طوری که براساس ضوابط موجود، بسیاری از شرکت ها قادر به حفظ رتبه خود نیستند.

دبیر سندیکا سپس خاطرنشان ساخت که پس از مسوولیت یافتن مهندس غلامرضا شافعی به عنوان معاون فنی معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور، مشکل رتبه بندی شرکت های پیمانکاری به اطلاع ایشان رسید و توضیح داده شد که از سال ۱۳۹۰، تشدید مشکلات اقتصادی کشور و به تبع آن، کاهش پروژه های عمرانی، منجر به بروز بیکاری وسیع در میان شرکت های پیمانکاری شد، به طوری که براساس ضوابط موجود، بسیاری از شرکت ها قادر به حفظ رتبه خود نیستند. بنابراین، از ایشان تقاضا کردیم که رتبه شرکت هایی که ترکیب اعضای هیأت مدیره شان تغییر نکرده، به مدت دو سال دیگر تمدید شود. مهندس شافعی با این درخواست موافقت کردند، ولی متأسفانه کارکنان زیرمجموعهٔ ایشان ابتدا مانع انجام این کار شدند، اما پس از اصرار و پیگیری های مکرر توسط شورای هماهنگی تشکل های مهندسی، صنفی و حرفه ای کشور، سرانجام معاونت برنامه ریزی طی بخشنامه ای اعلام کرد که رتبه شرکت هایی که اعضای هیأت مدیره شان تغییر نکرده و از زمان اخذ رتبه آنها بیش از دو سال نگذشته است، تمدید می شود. وی سپس با بیان اینکه به موجب این بخشنامه، از میان ۳۴ شرکت عضو سندیکا، رتبه ۱۸ شرکت به تناوب از شش ماه تا دو سال، تمدید شد، اظهار داشت که پس از درخواست مجدد شورای هماهنگی تشکل ها از معاونت فنی، ایشان موافقت کردند که رتبه کلیه

شرکت هایی که در سال ۹۰ رتبه بندی شده اند، تا پایان سال ۹۵ تمدید شود و قرار است که این موضوع در قالب بخشنامه ای ابلاغ شود. البته براساس ماده ۱۷ آیین نامه تشخیص صلاحیت پیمانکاران، امکان جابجاکردن امتیازات شرکت ها وجود دارد و تصمیمات مربوط به این امر در کمیته ماده ۱۷ مرکب از نمایندگان هریک از تشکل ها و کارشناسان معاونت فنی، گرفته می شود. لذا نمایندگان تشکل های پیمانکاری در این کمیته تلاش می کنند که به علت بیکاری شرکت های پیمانکاری در پنج سال گذشته، شرط انجام پروژه در ۱۵ سال قبل را به ۲۰ یا ۲۵ سال قبل تغییر بدهند.

مهندس اقبالی در بخش دیگری از گزارش خود خاطرنشان ساخت که طبق توافق معاونت فنی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و شورای هماهنگی تشکل ها، این شورا مسوولیت آمایش پرونده شرکت های پیمانکاری متقاضی رتبه بندی را برعهده می گیرد و شرکت های پیمانکاری می توانند از طریق سایت ساجات برای اخذ رتبه اقدام کنند و یا پرونده خود را به شورای هماهنگی تشکل ها ارایه کنند و در صورت داشتن چند نوع فعالیت، هر تشکلی را که مایلند، به عنوان مسوول آمایش پرونده خود تعیین کنند تا اقدامات لازم در این مورد بعمل آید. دبیر سندیکا همچنین متذکر شد که تلاش و پیگیری برای تسهیل شرایط رتبه بندی شرکت ها همچنان در دستور کار سندیکا قرار دارد.

توضیحی درخصوص تدوین شرایط عمومی پیمان جدید

در ادامه این نشست، مهندس احمد راهبی، عضو هیأت مدیره و نماینده سندیکا در کمیته نظام فنی و اجرایی شورای هماهنگی تشکل ها و کمیته مسوول تدوین شرایط عمومی پیمان جدید در معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری، طی سخنانی خاطرنشان ساخت که شرایط عمومی پیمان جدید تهیه شده توسط شرکت مهندسان مشاور رهشهر، در ۱۷۰ جلسه سه تا چهارساعته، توسط نمایندگان تشکل های پیمانکاری و مهندسان مشاور، کارشناسان معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی و نمایندگان دستگاه های اجرایی مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت و پس از انجام اصلاحات لازم، شرایط عمومی پیمان قابل قبولی تهیه شد، اما پس از خاتمه جلسات، این متن مجدداً در معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی مورد بازنگری قرار گرفت و سپس متنی ارایه شد که مناسب نیست و انتشار

مهندس شافعی با تمدید رتبه بعضی از شرکت ها موافقت کردند، ولی...

آن، مشکلات متعددی را برای شرکت های پیمانکاری ایجاد می کند. به عنوان مثال، در ماده ٤٦ متن جدید، وظایف و هزینه های اضافه ای در ارتباط با HSE بر دوش پیمانکاران گذاشته شده که اگر پیمانکار آنها را انجام ندهد، کارفرما می تواند او را خلع ید کند. وی در ادامه گفت: بنابراین، تشکل های پیمانکاری طی نامه ای از معاونت فنی درخواست کردند که یا نظریات

در خصوص تهیه فهارس بهای برق و مکانیک، تاکنون بازنگری فصل چراغ ها به اتمام رسیده و بازنگری فصل کابل ها هم تا حدود ۹۰ درصد انجام شده و این امیدواری وجود دارد که تا پایان سال جاری، فهارس بهای سال ۹۴ تهیه شود.

آنها در متن جدید شرایط عمومی پیمان منظور شود و یا از ابلاغ آن خودداری گردد و به دنبال این درخواست، ویرایش دیگری از شرایط عمومی پیمان به تشکل های صنفی ارسال شده است که در دست بررسی است.

فهارس بهای پایه

مهندس منوچهر مشکوة، عضو هیأت مدیره و نماینده سندیکا در معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی در خصوص تهیه فهارس بهای برق و مکانیک نیز ضمن ارایه گزارشی از اقدامات انجام شده در این زمینه اظهار داشت که معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی قصد دارد که فهارس بهای پایه را از سه ماهه اول سال ١٣٩٤ اعلام کند و خواستار مشارکت تشکل های صنفی در تهیه فهارس بهای پایه شده است. نماینده سندیکا هم در زمینه تصحیح فهرست بهای برق و فهرست بهای مکانیک در جلساتی که با حضور کارشناسان معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی، سازندگان تجهیزات، نمایندگان کارفرمایان و جامعه مهندسان مشاور برگزار می شود، حضوری فعالانه دارد. وی در ادامه با بیان اینکه تاکنون بازنگری فصل چراغ ها به اتمام رسیده و بازنگری فصل کابل ها هم تا حدود ۹۰ درصد انجام شده، اظهار امیدواری کرد که تا پایان سال جاری، فهارس بهای سال ٩٤ تهیه شود.

لزوم عضویت شرکت های عضو سندیکا در اتاق بازرگانی

در ادامه این نشست، مهندس حمیدرضا سنایی، مدیر دبیرخانه دایمی کنفرانس صنعت احداث، ضمن ارایه توضیحاتی در خصوص اهمیت عضویت شرکت های عضو سندیکا در اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی اظهار داشت که اتاق بازرگانی به منزلهٔ پارلمان بخش خصوصی، تنها جایگاه رسمی و قانونی بخش خصوصی کشور است که از منابع مالی خوبی هم برخوردار است. وی سپس گفت: در محیط کسب و کار صنعت احداث، دو تغییر الگوواره ای اتفاق افتاده که تغییر رویکرد ما از سازمان مدیریت

و برنامه ریزی، به سمت اتاق بازرگانی را ضروری کرده است: اول آنکه با توجه به کاهش درآمدهای نفتی و وجود تحریم های بین المللی، باید به فکر تأمین منابع مالی برای فاینانس پروژه ها باشیم و با روی آوردن به اتاق بازرگانی، می توان از منابع آن استفاده نمود. دومین تغییر الگوواره، جایگاه اتاق بازرگانی در قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار است که این امکان را فراهم کرده که تشکل های صنفی با عضویت در اتاق بازرگانی، از موقعیت بهتری برای پیگیری حقوق صنفی خود برخوردار شوند. به عنوان مثال، امکان پیگیری موضوعاتی همچون رتبه بندی شرکت ها و مالیات بر ارزش افزوده، الزام دولت به کسب نظر اتاق بازرگانی نسبت به لوایح، قبل از ارایه آنها به مجلس، حضور نمایندگان اتاق بازرگانی در شورای پول و اعتبار، شورای حل اختلاف و هیأت های تجاری همراه مسوولان عالیرتبه در سفرهای خارج از کشور، از جمله ظرفیت های اتاق بازرگانی است که می تواند برای حل مشکلات اعضای تشکل های صنفی مورد استفاده قرار گیرد.

مهندس سنایی همچنین متذکر شد که دبیرخانه دایمی کنفرانس صنعت احداث مشتمل بر ده کارگروه مرکب از نمایندگان تشکل های عضو موسسه تحقیق و توسعه صنعت احداث که پیگیری و اجرایی شدن مفاد قطعنامه کنفرانس های سالانه صنعت احداث را برعهده دارد، در جلسه مردادماه سال جاری، ضرورت رویکرد صنعت احداث به اتاق بازرگانی را مورد توجه قرار داد و متعاقب آن، کارگروه تعامل صنعت احداث و انرژی با اتاق بازرگانی با حضور نمایندگان تشکل های عضو موسسه تشکیل شد و در آغاز کار پروژه تعامل با اتاق بازرگانی، در هریک از تشکل های عضو موسسه تحقیق و توسعه صنعت احداث تیمی متشکل از نماینده آن تشکل و کارکنان موسسه تشکیل شد و فعالیت خود را برای عضویت شرکت های عضو تشکل ها در اتاق بازرگانی آغاز کرد تا قبل از انتخابات اتاق بازرگانی تهران که در اسفندماه سال جاری برگزار خواهد شد، امکان حضور افراد موثری از فعالان صنعت احداث در هیأت نمایندگان اتاق تهران فراهم شود.

جایگاه اتاق بازرگانی در قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار، این امکان را فراهم کرده که تشکل های صنفی با عضویت در اتاق بازرگانی، از موقعیت بهتری برای پیگیری حقوق صنفی خود برخوردار شوند.

مهندس سنایی در بخش دیگری از سخنانش با بیان اینکه طبق ماده ۷۷ قانون برنامه پنجم، متقاضیان تمدید کارت بازرگانی، باید یک در هزار فروش خود را به حساب خزانه واریز کنند و سپس خزانه این مبالغ را در اختیار اتاق بازرگانی قرار می دهد تا مطابق قانون، آن را صرف توسعه تشکل ها بکند، متذکر شد که حتی با وجود دریافت سه دهم درهزار و چهاردهم در هزار به جای یک در هزار فروش بابت تمدید کارت بازرگانی در سال ۹۱ و ۹۲، حدد ۱۶۰ هزار میلیارد تومان پول در حساب اتاق بازرگانی موجود است و لذا پیگیری برای دریافت سهم تشکل های صنعت احداث از این مبلغ، در دستور کار موسسه تحقیق و توسعه صنعت احداث قرار گرفته است.

مشکلات مرتبط با مالیات بر ارزش افزوده

مهندس محمد احمدی، رییس هیأت مدیره سندیکا نیز با اشاره به مشکلات شرکت های پیمانکاری در خصوص مالیات بر ارزش افزوده گفت: کثرت مشکلات ناشی از نحوهٔ اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده، باعث شد که سران قوای سه گانه کشور از تشکل های مختلف، از جمله از سندیکای ما برای تشکیل جلسات کارشناسی به منظور بررسی مشکلات مرتبط با مالیات بر ارزش افزوده و جرایم آن دعوت کنند و نمایندگان سندیکا هم در این جلسات حضور فعال داشتند و مسوولان مربوطه در آخرین جلسه قول مساعد دادند که مواردی را که باعث بروز مشکلات برای شرکت های پیمانکاری شده، مورد بازنگری قرار دهند.

در ادامه این نشست، مهندس احمد راهبی، نماینده سندیکا در امور مالیاتی هم در مورد اقدامات انجام شده برای کاهش مشکلات شرکت های پیمانکاری در ارتباط با نحوهٔ اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده گفت: هنگامی که قانون مالیات بر ارزش افزوده در کمیته ای در وزارت امور اقتصادی و دارایی در دست تهیه بود، انتقال نظریات ما به کمیته مذکور بسیار مشکل بود، ولی حضور مهندس احمدی و دکتر الهی در

در محیط کسب و کار صنعت احداث، دو تغییر الگوواره ای اتفاق افتاده که تغییر رویکرد از سازمان مدیریت و برنامه ریزی، به سمت اتاق بازرگانی را ضروری کرده است.

اتاق بازرگانی، فرصتی را فراهم آورد تا بتوانیم از طریق اتاق بازرگانی، نظریاتمان را در مورد این قانون به مسوولان تهیه لایحه مالیات بر ارزش افزوده در وزارت امور اقتصادی و دارایی، ارایه کنیم. وی سپس افزود: یکی از پیشنهادهای ما در مورد مالیات بر ارزش افزوده آن بود که تاریخ تعلق این مالیات، از زمان تصویب صورت وضعیت و پرداخت آن توسط کارفرما درنظر گرفته شود. پیشنهاد دیگر ما آن بود که مأخذ مالیات، باید مبلغ تأییدشده باشد، درحالی که سازمان امور مالیاتی، تاریخ و مبلغ ارسال صورت وضعیت به کارفرما را مأخذ مالیات قرار می دهد. پیشنهاد سوم ما هم در مورد زمان محاسبه جرایم بود.

مهندس راهبی افزود: به هرحال، بازخورد ارایه این پیشنهادها به اتاق بازرگانی آن بود که مسوولان سازمان امور مالیاتی حاضر شدند با ما صحبت کنند و در جریان این گفتگوها، در پاسخ به اعتراض ما نسبت به سبک رسیدگی به مالیات شرکت ها و استانداردهای حسابداری، قرار شد که تعریف استانداردهای حسابداری در دولت اصلاح شود، به این صورت که خدماتی که به کارفرما داده شده، تا زمانی که کارفرما آن را تأیید نکرده، خدمت محسوب نمی شود. همچنین در جلسه آخر این گفتگوها که در اتاق بازرگانی برگزار شد، مسوولان سازمان امور مالیاتی قبول کردند که دستگاه های اجرایی مالیات بر ارزش افزوده طرح های تملک دارایی های سرمایه ای را بپردازند و در صورت تأخیر در پرداخت، آنها جریمه شوند، اما در مورد طرح های غیرعمرانی قبول نکردند که مالیات توسط کارفرمایان پرداخت شود، بلکه قرار شد که پیمانکار و کارفرما، متضامناً مالیات را بپردازند و در صورت عدم پرداخت مالیات توسط کارفرما، پیمانکار موضوع را به دستگاه مالیاتی اعلام کند و آنها مالیات متعلقه را از کارفرما مطالبه و وصول کنند و در صورت امتناع مجدد کارفرما، پیمانکار موظف به پرداخت مالیات است. به عبارت دیگر، هم در مورد طرح های عمرانی و هم در مورد طرح های غیرعمرانی، مؤدی مالیات، پیمانکار است. مهندس راهبی در ادامه متذکر این نکته هم شد که با توافق مسوولان سازمان امور مالیاتی، در صورت امتناع دستگاه اجرایی از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده در طرح های تملک دارایی های سرمایه ای، بدهی مالیاتی دستگاه اجرایی از بودجه بعدی آن سازمان در زمان تخصیص کسر می شود، اما بنا

مسوولان سازمان امور مالیاتی قبول کردند که دستگاه های اجرایی، مالیات بر ارزش افزوده طرح های تملک دارایی های سرمایه ای را بپردازند و در صورت تأخیر در پرداخت، جریمه شوند، اما در مورد طرح های غیرعمرانی...

به اظهار مسوولان امور مالیاتی، اهرمی برای کسر بدهی مالیاتی شرکت های دولتی وجود ندارد.

مهندس راهبی در بخش دیگری از سخنانش متذکر شد که نحوهٔ پرداخت مالیات بر ارزش افزوده توسط شرکت های بزرگ که پروژه ها را به صورت دست دوم و دست سوم به شرکت های کوچکتر واگذار می کنند، توسط دکتر سلامی، مشاور عالی وزیر مسکن و شهرسازی- دکتر وکیلی، رییس کل مالیات های مستقیم و ارزش افزوده و دکتر رشیدی در دست بررسی است.

در این بخش از مباحث این نشست، مهندس احمدی گفت: از آنجا که در برخی از قراردادها ذکر می شود که پرداخت مالیات بر ارزش افزوده بر عهده پیمانکار است، لذا از رییس ادارهٔ مالیات بر ارزش افزوده در این مورد سوال شد و ایشان کتباً اعلام کردند که قید چنین شرطی در قرارداد، خلاف قانون است. وی افزود: نامهٔ مذکور در دبیرخانه سندیکا موجود است و اعضا می توانند نسخه ای از آن را دریافت کنند.

رییس هیأت مدیره سندیکا همچنین خواستار آن شد که اعضای سندیکا مسایل و مشکلات و نظریات خود در ارتباط با مالیات بر ارزش افزوده را به دبیرخانه سندیکا ارسال کنند تا در گفتگو با مسوولان مربوطه مورد استفاده قرار گیرد.

در ادامه این نشست، آقای ستارپناهی، مشاور امور مالیاتی سندیکا نیز به سوالات حاضران پاسخ داد.

گزارشی از

همایش پنجاهمین سال تاسیس شرکت ملی صنایع پتروشیمی

به گزارش شانا، همایش پنجاهمین سال تاسیس شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران در تاریخ ۲۹دیماه ۱۳۹۳ با حضور بیژن زنگنه، وزیر نفت- محمدرضا نعمت زاده، وزیر صنعت و معدن و تجارت- عباس شعری مقدم، مدیر عامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی- حمیدرضا عراقی، مدیر عامل شرکت ملی گاز ایران- منصور معظمی، معاون برنامه ریزی و نظارت بر منابع هیدروکربوری وزارت نفت و تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، سفیران چهار کشور و دیگر میهمانان خارجی دوست و همکار با صنعت پتروشیمی کشور، در محل سالن اجلاس سران در تهران برگزار شد.

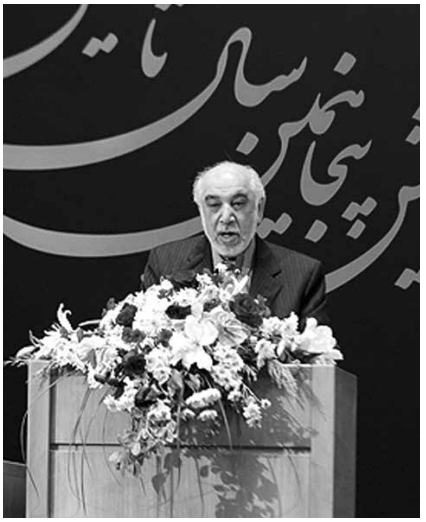

نگاهی به گذشته و وضعیت کنونی

بنا به گزارش مزبور، عباس شعری مقدم، مدیر عامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی، در این همایش ضمن نگاهی تاریخی به صنعت پتروشیمی گفت: بر مبنای اطلاعات موجود، توسعه در صنعت پتروشیمی در سه مرحله رخ داده است: مرحله نخست به پیش از انقلاب اسلامی ایران بازمی گردد که طی آن، حدود پنج میلیون تن ظرفیت تولید ایجاد شد. مرحله دوم توسعه صنعت پتروشیمی مربوط به دوران اواخر جنگ تحمیلی و دولت سازندگی بازمی گردد که این ظرفیت به حدود ۱۴ میلیون تن افزایش یافت و مرحله سوم نیز مربوط به دولت اصلاحات است که در انتهای آن، ظرفیت به ۶۰ میلیون تن رسید و چنانچه این روند ادامه می یافت، اکنون ظرفیت تولیدمان ۱۲۰ میلیون تن می بود، اما متاسفانه به دلیل تشدید تحریم ها چنین نشد.

معاون وزیر نفت: چنانچه روندهای قبلی ادامه می یافت، اکنون ظرفیت تولیدمان ۱۲۰ میلیون تن می بود، اما متاسفانه به دلیل تشدید تحریم ها چنین نشد.

معاون وزیر نفت در امور پتروشیمی در ادامه اظهار کرد: پیش از انقلاب اسلامی و در مرحله نخست توسعه صنعت پتروشیمی، از سرمایه گذاری مستقیم خارجی استفاده شد، اما استفاده از این نوع سرمایه گذاری پس از انقلاب تنها در مرحله سوم توسعه، آنهم پس از حدود ۳۰ سال در برنامه چهارم توسعه رواج یافت و بزرگترین آن هم در مشارکت پلیمر آریاساسول بود.

شعری مقدم سپس با بیان این که نحوه واگذاری ها به بخش خصوصی در دولت نهم سبب شد که فکر واگذاری یکپارچه این صنعت دوباره زنده شود، افزود: خصوصی سازی نامطلوب همان بلایی را بر سر پتروشیمی آورد که شاه با انجام اصلاحات ارضی خود بر سر کشاورزی کشور آورد.

شعری مقدم در ادامه سخنان خود به تشریح وضعیت کنونی صنعت پتروشیمی نیز پرداخت و در این رابطه گفت: هم اکنون ۶۰ میلیون تن ظرفیتی که در سه مرحله یادشده به دست آمده بود، به بخش خصوصی واگذار شده است، بدون این که منبع درآمد قابل توجهی برای شرکت ملی صنایع پتروشیمی باقی بماند، اما بدهی های آن از بابت وام های ارزی که گرفته شده، بر عهده ما قرار دارد و باید آنها را از شرکت ها اخذ و به فاینانس دهنده های خارجی پرداخت کنیم. وی افزود: از ۶۰ میلیون تن ظرفیتی که هم اکنون در صنعت پتروشیمی ایجاد شده، به دلیل کمبود خوراک، تنها ۴۰ میلیون تن تولید محصول داریم و امید است که با تلاش های شرکت ملی نفت ایران، این مشکل تا اوایل سال آینده برطرف شود.

وی سپس با بیان این که هم اکنون ۶۷ طرح نیمه تمام از برنامه های چهارم و پنجم باقی مانده است، گفت: از این تعداد، ۱۵ طرح بیش از ۶۰ درصد پیشرفت داشته که سه مورد آنها با مجموعه ظرفیت ۱/۴ میلیون تن تا پایان امسال به بهره برداری می رسند و ۱۱ طرح دیگر از این تعداد با مجموع ظرفیت هفت میلیون تن، سال آینده به بهره برداری خواهند رسید و به این ترتیب، در پایان سال ۹۴، معادل ۸/۴ میلیون تن به ظرفیت تولید صنعت پتروشیمی افزوده می شود.

وی تحریم، بالابودن نرخ تورم و سودهای بانکی و مشکلات موجود برای تامین منابع مالی از صندوق توسعه ملی و فاینانس کشور چین را از جمله موانع موجود بر سر راه صنعت پتروشیمی عنوان کرد و گفت: تلاش مدیریت شرکت ملی صنایع پتروشیمی بر این موضوع استوار است که کمک کند تا طرح های نیمه تمام به فعالیت خود ادامه دهند و موانع را از پیش روی آنها بردارند. در این صورت، قادر خواهیم بود پیشرفت قابل توجهی در طول برنامه ششم داشته باشیم و به ظرفیت تولید ۱۰۰ میلیون تن برسیم.

علت عقب ماندگی، بی تدبیری است، نه تحریم

به گزارش خبرنگار واحد مرکزی خبر، مهندس بیژن زنگنه، وزیر نفت نیز که ازجمله شرکت کنندگان و سخنرانان همایش پنجاهمین سال تاسیس شرکت ملی صنایع پتروشیمی بود، به موضوع توسعه صنعت پتروشیمی در دوران پس از انقلاب پرداخت و در این رابطه گفت: تولید صنعت پتروشیمی مربوط به بعد از انقلاب و سال ۷۶ است. ارزش تولیدات ما در این سال، یک میلیارد دلار بود و ارزش صادرات پتروشیمی امسال به بیش از ۲۰ میلیارد دلار با حدود ۲۵ میلیارد دلار ظرفیت تولید می رسد. وی سپس به علاقمندی سرمایه گذاران داخلی به سرمایه گذاری در صنعت پتروشیمی اشاره کرد و افزود: برای اجرای هشت طرح ۳۵ مجموعه از شرکت های ایرانی تعیین

وزیر نفت با اشاره به بازارهای منطقه ای گفت: باتوجه به نیاز کشورهای همسایه به محصولات پتروشیمی، باید به تولیدکننده و صادرکننده محصول نهایی صنعت پتروشیمی تبدیل شویم.

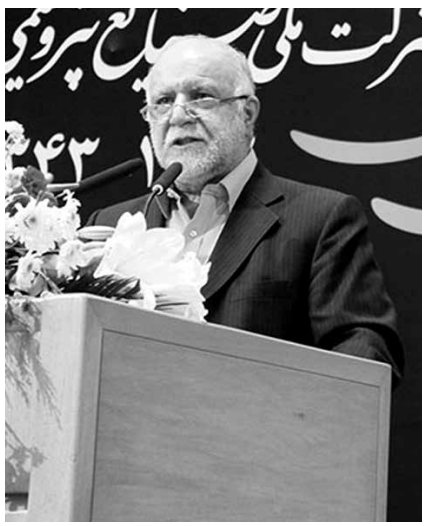

صلاحیت شدند، اما ما برای توسعه صنایع پتروشیمی، نیازمند فاینانس هستیم و به همین منظور، سرمایه گذاران برای طرح های در دست اجرا مانند بیدبلند تعیین شده اند.

زنگنه در ادامه گفت : مدیران صنعت پتروشیمی، علاوه بر ساماندهی بازار سرمایه با هدف بکارگیری سرمایه های کوچک و جلب مشارکت وسیع مردم در این صنعت، باید طرح های دارای توجیه اقتصادی را به سرمایه گذاران کوچک معرفی و از زنجیره های ارزش در صنایع میانی حمایت کنند. وی افزود: بزرگترین شبکه انتقال گاز را در کشور داریم که یک مزیت است و با توجه به اختلاف زیاد

پیک مصرف زمستان و سالانه گاز، این امکان وجود دارد که در بسیاری از نقاط کشور، صنعت پتروشیمی متکی به گاز طبیعی داشته باشیم. وزیر نفت سپس به بازارهای منطقه ای این صنعت اشاره کرد و گفت: باتوجه به نیاز کشورهای همسایه به محصولات پتروشیمی، باید به تولیدکننده و صادرکننده محصول نهایی صنعت پتروشیمی تبدیل شویم.

وی آنگاه با انتقاد از سخنان عباس شعری مقدم مبنی بر اینکه تحریم ها باعث عقب ماندگی و توسعه نیافتگی صنعت پتروشیمی شد، افزود: توسعه نیافتگی صنعت پتروشیمی، ناشی از بی تدبیری بوده است که باید جبران شود.

جاسک و چابهار، قطب های آینده صنعت پتروشیمی ایران

به گزارش خبرنگار شانا، مهندس

محمدرضا نعمت زاده، وزیر صنعت، معدن و تجارت نیز در همایش پنجاهمین سال تأسیس شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران شرکت کرد و طی سخنانی اظهار کرد: صنعت پتروشیمی در هر جایی که حضور دارد، سبب توسعه و رونق شده است و پراکندگی مجتمع های پتروشیمی می تواند زمینه را برای افزایش اشتغالزایی تسهیل کند. وی افزود: سال آینده و با به بهره برداری رسیدن چند مجتمع پتروشیمی در غرب کشور، از جمله پتروشیمی کردستان، توسعه این صنعت را در استان های مرزی شاهد خواهیم بود.

وزیر صنعت، معدن و تجارت سپس با بیان این که مزایای صنعت پتروشیمی بر همگان روشن است، گفت: ایران با دارابودن ذخایر گسترده هیدروکربوری، مزیت های زیادی برای گسترش و توسعه صنعت پتروشیمی دارد و ما موظفیم که با یکدلی در راه بهبود وضع زندگی مردم گام برداریم. وزیر صنعت، معدن و تجارت افزود: طبق پیش بینی ها، امسال صادرات محصولات پتروشیمی به حدود ۱۳ میلیارددلار می رسد و معادل هفت میلیارد دلار نیز ارزش محصولات متنوع پتروشیمی در داخل کشور خواهد بود که درمجموع ارزش این صنعت را امسال به حدود ۲۰ میلیارد دلار می رساند.

نعمت زاده در پایان با بیان این که چابهار و جاسک، قطب های آینده صنعت پتروشیمی

وزیر صنعت، معدن و تجارت: طبق پیش بینی ها، امسال صادرات محصولات پتروشیمی به حدود ۱۳ میلیارد دلار می رسد و معادل هفت میلیارد دلار نیز ارزش محصولات متنوع پتروشیمی در داخل کشور خواهد بود که درمجموع ارزش این صنعت را امسال به حدود ۲۰ میلیارد دلار می رساند.

خواهند بود، گفت: چابهار با توجه به قابلیت های موجود می تواند همانند عسلویه رشد کند و جاسک نیز با ایجاد شهرک صنعتی که پتروشیمی ها سهم مطلوبی در آن خواهند داشت، یک قطب دیگر پتروشیمی خواهد بود.

نقش برجسته صنعت پتروشیمی در توسعه اقتصادی

به گزارش خبرنگار شانا، حسینعلی حجاری زاده، پیشکسوت صنایع ملی پتروشیمی ایران، در نشست تخصصی همایش پنجاهمین سال تأسیس این شرکت اظهار کرد: بدون تردید، پتروشیمی صنعت برتر ایران است. از اینرو، با توجه به پیشینه ارزشمند این صنعت، امیدواریم که نقش بیشتری را در اقتصاد کشور ایفا کند. وی افزود: اکنون تولید متانول، پروپیلن، پلی پروپیلن، الفین و ده ها محصول دیگر در صنعت پتروشیمی آغاز شده و جایگاه این صنعت افزون بر تأمین نیاز داخلی، جایگاه ممتازی در عرصه بین المللی است.

عضو نخستین هیأت مدیره پتروشیمی در ادامه گفت: ایران به سبب ذخایر فراوان گازی، به ویژه در میدان پارس جنوبی، می تواند تأمین خوراک پایدار را تضمین نموده و ظرفیت تولید را طبق برنامه ریزی های

انجام شده در آینده محقق کند.

قدیمی ترین پیشکسوت صنعت پتروشیمی ایران که هم اکنون ۹۰ سال سن دارد، در پایان سخنان خود خطاب به مدیران کنونی این صنعت گفت: با همدلی، همکاری و تعامل می توانید آینده پتروشیمی را به عنوان صنعتی که دارای ارزش افزوده مطلوب است، تضمین کنید.

نقد فرایند خصوصی سازی در پتروشیمی

به گزارش خبرگزاری اختصاصی صنعت نفت (شانا)، اصغر ابراهیمی اصل، مدیرعامل پیشین شرکت ملی پتروشیمی هم در بعدازظهر ۲۹ دیماه ۱۳۹۳ در نشست هم اندیشی پنجاهمین سال تأسیس شرکت ملی صنایع پتروشیمی حضور یافت و ضمن اشاره به چگونگی فرایند خصوصی سازی در صنعت پتروشیمی گفت: در زمان آغاز خصوصی سازی در صنعت پتروشیمی، مسوولان وقت معتقد بودند که باید برای تشویق بخش خصوصی، شرکت های تولیدی سودده در اختیار آنها قرار گیرد، اما بنده در همان زمان بر حفظ برند شرکت ملی صنایع پتروشمی تاکید داشتم و معتقد بودم که باید با افزایش سرمایه در این شرکت، سهام آن را در قالب اصل ٤٤ به بخش خصوصی واگذار کرد و از تکه تکه شدن این شرکت و درنتیجه، ازدست رفتن مدیریت یکپارچه آن جلوگیری کرد.

ابراهیمی اصل سپس احیای صنعت پتروشیمی را در گرو ایجاد قانون کنسرسیوم و سرمایه گذاری در کشور دانست و گفت: هم اکنون نیاز است که همه سرمایه گذاران داخلی با مشارکت مردم در صنعت پتروشیمی حضور گسترده داشته باشند. وی در ادامه با اشاره به این که هم اکنون سرمایه در دست مردم حدود ۵۰۰ میلیارد دلار است، افزود: اگر دولت بتواند امنیت سرمایه گذاری در صنعت پتروشیمی را ایجاد کند، مردم یا بخش خصوصی و مردم متقاضی سرمایه گذاری در این صنعت هستند.

اگر دولت بتواند امنیت سرمایه گذاری در صنعت پتروشیمی را ایجاد کند، مردم یا بخش خصوصی و مردم متقاضی سرمایه گذاری در این صنعت هستند.

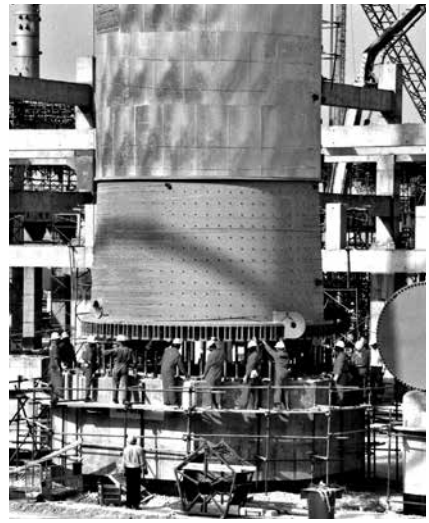

صنعت پتروشیمی نیازمند حمایت است

به گزارش خبرنگار شانا، مدیر عامل هلدینگ خلیج فارس نیز یکی از شرکت کنندگان در نشست های تخصصی همایش پنجاهمین سال تأسیس شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران بود. وی در سخنان خود به بحث در باره لزوم حمایت از این صنعت پرداخت و در این رابطه گفت: هلدینگ خلیج فارس به عنوان متولی توسعه صنعت پتروشیمی ایران، نیازمند حمایت و توجه دولت است. عادل نژادسلیم، مدیرعامل پیشین شرکت ملی صنایع پتروشیمی، ادامه داد: صنعت پتروشیمی در ایران، یک مزیت ارزشمند است که باید حمایت های قانونی از این صنعت افزایش یابد. وی سپس تصریح کرد: پنجاه سال رشادت و ایثار فعالان صنعت پتروشیمی ایران، اکنون به بار نشسته و باید گفت که با وجود مدیرانی شایسته، روند رو به رشد این صنعت شتاب گرفته است و در این مسیر تنوع در تولید می تواند جایگاه صنعت پتروشیمی ایران را تثبیت کند. وی در پایان با بیان این که پس از واگذاری های انجام شده در قالب اصل ٤٤ قانون اساسی، اکنون بسیاری از پتروشیمی ها در اختیار بخش خصوصی قرار گرفته اند، یادآور شد: شرکت های واگذارشده همچنان نیازمند نقش حمایتی شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران هستند.

پاسخ دادن به هیچ سوالی دشوارتر از سوالی نیست که جوابش روشن است.
(جرج برنارد شا)

شرکت های پیمانکاری چند بار باید ارزشیابی شوند؟

مهندس مرتضی شوشتری

ارزیابی وضعیت شرکت های پیمانکاری برای تشخیص صلاحیت و تعیین رتبه آنان، از قدیم بر عهده سازمان مدیریت و برنامه ریزی (یا نهادهای جایگزین آن) بوده و اکنون نیز به همین ترتیب می باشد. این سازمان برای بررسی صلاحیت شرکت های پیمانکاری، وضعیت پیمانکاران را در زمینه های اصلی زیر بررسی می نماید: ۱) میزان تجربه و دانش در زمینه مورد نظر، ۲) وضعیت مالی، یعنی داشتن توان مالی لازم، ۳) مدیریت سازمانی، به خصوص از لحاظ هیأت مدیره، ٤) وضعیت نیروی انسانی.

علاوه بر موارد فوق، نکات دیگری، از جمله کیفیت کار به لحاظ زمان انجام پروژه، وضعیت بیمه ای کارکنان و مفاصاحساب بیمه قراردادی و بسیاری مسایل اصلی و جزیی دیگر نیز مورد توجه و بررسی قرار می گیرند. البته با توجه به اینکه ارتباط پیمانکاران با سازمان مزبور برای تشخیص صلاحیت فقط از طریق سایت ساجات صورت می گیرد، لذا انجام این امر با کندی و با اما و اگرها و دشواری های فراوانی همراه است. این موضوع، یعنی مسایل و مشکلات عبور از این گردنه پرفرازونشیب مورد بحث نیست، چون این راهی است که پیش پای شرکت های پیمانکاری گذاشته شده و چاره ای جز رفتن آن نیست، چرا که اولین شرط شرکت در مناقصات، داشتن رتبه بندی و گواهی تأیید صلاحیت از سازمان مدیریت و برنامه ریزی است. موضوع این نوشته، قانون برگزاری مناقصات است که در سال ۱۳۸۳ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده و متعاقباً توسط ریاست جمهور وقت ابلاغ شده است. طبق این قانون، بررسی مجدد صلاحیت شرکت های متقاضی مناقصه توسط مناقصه گزار صورت می گیرد که کاری تکراری

و غیرضروری است.

لازم به توضیح است که طبق ماده ٤ قانون، مناقصات از نظر مراحل بررسی به دو نوع: ۱) مناقصه یک مرحله ای، ۲) مناقصه دومرحله ای طبقه بندی شده اند. در مناقصه یک مرحله ای، نیازی به ارزیابی فنی و بازرگانی پیشنهاد نمی باشد و پاکت های پیشنهاد مناقصه گران در یک جلسه گشوده و در همان جلسه نیز برنده تعیین می شود. اما در مناقصه دومرحله ای، بنا به تشخیص مناقصه گزار، بررسی فنی- بازرگانی پیشنهادها لازم است و مناقصه گزار کمیته فنی- بازرگانی تشکیل می دهد و نتایج ارزیابی فنی- بازرگانی پیشنهاد را به کمیسیون مناقصه گزارش می کند و بر اساس مفاد ماده ۱۹ قانون مذکور برنده مناقصه تعیین می شود. در این روش، مناقصه گر باید با صرف وقت و هزینه اسناد مناقصه را تهیه و بررسی کند و با زحمت زیاد پیشنهاد قیمت را تنظیم نموده و با گرفتن ضمانتنامه و پرداخت هزینه آن، در مناقصه شرکت نماید، در حالی که ممکن است به بهانه نداشتن صلاحیت لازم یا نداشتن نمره قبولی یا هر اسمی که روی آن گذاشته شود، از مناقصه کنار گذاشته شود و تمام هزینه ها و زحماتش به هدر رود. طبیعی است که در اینگونه موارد، هم امکان خطا وجود دارد و هم امکان کنارگذاشته شدن عمدی و بیجهت یک شرکت. حال بحث بر سر این است که با وجود ارزیابی سازمان مدیریت و برنامه ریزی که در سال های اخیر شرکت های پیمانکار را با سختگیری زیاد تأیید صلاحیت می کند، چه نیازی به ارزیابی مجدد پیمانکاران توسط مناقصه گزاراست؟

جالب این که حتی در اسناد ارزیابی پیمانکاران متقاضی شرکت در مناقصه که بر اساس ماده ۱۹ قانون مناقصات (مناقصه عمومی و یا محدود) انجام می شود، همان اوراق سازمان مدیریت و برنامه ریزی عیناً در اسناد ارزشیابی گذاشته می شود و پیمانکاران باید اسناد و مدارکی را که قبلاً به آن سازمان داده اند، به مناقصه گزار نیز ارایه نمایند، حال آنکه سازمان مزبور به طور تخصصی و به عنوان یک وظیفه این کار را انجام می دهد، اما در ارزیابی مناقصه گزار، به خصوص در نوع دومرحله ای آن، شایبه دخل و تصرف بر اساس نظرات فردی وجود دارد و فقط موجب اذیت و آزار پیمانکاران می شود.

لذا ضروریست که تشکل های صنفی پیمانکاری تلاش برای اصلاح این رویه را در دستورکار خود قرار دهند، یا حداقل ترتیبی بدهند که مناقصات به صورت دومرحله ای برگزار نشوند تا پیمانکاران تکلیف خود را در این خصوص بدانند.

بیمه نامهٔ اجرای تعهدات پیمانکاری

بهترین تضمین اجرای تعهدات برای کارفرما و عاملی موثر برای متعادل کردن شرایط عمومی پیمان

مهندس مرتضی بنی احمد

عقد قرارداد پیمانکاری بدون اخذ تضمین اجرای تعهدات از سازنده پروژه (پیمانکار) توسط طرف دیگر قرارداد، یعنی کارفرما (صاحب پروژه) مانند سوارشدن به خودرویی بدون ترمز و حفاظ برای مقابله با خطرات احتمالی است. در واقع، صاحب پروژه و سرمایه، به منظور حفظ سلامت اجرای کارهای ساخت و ساز و دستیابی به سرانجامی نیکو برای پروژه، نیازمند برخورداری از تضمین کافی است تا ضمن جلوگیری از وقایعی که پروژه را به رکود و یا توقف تهدید می کنند، بتواند با استفاده از آن تضمین، نسبت به جبران زیان های احتمالی وارده به پروژه اقدام نماید.

بدون تردید، بروز هرگونه اتفاقی که کیفیت عملیات اجرای پروژه و یا برنامه زمان بندی آن را به مخاطره اندازد، افزون بر ایجاد زیان های مالی، به جهت دوباره کاری و نیز عدم النفع به سبب تأخیر در بهره برداری، ممکن است به طور کلی، اقتصادی بودن سرمایه گذاری را با خطرات جدی روبرو سازد. در مورد پروژه های دولتی، مهمترین موضوع از لحاظ مسوول اجرایی و یا کارفرمای پروژه، کیفیت کارهای انجام شده در کوتاه ترین زمان است، به طوری که پاسخگوی سیاست های کلی سازمان باشد و مورد رضایت مسوولان رده بالا قرار بگیرد.

در شروع مراحل اجرایی یک پروژه- از مرحلهٔ فراخوان برای انتخاب پیمانکار تا مرحلهٔ تنظیم قرارداد با برنده مناقصه- مهمترین عامل تاثیرگذار در سیاست گذاری و گزینش روش اجرایی پروژه توسط صاحب کار، همانا نگه داشتن کل پروژه در شرایط امن و به دور

عقد قرارداد پیمانکاری بدون اخذ تضمین اجرای تعهدات از سازندهٔ پروژه (پیمانکار)، از لحاظ طرف دیگر قرارداد، مانند سوارشدن به خودرویی است بدون ترمز و حفاظ برای مقابله با خطرات احتمالی.

از صدمات ناشی از کیفیت نازل کارهای اجرایی و عدم پیشرفت کارها نسبت به برنامه زمان بندی اولیه است. با نگرش به اینکه در فرآیند کارهای اجرایی که در هماهنگی کامل بین ارگان های نظارتی و اجرایی با کارفرما انجام می گیرد، ممکن است انواع اتفاقات غیرمنتظره و زیان بار برای پیشرفت امور بروز کند، به طوری که کلیه برنامه ریزی ها را به مخاطره بیندازد، لازم است تمهیداتی برای جلوگیری از بروز حوادث مزبور و نیز جبران خسارت های احتمالی اندیشیده شود. به عبارت دیگر، چون بروز اکثر حوادث، خارج از اختیار افراد و یا سازمان های کارفرمایی است و احتمال وقوع آنها را نمی توان نادیده گرفت، لذا موضوع جبران خسارت های ناشی از کیفیت بد و تأخیرات بوجود آمده، مهمترین بخش از سیاست گذاری برای اجرای مطلوب پروژه های عمرانی می باشد.

ضمانت نامه بانکی و مشکلات آن

یکی از روش های ساده و سنتی در عقد قراردادهای پیمانکاری در ایران، گرفتن ضمانت نامه بانکی از پیمانکار است تا چنانچه عملیات اجرایی مطابق با مشخصات قرارداد انجام نشد، یا با تأخیر غیرقابل قبول مواجه گردید و یا اینکه به طورکلی، عملیات اجرایی به علت مسایل داخلی پیمانکار و یا حوادث دیگر، نیمه کاره رها شد، کارفرما بتواند برای جبران خسارت های وارده، مبلغ ضمانت نامه را به نفع خود ضبط کند. اما به این رویه ایرادهایی بدین شرح وارد است:

۱) مبلغ ضمانت نامه به طور کامل جبران خسارت وارده را نمی کند: مهمترین ایراد اخذ

ضمانت نامه بانکی– به میزان پنج درصد مبلغ اولیه قرارداد– این است که عموماً مبلغ مزبور برای جبران خسارت های واردشده به پروژه هم از جهت افزایش هزینه های اجرایی و هم از جهت عدم النفع ناشی از تأخیرات در بهره برداری و نیز دوران توقف کارها به علت تعویض پیمانکار، به هیچوجه کافی نیست. واهمه پیمانکار از ضبط ضمانت نامه بانکی نیز بیشتر به خاطر واردشدن صدمه به اعتبار و سوابق کاری اش است تا ازدست دادن مبلغ ضمانت نامه.

۲) ضبط بدون قید و شرط ضمانت نامه: ضمانت نامه های بانکی عموماً بدون قید و شرط در اختیار کامل کارفرما قرار دارند و کارفرما می تواند بدون ارایه دلیل و یا اثبات قصور پیمانکار، وجه آنها را به نفع خود ضبط کند و چون تصمیم به ضبط ضمانت نامه معمولاً در شرایط غیرعادی– از لحاظ اضطرار در حل مسأله پروژه در اسرع وقت– اتخاذ می شود، لذا اکثراً مبتنی بر بررسی های کامل و بی طرفانه و قضاوت های صحیح و عادلانه نیست، شاهد آن هم موارد متعددی است که شورای عالی فنی با بررسی شکایت پیمانکاران خلع یدشده، آنها را تبرئه کرده و خسارت آنها را پرداخت نموده است.

۳) عدم امکان مدافعه برای پیمانکار: مطابق مفاد ماده ٤٦ و ٤٧ شرایط عمومی پیمان، تشخیص وجود شرایط فسخ، جمع آوری مدارک لازم و قضاوت و تصمیم گیری در مورد فسخ، منحصراً توسط کارفرما و مشاور او انجام می شود و روال امور هم به نحوی است که پیمانکار در برابر کارفرما و مشاور در اقلیت کامل قرار دارد و قادر به دفاع از خود نیست و اکثراً قربانی یک بی عدالتی مطلق می گردد.

٤) پرهزینه و زمان بربودن فرایند فسخ قرارداد و ضبط ضمانت نامه: ضبط ضمانت نامه بر اساس ماده ٤٦ شرایط عمومی پیمان، همراه با فسخ قرارداد انجام می گیرد که انجام تشریفات اداری و نیز کارهای کارشناسی متعددی، ازجمله صورت برداری دقیق از کارهای انجام شده را ضروری می سازد. همچنین حضور نمایندگان طرفین قرارداد در مراحل صورت برداری از مصالح و تجهیزات و لوازم دیگر و نیز در بسیاری موارد برآورد قیمت آنها و نظارت بر عملیات جابجایی ها ضرورت دارد. بدیهی است که همه این اقدامات زمان برند و موجب ایجاد تأخیرات زیادتر در اتمام پروژه می شوند.

۵) فرایند طولانی تعویض پیمانکار: پیرو ضبط ضمانت نامه و انجام کلیه تشریفات

مهمترین ایراد اخذ ضمانت نامه بانکی حّسن اجرای تعهدات، این است که عموماً مبلغ ضمانت نامه برای جبران خسارت های واردشده به پروژه به هیچوجه کافی نیست.

خلع ید از پیمانکار، مرحله انتخاب پیمانکار جدید آغاز می شود که باید طبق یک فرایند قانونی و با انجام فراخوان برای تشخیص صلاحیت پیمانکاران داوطلب و برگزاری مناقصه بر اساس آیین نامه های مربوط انجام گردد. انجام این سلسله امور نیز به زمان نسبتاً زیادی نیاز دارد و در طول مدت تعیین پیمانکار جدید هم عملیات اجرایی ناگزیر متوقف خواهد ماند.

٦) مماشات با پیمانکار: چون فسخ پیمان و ضبط ضمانت نامه و انتخاب پیمانکار جدید بسیار پرهزینه و زمان بر است، لذا غالباً کارفرما پس از بررسی های کامل و مشاوره با کارشناسان حقوقی، به این نتیجه می رسد که فسخ پیمان و انتخاب پیمانکار جدید، به صلاح نیست و بهتر است که با پیمانکار فعلی مماشات کند و پروژه را به پایان برساند. این موضوع هم ممکن است به طور کلی به زیان پروژه تمام شود.

بیمه نامه اجرای تعهدات پیمانکاری

روش دیگری که در اکثر نقاط دنیا برای اجرای پروژه های عمرانی به روش پیمانکاری مرسوم است، واگذاری اجرای پروژه به شرکت هایی است که قادر باشند اجرای با کیفیت کارها در کوتاه ترین زمان را توسط شرکت های بیمه معتبر، بیمه کنند، به طوری که در صورت بروز هرگونه اشکال در پیشرفت کارها یا وجود کیفیت ضعیف در کارهای اجرا شده، جبران کلیه خسارت های وارده به کارفرما و پروژه امکانپذیر باشد. به بیان روشن تر، کارفرما بدین ترتیب، به طور کامل اطمینان حاصل می کند که پروژه با کیفیت مورد قبول و در زمان پیش بینی شده انجام می گیرد. در غیر این صورت، کلیه خسارت های وارده را دریافت خواهد کرد.

روش دریافت بیمه نامه پیمانکاری در عمل نتایج خوبی را به دست داده است، از جمله این که جبران خسارت کارفرما، به یک مبلغ مشخص (پنج درصد مبلغ اولیه) محدود نمی شود، بلکه مبلغ آن برابر میزان خسارتی است که وارد می شود. بدیهی است که برای کارفرما هم بسیار مطلوب است که کل خسارت وارده را دریافت کند و نه یک مبلغ مشخص و محدود را. در زیر به چند مزیت عمده دیگر بیمه نامه اشاره می شود:

۱) امکان جایگزینی پیمانکار: چنانچه شرکت پیمانکار به دلایل غیرمنتظره، از جمله اختلافات داخلی و یا پیشامدهای دیگر اثرگذار روی ساختار شرکت، قادر به انجام کارها به نحو مطلوب نباشد و یا ناتوانی پیمانکار در اجرای کارها با کیفیت مطلوب و استانداردهای مورد قبول برای طرفین قرارداد ثابت شود، برای شرکت بیمه این امکان وجود دارد که در فرصت کافی، شرکت دیگری را برای اجرای کارها معرفی و خسارت های

ناشی از تأخیرات احتمالی را جبران کند. جایگزینی پیمانکار نیز عملاً با سرعت کافی انجام می شود، زیرا هرگونه تعلل در این امر، زیان بیشتری برای پیمانکار و شرکت بیمه خواهد داشت.

۲) امکان کنترل سوابق اجرایی و توانایی های پیمانکار: با توجه به اینکه میزان قابلیت ها و صلاحیت های پیمانکار، عامل تعیین کننده ای در اجرای موفق پروژه ها از جنبه های تخصصی و حجم مالی می باشد و داشتن اطلاع دقیق از امکانات اجرایی و مدیریتی آنها برای شرکت های بیمه نیز بسیار مهم است، لذا شرکت های بیمه بایستی اجباراً به نوعی شرکت های پیمانکاری را از بابت سوابق اجرایی و توانایی فعلی آنها در زمینه های گوناگون طبقه بندی و رتبه بندی کنند. از طرف دیگر، شرکت های پیمانکاری نیز برای جلب نظر مساعد شرکت های بیمه، همه تلاش خود را در بالابردن امکانات و حفظ توان و قابلیت های خود به کار می گیرند، زیرا از این راه ریسک آنها در تقبل بیمه برای شرکت در مناقصات کاهش می یابد. به علاوه، تردید نیست که کنترل صلاحیت و ارزیابی توانایی پیمانکار برای اجرای پروژه های مورد نظر توسط نهادهایی غیر از کارفرما، زمینه ایجاد و رشد فساد را از بین می برد و فساد را به تدریج ریشه کن می کند.

۳) واقعی شدن قیمت پیشنهادی پیمانکار: شرکت بیمه برای کاهش خطر درماندگی پیمانکار در اجرای باکیفیت پروژه، نیاز دارد تا از واقعی بودن قیمت های پیشنهادی پیمانکار مطمئن باشد و در نتیجه، مانع ارایهٔ قیمت های غیرواقعی در مناقصه ها می شود. این امر موجب می شود که به تدریج از حضور گروهی از پیمانکاران در مناقصه که به سبب اضطرار و اکثراً برای رهایی از گرفتاری های مالی قبلی، به دنبال گرفتن کار جدید می روند و برای برنده شدن در مناقصه، قیمت های بسیار نازل و غیرمتعارف پیشنهاد می دهند، جلوگیری شود. فایده این امر در طولانی مدت هم این است که بسیاری از شرکت هایی که فاقد سازمان

اداری و تشکیلاتی مناسب، بخش های کنترل کیفیت، سیستم های مالی پیشرفته، بخش های کارشناسی روزآمد، کنترل پروژه و نظایر آن می باشند، نتوانند با شرکت های مهندسی پرتوان رقابت کنند و در نتیجه، از دور مناقصات خارج می شوند و میدان را برای شرکت های پرتوان خالی می کنند.

شایان ذکر است که در حال حاضر، کلیه فارغ التحصیلان رشته های مهندسی با داشتن سه سال سابقه کار مفید در حرفه خود، می توانند از سازمان مدیریت و برنامه ریزی درخواست رتبه بندی نمایند و عموماً هم رتبه پنج در همان رشته را دریافت می کنند و بلافاصله وارد رقابت های متداول در مناقصات جهت گرفتن کار اجرایی می شوند. شرکت های تازه کار مزبور می توانند حدود پنج تا هفت میلیارد تومان قرارداد برای پروژه های عمرانی منعقد کنند و بسیاری از شرکت هایی که قیمت های غیرکارشناسی ارایه می دهند،

روش دیگری که در اکثر نقاط دنیا برای اجرای پروژه های عمرانی به روش پیمانکاری مرسوم است، واگذاری اجرای پروژه به شرکت هایی است که قادر باشند اجرای با کیفیت کارها در کوتاه ترین زمان را توسط شرکت های بیمه معتبر، بیمه کنند.

همین تازه واردها هستند و عموماً نمی توانند پروژه ها را با کیفیت خوب اجرا کنند، زیرا تنها داشتن اطلاعات فنی اکادمیک– آن هم در یک رشته خاص– برای اجرای پروژه عمرانی به صورت پیمانکاری کافی نیست، بلکه اجرای پروژه عمرانی در قالب پیمانکاری، نیاز به دانش اقتصاد پیمانکاری و مدیریت خاص این حرفه دارد. به همین علت، افرادی که به کارهای پیمانکاری علاقه دارند، باید چند سال در پست سرپرست کارگاه و کارشناس دفتر فنی یک شرکت معتبر و باسابقه پیمانکاری به طور موثر و با داشتن مسوولیت کار کرده باشند. افرادی که با اخذ رتبه پیمانکاری تنها با سه سال کار در رشته تحصیلی خود وارد این حرفه می شوند، نه تنها نمی توانند پروژه را به نحو احسن اجرا کنند، بلکه اغلب هم خود را دچار گرفتاری های مالی، اداری و حقوقی با کارفرما می کنند و هم به پروژه صدمات اساسی وارد می نمایند.

٤) نظارت بر کیفیت و سرعت پیشرفت کارها: شرکت های بیمه برای کسب آگاهی کامل از فرایند پیشرفت و نیز کیفیت اجرایی پروژه لازم است به طور برنامه ریزی شده در جریان پیشرفت کارها قرار داشته باشند تا از هرگونه نابسامانی در امور اجرایی، به موقع مطلع شده و اقدامات پیشگیری و یا جبرانی را انجام دهند و در صورت لزوم، کمک های ضروری را برای جلوگیری از رکود کارها و

خلع ید پیمانکار انجام دهند.

۵) عادلانه ترشدن مناسبات بین کارفرما و پیمانکار: با وجود همه اقدامات احتیاطی و پیشگیرانه برای جلوگیری از بروز اختلاف بین کارفرما و پیمانکار و ایجاد رکود در کارهای اجرایی، باز هم ممکن است مسایلی بوجود بیاید و کار به خلع ید و مطالبه خسارت از طرف کارفرما برسد. در این صورت، حضور شرکت بیمه با اطلاعات کافی از روال اجرای کارها و نیز آگاهی از نحوه انجام تعهدات طرفین قرارداد، به روشن شدن جزییات امور برای طرفین قرارداد کمک می کند. بدیهی است که این موضوع، به ویژه برای پیمانکار بسیار مفید است و شرایط عادلانه تری را برای پیمانکار ایجاد می کند، زیرا در هنگام بروز اختلاف شدید در قراردادهای با ضمانت نامه بانکی، پیمانکار معمولاً به سبب یکطرفه بودن شرایط عمومی پیمان در موضع اقلیت قرار می گیرد تا جایی که حتی توانایی دفاع از خود را نخواهد داشت و ناگزیر قربانی شرایط ناعادلانه حاکم بر فضای معاملات می شود و حتی بسیار دیده شده است که به منظور سرپوش گذاشتن بر روی کوتاهی ها و قصور عوامل کارفرما و مشاور، همه تقصیرها بی جهت به گردن پیمانکار گذاشته می شود، در حالی که حضور

کنترل صلاحیت و ارزیابی توانایی پیمانکار برای اجرای پروژه های موردنظر توسط نهادهایی غیر از کارفرما-همچون شرکت های بیمه- زمینه ایجاد و رشد فساد را از بین می برد و فساد را به تدریج ریشه کن می کند.

یک شخص ثالث به عنوان شرکت بیمه، می تواند این چیدمان یکطرفه را تغییر بدهد و از شدت این بیعدالتی ها بکاهد و موجب شود که درخصوص میزان قصور ارگان های ذیربط در اجرای پروژه، قضاوت عادلانه تری صورت گیرد.

٦) امکان حل وفصل اختلافات در فضایی آرامتر: هنگامی که با تفاهم و توافق طرفین قرارداد و شرکت بیمه کننده پروژه، تعویض پیمانکار اجتناب ناپذیر گردد، این امر می تواند بدون واردآوردن شوک انجام پذیرد و تحویل و تحول کارها از پیمانکار موجود به پیمانکار جدید عملی شود. بدین ترتیب، نه تنها پروژه از وضعیت رکود نجات می یابد، بلکه زیان وارده به همه ذینفعان نیز به حداقل و یا حتی به صفر خواهد رسید. ناگفته نماند که در تمام دوران تحویل و تحول کارها بین پیمانکار فعلی و پیمانکار جدید، لزومی ندارد که عملیات اجرایی پروژه متوقف شود.

۷) حذف کسورات حسن انجام کار: از آنجا که عقد قرارداد پیمانکاری بر پایه ضمانت اجرای کامل و صددرصد پروژه مطابق با مشخصات و استانداردهای خواسته شده در نقشه های ابلاغی، توسط شرکت بیمه انجام می گیرد، لذا هرگونه کاستی و یا انحراف از کیفیت اجرایی مورد قبول پذیرفته نخواهد بود. در این وضعیت، کسر مبلغی به عنوان ضمانت حسن انجام کار توسط کارفرما بی مورد است، زیرا در هر زمان، چه در حین اجرای کار و چه در دوره تضمین که عموماً یک سال است، چنانچه ایرادی در کیفیت کارهای اجراشده مشاهده گردد، جزو نواقص کار محسوب می شود و بایستی اصلاح شود. در غیر این صورت، مشمول پرداخت خسارت از طرف شرکت بیمه خواهد بود.

شایان ذکر است که در باب ضمانت حسن انجام کار نیز مشابه ضمانت نامه اجرای تعهدات، میزان و حیطه شمول تعهدات و خسارت های قابل دریافت از پیمانکار، در سقف ۱۰ درصد مبلغ کارکرد محدود نمی شود، بلکه حسب شرایط فنی کارهای انجام شده و میزان دقیق خسارت ایجادشده، مبلغ خسارت می تواند بیشتر از ۱۰ درصد هم باشد. ناگفته نماند که کسر تنها ۱۰ درصد از مبلغ صورت وضعیت های پیمانکار به عنوان ضمانت حسن انجام کار و جبران ایرادات اجرایی در دوران ضمانت پروژه در قراردادهای فعلی، کارفرماها را قانع و راضی نمی کند. از همین رو، در عمل به طرق مختلف و به بهانه های گوناگون- از جمله از طریق حذف بخشی از کارهای انجام شده از صورت وضعیت های موقت- مبالغ بیشتری از مطالبات پیمانکار را نزد خود نگه می دارند. این مبالغ معمولاً پس از زمان تحویل موقت و حتی پس از تحویل قطعی و در مدت نسبتاً طولانی رسیدگی به صورت وضعیت قطعی و پس از آن نیز تا زمان تسویه حساب قطعی، نزد کارفرما راکد می ماند.

بدیهی است که کسر مبالغ مربوط به تضمین حسن انجام کار (وجه الضمان) و کسورات دیگر تحت عناوینی همچون تکمیل کارهای بخشی و ترمیم نواقص موضعی و غیره، بزرگترین عامل فقر نقدینگی پروژه حین اجرای کار است. پیمانکار هم به سبب نداشتن پول نقد برای پرداخت های بموقع دستمزد و یا خرید مصالح و تجهیزات، قادر نخواهد بود جریان پیشرفت کارها را برابر با برنامه زمان بندی حفظ کند، در حالی که اگر این موانع ایجاد نمی شدند، حتی می توانست از برنامه زمان بندی پیشی بگیرد. به علاوه، در بسیاری از موارد پیمانکار برای حفظ پروژه در قالب برنامه زمان بندی اولیه، ناچار به استقراض از بانک ها برای تأمین مخارج روزمره و تهیه مصالح و یا تجهیزات پروژه می شود و بدین ترتیب، هزینه های استقراض نیز به جمع کل مخارج پروژه افزوده می شود. در این شرایط، ذخیره کردن مبلغی تحت عنوان جبران خسارت به نفع کارفرما، ضمن اینکه سرمایه ای را که می تواند درگردش باشد و کارآیی داشته باشد، راکد و غیر قابل استفاده می کند، مشکلات زیادی را نیز برای مدیر اجرایی پروژه خلق می نماید. مبالغ کسورات حسن انجام کار در جمع کل پروژه های در دست اجرا در سازمان های گوناگون در سراسر کشور، مبلغ هنگفتی می شود که درنهایت، به زیان کشور خواهد بود.

بیمه نامه شرکت در مناقصه بجای ضمانت نامه بانکی

جایگزینی بیمه نامه شرکت در مناقصه با ضمانت نامه بانکی نیز مزایای فراوانی دارد. در این حالت، پیمانکار به عنوان مناقصه گزار، برای شرکت در مناقصه پروژه های عمرانی، بیمه نامه صادره از یک شرکت معتبر بیمه را به مناقصه گر ارایه می دهد. این بیمه نامه به کارفرما تضمین می دهد که پس از برگزاری مناقصه، می تواند با خیال راحت قرارداد کار را با برنده مناقصه منعقد کند و چنانچه برنده مناقصه برای عقد قرار داد پیمانکاری اقدامی نکرد و حاضر به اجرای پروژه نشد، از بابت هزینه های لازم

تنها داشتن اطلاعات فنی اکادمیک – آن هم در یک رشته خاص- برای اجرای پروژه عمرانی به صورت پیمانکاری کافی نیست، بلکه اجرای پروژه عمرانی در قالب پیمانکاری، نیاز به دانش اقتصاد پیمانکاری و مدیریت خاص این حرفه دارد.

برای انتخاب پیمانکار دیگر جرایمی به او تعلق می گیرد و مناقصه گزار و شرکت بیمه مسوولیت دارند این هزینه ها را به مناقصه گر پرداخت کنند. این مبلغ معمولاً برابر است با اختلاف قیمت برنده مناقصه و نفر دوم و عموماً بین ۱۰ تا ۲۰ درصد مبلغ مناقصه برآورد می شود.

یکی دیگر از عملکردهای قابل توجه استفاده از بیمه نامه شرکت در مناقصه این است که شرکت کنندگان نمی توانند قیمت های غیرواقعی ارایه کنند، زیرا مجبورند که در صورت برنده شدن، پروژه را اجرا کنند و یا حداقل جریمه آن را بپردازند. شرکت های بیمه هم برای کاهش ریسک مربوط به صدور بیمه نامه شرکت در مناقصه برای یک شرکت پیمانکاری، باید اطلاعات کاملی در مورد توانایی اجرایی شرکت مزبور داشته باشند، زیرا در صورت امتناع شرکت از عقد قرارداد، باید تفاوت مبلغ بین نفر اول و نفر بعدی را به مناقصه گر بپردازند. علاوه براین،

در بسیاری از کشورها، داشتن بیمه نامه از یک شرکت بیمه معتبر، به خودی خود برای پیمانکار خلق اعتبار می کند، اعتباری که از لحاظ کسب صلاحیت و مجوز برای اجرای بسیاری از پروژه های پیمانکاری ضروری است.

شرکت های تازه تاسیس و آنهایی که به تازگی رتبه بندی گرفته اند، باید توانایی فنی و مدیریتی لازم را داشته باشند تا بتوانند شرکت های بیمه را برای صدور بیمه نامه قانع کنند. بدین ترتیب، از حضور شرکت های فاقد توانایی لازم برای اجرای پروژه در مناقصه جلوگیری شده و به دنبال آن، از ارایه پیشنهاد قیمت های بی پایه و اساس و غیرواقعی که تنها برای گرفتن پروژه ارایه می شوند، جلوگیری خواهد شد. در بعضی مواقع نیز شرکت بیمه گر مجبور می شود از شرکت مناقصه گزاری که حاضر به عقد قرارداد نشده، به دادگاه شکایت کند. البته این موضوع به نوع توافق بین شرکت مناقصه گزار و شرکت بیمه بستگی دارد.

به طورکلی، داشتن بیمه مناقصه برای یک شرکت پیمانکاری که بخواهد در مناقصات ساختمانی با شرکت های دیگر رقابت کند، بسیار مهم است. در بسیاری از کشورها، داشتن بیمه نامه از یک شرکت بیمه معتبر، به خودی خود برای شرکت پیمانکار خلق اعتبار می کند، اعتباری که برای کسب صلاحیت و مجوز برای اجرای بسیاری از پروژه های پیمانکاری ضروری است. بدین علت، تقریباً همه شرکت های پیمانکاری و یا شرکت های انبوه ساز برای شرکت در مناقصات نیازمند استفاده از بیمه نامه شرکت در مناقصه می باشند.

فنی

بهره گیری از فناوری GTL

راهکاری مناسب برای تحرک بخشیدن به صادرات گاز و تولید محصولات سوختی با کیفیت بالا

مهندس سیدموسی میرقربانی گنجی معاون بازرگانی گروه صنعتی و بازرگانی آپادانا

چکیده

توسعه سریع صنعت گاز همانند سایر بخش های انرژی، تاثیرپذیر از فناوری های مهمی بوده که از اواسط قرن بیستم مطرح شده است. فناوری تبدیل گاز به سوخت و مواد شیمیایی مایع، به عنوان یکی از روش های فرآوری گاز طبیعی، امروزه به منظور حل مشکلات ناشی از انتقال و مصرف گاز طبیعی در جهان مطرح است و به دلیل ایجاد ارزش افزوده بالاتر و بازیافت گازهای همراه و تبدیل آنها به محصولات با کیفیت بالا در راستای تامین اهداف زیست محیطی، توجه بسیاری از کشورهای صاحب منابع گازی را به منظور به کارگیری و توسعه آن به خود جلب کرده است.

ایران در حال حاضر، دومین کشور دارندهٔ ذخایر گاز طبیعی جهان بشمار می آید و بر اساس آمارهای منتشر شده، میزان ذخایر ثبت شدهٔ گاز ایران در حدود ۶۲/۲۶ تریلیون مترمکعب است. طبیعتاً یکی از گزینه های پیش رو برای استفاده از ذخایر گاز طبیعی کشور و ایجاد ارزش افزوده مناسب برای آنها، تبدیل گاز طبیعی به فرآورده های نفتی در یک فرآیند GTL (Gas to liquid) است. فناوری GTL به فرآیندی گفته می شود که در آن بتوان گاز طبیعی را به فرآورده های باارزشی از جمله متانول، دی متیل اتر و سایر فرآورده های میان تقطیر (مانند گازوییل و نفت سفید) تبدیل نمود. در سال های اخیر پیشرفت های قابل توجهی در کاهش هزینه های سرمایه ای و عملیاتی فرآیند GTL به دست آمده است. در این نوشتار علاوه بر بررسی فرآیند تبدیل گاز طبیعی به فرآورده های مایع (GTL) و همچنین هزینه های سرمایه ای و عملیاتی فرآیند GTL، به بررسی چگونگی اجرای این روش در ایران می پردازیم.

همانطور که اشاره شد، با توجه به اینکه ایران دومین کشور عمده جهان از لحاظ میزان ذخایر گاز است و عمر این ذخایر نیز با روند تولید فعلی حدود ۲۰۰ سال برآورد می شود، لذا استفاده بهینه از این انرژی به صورت فرآورده های مایع برای مصرف داخلی (به جای فرآورده های نفتی) ضروری است. همچنین تحقق اهداف سه گانه تامین گسترده تر گاز در مصارف انرژی داخلی در اجرای طرح های صیانتی، تزریق گاز به مخازن نفتی و عهده دارشدن نقش و داشتن سهم منطقی در بازارهای جهانی گاز مستلزم برنامه ریزی های بلند مدت و مطالعات جامع است که بتواند جهت گیری های توسعه منابع گازی و بهره برداری موثر از ذخایر گاز کشور را تبیین نماید. توسعه سریع صنعت گاز نیز متاثر از فناوری های مهمی مانند LNG، CNG، GTL و هیدرات بوده که از اواسط قرن بیستم مطرح شده است. از میان فناوری های فوق الذکر، تنها فناوری GTL است که می تواند هر دو هدف صادرات و مصرف داخلی کشور را به صورت فرآورده های مایع (به جای فرآورده های میان تقطیر نفتی) تحقق بخشد.

مقدمه

تحولات ساختاری- تکنولوژیک در اقتصاد جهانی و در بخش انرژی، از جمله ضرورت تنوع بخشیدن به منابع تامین انرژی، امنیت عرضه، رشد فزاینده مصرف انرژی در افق های بلندمدت و در کشورهای نوخاسته صنعتی و درحال توسعه، نگرانی نسبت به آلودگی های محیط زیست، افزایش سریع مصارف محصولات گوناگون پتروشیمیایی و... گاز را به منزله یک منبع انرژی و نهاده صنعتی ممتاز در عرصهٔ اقتصاد جهانی مطرح کرده و روی این اصل ایران در آینده با ملاحظه گستردگی بازار گاز در سطح بین- المللی، می تواند در فرآیند بازآرایی اقتصاد ملی و بخش انرژی کشور به عرصه مبادلات جهانی گاز وارد شود. به همین علت، پروژه مطالعات جامع گاز کشور با بهره گیری از اطلاعات مربوط به عملکرد صنعت گاز کشور در بیست سال گذشته و بر اساس طراحی و تدوین مدل های ریاضی به طرح چشم اندازی از آینده پرداخته و در قالب آن، عرضه و تقاضای حامل های مختلف انرژی و سهم هریک از آنها در بخش های مختلف خانگی- تجاری، صنعت، کشاورزی و حمل ونقل در افق بیست سال آینده ارایه شده است. بدیهی است که توسعه منابع گازی کشور و تبدیل ذخایر گازی به منابع قابل بهره برداری و در

فناوری GTL به فرآیندی گفته می شود که در آن بتوان گاز طبیعی را به فرآورده های باارزشی از جمله متانول، دی متیل اتر و سایر فرآورده های میان تقطیر (مانند گازوییل و نفت سفید) تبدیل نمود.

دسترس با کمیات پیش بینی شده، مستلزم سرمایه گذاری عظیم در این بخش و تحول بنیادی تکنولوژیک آن است و از همین روی گسترش و تعمیق همکاری های بین المللی منطقه ای از جمله شرایط اساسی برای توفیق در اجرای برنامه های طراحی شده و ایجاد دگرگونی در مبانی فنی تولید و جلب سرمایه در بخش انرژی به طور عام و بخش گاز به طور خاص است. چنین فرآیندی، ناگزیر مستلزم بازآرایی صنعت نفت و گاز کشور و انطباق آن با شرایط جدید فنی، اقتصادی و تجاری در سطح بین المللی است.

در همین مقدمه لازم است اضافه شود که تولید و عرضه گاز طبیعی در دهه گذشته در مقایسه با سایر حامل های انرژی، مخصوصاً در مناطق خاورمیانه، آفریقا و آمریکای مرکزی از افزایش قابل توجهی برخوردار بوده و به طور کلی، میزان تولید این نواحی در این دوره حدود ۱۰۰ درصد رشد داشته، لکن این میزان تولید با درنظرگرفتن ذخایر عظیم گازی مناطق فوق که دارای عمر متوسط بیش از ۱۰۰ سال هستند، هنوز بسیار ناچیز بوده و نشاندهنده توان بالقوه ای است که در صورت به فعل درآمدن، قادر به تامین مصارف بلندمدت انرژی جهانی خواهد بود.

پراکندگی و عمر ذخایر گاز طبیعی در جهان (حجم ذخایر تثبیت شده گاز طبیعی در جهان) در سه دهه اخیر تقریباً سه برابر شده و بررسی عمر ذخایر جهانی گاز در این دوره حاکی از افزایش عمر این ذخایر است. عمر ذخایر گاز به میزان ۲۲ سال(۵۰ درصد) بیشتر از عمر ذخایر نفتی است. ازاین رو، جهان جهت تامین نیازهای آتی انرژی خود بیشتر از نفت می تواند بر روی گاز تکیه داشته باشد. در حال حاضر، میزان ذخایر گاز طبیعی شوروی سابق ۴۰ درصد کل ذخایر جهان است و روسیه به تنهایی ۳۴/۵ درصد از ذخایر جهان را داراست. خاورمیانه نیز ۳۲/۴ درصد، یعنی تقریباً یک سوم ذخایر گاز جهان را در اختیار دارد و سهم ایران به تنهایی ۱۵ درصد است. بنابراین، دو منطقه مزبور، یعنی شوروی سابق (شامل روسیه، ترکمنستان، قزاقستان و ازبکستان) و خاورمیانه (شامل ایران، قطر، امارات عربی متحده، عراق، کویت و عربستان) جمعاً حدود ۷۵ درصد از ذخایر را دراختیار دارند و این موضوع از دیدگاه برنامه ریزی آتی انرژی جهانی بسیار حایز اهمیت است. بدون تردید، این ارقام و واقعیات گویای اهمیت استراتژیک ایران از لحاظ منابع گاز جهان هستند. علاوه بر

از جمله نکات مهم در ارتباط با ذخایر گازی، تمرکز بیش از ۷۰ درصد این منابع در دو منطقه خاورمیانه و شوروی سابق با ذخایر معادل ۱۰۰ تریلیون مترمکعب است که از دیدگاه برنامه ریزی آتی انرژی جهانی، بسیار حایز اهمیت است.

این، ایران بین دو قطب مهم گازی جهان قرار گرفته و این مطلب نیز بر اهمیت استراتژیک کشور می افزاید.

وضعیت پراکندگی جغرافیایی ذخایر سایر نقاط جهان نیز بدین شرح است: آسیا و اقیانوسیه، با حجم ذخایر ۹/۵ تریلیون مترمکعب با حدود۶/۷ درصد میزان جهانی گاز، قاره آفریقا با ۹/۴ تریلیون مترمکعب با حدود ۶/۷ درصد حجم جهانی ذخایر گاز، الجزایر، هند و نروژ نیز سایر میدان های عظیم را در اختیار دارند. در مجموع، عمر ذخایر گاز جهان با نرخ تولید فعلی، حدود ۶۵ سال برآورد می شود و در مقایسه با عمر ذخایر نفتی که حدود ۴۳ سال است، از وضعیت مطلوب تری برخوردار است.

به طور کلی، ذخایر گاز طبیعی در جهان نیز همچون ذخایر نفتی به سه دسته تقسیم می شوند:

۱) ذخایر ثابت شده (Proved Reserves).

۲) ذخایر احتمالی (Probable)

۳) ذخایر ممکن (Possible).

ذخایر ثابت شده، آن دسته ذخایری هستند

که اکتشاف در آنها به پایان رسیده و در حال حاضر، در مرحله تولید و یا توسعه قرار دارند. ذخایر احتمالی، به آن دسته اطلاق می شود که اکتشاف در آنها به پایان رسیده و به احتمال زیاد تحت شرایط فنی و اقتصادی فعلی قابلیت تولید خواهند داشت. ذخایر ممکن نیز ذخایری هستند که شناخت زمین شناسی بر روی آنها صورت گرفته و معمولاً در جنب ذخایر ثابت شده یا احتمالی قرار دارند و ارقام ارایه شده، صرفاً تخمین های کارشناسان زمین شناسی نفت و گاز است. ذخایر گاز جهان در بیست سال گذشته از روند پایدار افزایشی برخوردار بوده است، ازقبیل کشف میدان های عظیم گازی مستقل در روسیه، مانند اورنگری(Urengoy)، یامبرگ (Yam-burg) و بوانکوسکوی (Bovanakovskoye) و همچنین میدان عظیم گازی پارس جنوبی در ایران.

سیستم های مختلف عرضه (خطوط لوله و تانکر) نیز با توجه به پراکندگی جغرافیایی ذخایر گاز طبیعی، عمدتاً در مناطقی قرار دارند که از بازارهای اصلی مصرف به دور هستند. انتقال گاز از مراکز تولید به مصرف شامل انتقال گاز در داخل کشور به صورت شبکه توزیع گاز و هم به صورت انتقال گاز با خطوط یا به طریق LNG برای صادرات به دیگر کشورها است. منطقه جنوب شرقی آسیا و یا به طور مشخص کشورهای ژاپن، کره جنوبی و تایوان در حال حاضر، بزرگترین مصرف کنندگان و واردکنندگان گاز مایع(L.N.G) بشمار می روند. پیش بینی های انجام شده به منظور شناخت تقاضای آتی این محصول، نشانگر رشد بالای تقاضای LNG در ۲۰ سال آینده در این ناحیه است.

در حال حاضر، ناحیه آسیایی اقیانوس آرام (Asia-Pacific) با دردست داشتن بیش از ۷۵ درصد تجارت جهانی LNG مهمترین ناحیه به لحاظ بررسی آینده این محصول است. به علاوه، ساحل اقیانوس اطلس نیز با پروژه های نیجریه و ترینیداد فعال خواهند شد. در حال حاضر، LNG تنها شش درصد

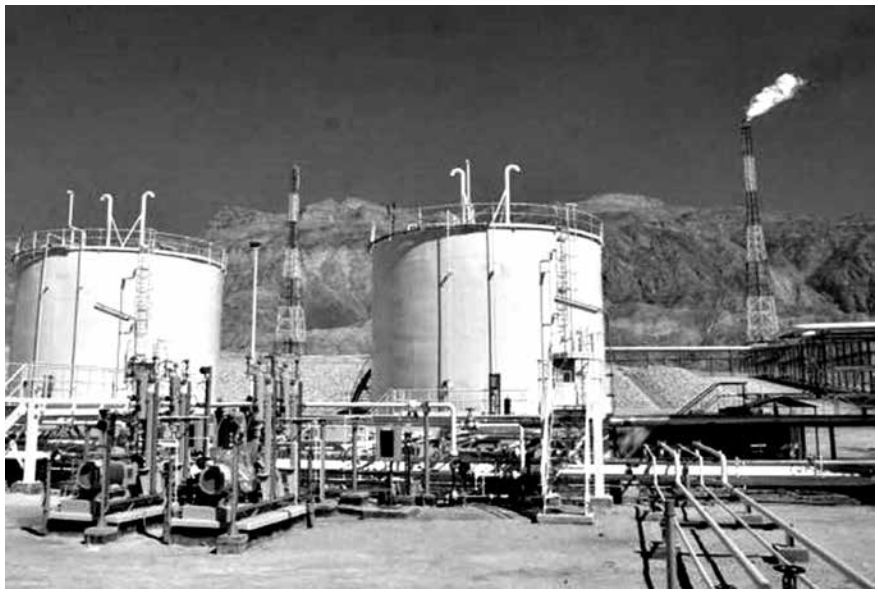

بازار گاز اروپا و کمتر از یک درصد بازار امریکا را به خود اختصاص داده، اما اخیراً فعالیت هایی از طرف خریداران برای توسعه شبکه های تولید، فرآورش و انتقال گاز مایع در اروپای جنوبی و تا حدودی در امریکا برای تأمین امنیت عرضه سوخت های خود با استفاده از گسترش ظرفیت عرضه کنندگانی مانند نیجریه، ترینیداد و نزوئلا در این ناحیه و قطر و استرالیا در ناحیه آسیایی صورت گرفته است.

بررسی وضعیت بازار گاز طبیعی جهان در یک دوره بلندمدت (تا سال ۲۰۲۰) و در قالب هفت منطقه جغرافیایی با درنظرگرفتن مشخصه های اقلیمی، اقتصادی، سیاسی و ... به تفصیل انجام گرفته است. متغیرهای تأثیرگذارنده بر پتانسیل عرضه گاز طبیعی در جهان را به طور کلی می توان به دو دسته تقسیم کرد: یک دسته متغیرهایی که به طور عام در کلیه مناطق دارای اثر مشابهی بر عرضه خواهند بود (مانند چگونگی رشد اقتصادی و...) دسته

یکی از متغیرهای مؤثر بر عرضه گاز طبیعی در مناطق مختلف جهان، موضوع بهبود تکنولوژی حفاری و تولید و اکتشاف گاز طبیعی است.

دیگر متغیرهایی هستند که تنها به لحاظ خاص اقلیمی، سیاسی و اقتصادی و... در هر منطقه بر عرضه آن منطقه خاص تأثیر خواهند گذاشت. وجود چنین متغیرهایی اگرچه جهت بهبود عرضه در آن مناطق خاص ضرورت خواهد داشت، لیکن برای سایر مناطق به عنوان یک شرط لازم (در مقطع مورد بررسی) مطرح نخواهند بود (مانند قوانین محدودکننده محیطی، بهبود تکنولوژی حفاری و اکتشاف و تولید منابع گاز و...) در این بررسی چگونگی تأثیر متغیرهای مؤثر بر عرضه گاز طبیعی در مناطق مختلف با توجه به شرایط خاص هر منطقه به تفکیک مورد توجه و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. مهمترین متغیرهای مورد نظر در این بررسی به شرح زیر می باشند:

- شرایط آب و هوایی هر منطقه.
- سیاست های حال و آینده انرژی هر منطقه در رابطه با چگونگی الگوی مصرف انرژی در دوره های مختلف و نیز سیاست جایگزینی انواع انرژی ها، به خصوص در بخش گاز طبیعی.
- سیاست های صرفه جویی در مصرف انرژی، به خصوص گاز طبیعی.
- چگونگی امکانات توسعه انتقال و توزیع گاز طبیعی به مصرف کنندگان نهایی، شبکه های توزیع و انتقال داخلی و... امکانات

صادراتی.

– چگونگی قراردادهای عرضه گاز طبیعی در زمان حال و آینده و با توجه به برنامه توسعه صادرات در هر منطقه.

– درصد بستگی به صادرات گاز طبیعی.

– حجم ذخایر گاز طبیعی در هر منطقه.

– نرخ تهی شدن منابع داخلی گاز.

– قوانین هر منطقه در رابطه با مسایل زیست محیطی.

– بهبود تکنولوژی حفاری و تولید و اکتشاف گاز طبیعی.

– چگونگی تأمین مالی طرح های بالادستی بخش گاز طبیعی.

سناریوهای مفروض در این بررسی برای کلیه مناطق دنیا، به استثنای اروپای مرکزی و شرقی به کار رفته است.

تولید گاز در شوروی سابق تا حد بسیار زیادی به چگونگی مسایل سیاسی در فدراتیو روسیه بستگی دارد. بنابراین، تمایز بین سناریوهای عرضه بالا و پایین برای اروپای مرکزی و شرقی براساس قیمت های بازار جهانی نفت خام نیست، بلکه به دو مجموعه مفروضات در ارتباط با مناسبات اقتصادی و سیاسی در فدراتیو روسیه بستگی دارد.

پیش بینی میزان تقاضای گاز طبیعی در جهان حاکی از آن است که تا سال ۲۰۲۰ موضوع قیمت اساسی ترین نکته در تعیین محدوده تقاضا است. پیش بینی میزان رشد مصرف انرژی که متأثر از رشد اقتصادی است نیز یکی دیگر از عوامل مؤثر در این امر بشمار می آید. در هر دوی این عوامل، فرض قیمت نفت نکته مهمی در برآورد نهایی قیمت گاز بشمار می رود.

توسعه منابع گازی کشور و تبدیل ذخایر گازی به منابع قابل بهره برداری و دردسترس با کمیات پیش بینی شده هم مستلزم سرمایه گذاری عظیم در این بخش و تحول بنیادی تکنولوژیک آن است و از همین روی گسترش و تعمیق همکاری های بین المللی منطقه ای، از جمله شرایط اساسی توفیق در اجرای برنامه های طراحی شده و دگرگونی در مبانی فنی تولید و جلب سرمایه در بخش انرژی به طور عام و بخش گاز به طور خاص است. چنین فرآیندی ناگزیر مستلزم بازآرایی صنعت نفت و گاز کشور و انطباق آن با شرایط جدید فنی، اقتصادی و تجاری در سطح بین المللی است.

ادامه دارد

ایران در حال حاضر، دومین کشور دارندهٔ ذخایر گاز طبیعی جهان بشمار می آید و یکی از گزینه های پیش رو برای استفاده از این ذخایر و ایجاد ارزش افزوده مناسب برای آنها نیز تبدیل گاز طبیعی به فرآورده های نفتی در یک فرآیند GTL (Gas to liquid) است.

کاربردهای نیروگاه های حرارتی خورشیدی

نیروگاه های حرارتی خورشیدی به پنج دسته تقسیم بندی می شوند:

- نیروگاه های سهموی خطی (Parabolic Trough)
- نیروگاه های دریافت کنندهٔ مرکزی (CRS)
- نیروگاه های بشقابک سهموی (Parabolic Dish)
- نیروگاه های دودکش خورشیدی (Solar Chimney)
- نیروگاه کلکتورهای فرنل (Fresnel Collector)

نیروگاه های سهموی خطی

نیروگاه های حرارتی خورشیدی از نوع سیستم کلکتور سهموی خطی، شامل ردیف های موازی و طولانی از متمرکزکننده ها می باشند. بخش متمرکزکننده، شامل سطوح انعکاسی سهموی است که از جنس آینه های شیشه ای تشکیل شده و روی یک مادهٔ سازهٔ نگهدارنده قرار می گیرند. دریافت کننده از لوله های جاذب با پوشش مخصوص تشکیل شده که به وسیله شیشه پیرکس پوشانده می شوند و در طول خط کانونی قرار می گیرند. بخش دریافت کننده در قسمت های انتهایی روی دو تکیه گاه قرار گرفته و این مجموعه روی تیرک های اصلی سازه سوار است. سیستم ردیابی خورشید در این دستگاه ها تک محوره بوده و ردیابی خورشید از شرق به غرب انجام می گیرد، به گونه ای که پرتوهای خورشید در تمام مدت ردیابی بر روی لوله های جاذب منعکس شوند. یک سیال انتقال حرارت روغن با دمای حدود ۴۰۰ درجه سانتیگراد هم از میان لوله های جاذب در جریان می باشد و روغن داغ در مبدل های حرارتی آب را به بخار تبدیل کرده و بخار سوپرهیت طی عبور از توربین ژنراتور، انرژی الکتریکی تولید می کند. این نوع نیروگاه ها، با ذخیره حرارت، قابلیت تولید برق را حتی در مواقعی که خورشید غروب نموده است، دارا می باشند.

اجزای اصلی نیروگاه های سهموی خطی به شرح زیر است:

– منعکس کننده از نوع آینه های سهموی.

– دریافت کننده تابش خورشیدی که پرتوهای منعکس شده را جذب کرده و موجب گرمایش سیال انتقال دهنده گرما می شود.

– مکانیزم حرکت دهنده (تک محوری) کلکتورهای سهموی به منظور ردیابی خورشید و کنترل کننده ها.

– اسکلت فلزی نگهدارنده و فونداسیون.

– سیستم های مربوط به تولید قدرت الکتریکی.

– تجهیزات مربوط به انتقال گرما.

– تجهیزات مربوط به تولید الکتریسیته و دفع گرمای تلف شده به محیط خارج.

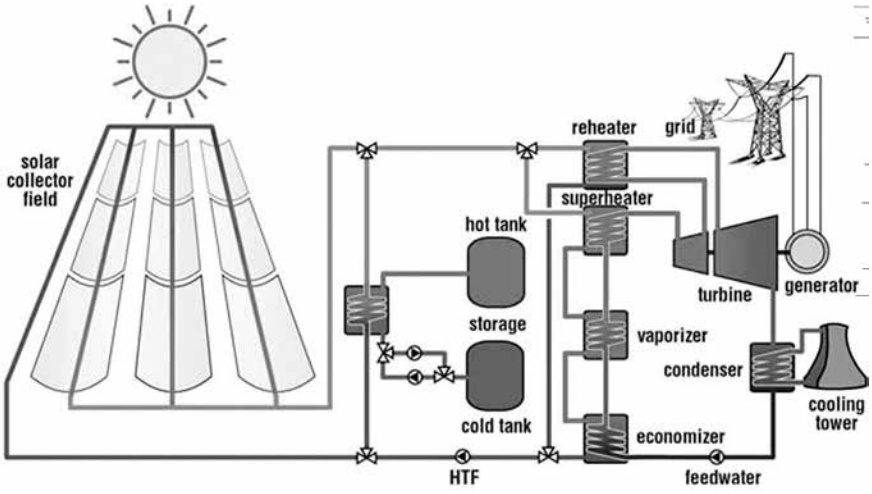

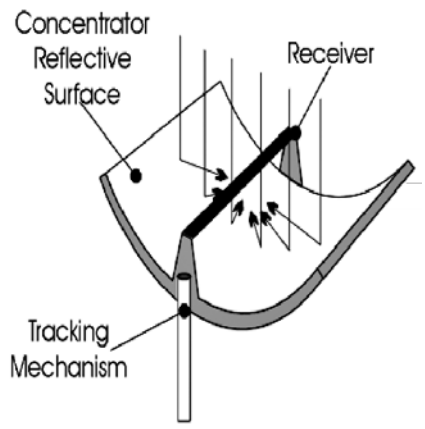

نیروگاه های حرارتی خورشیدی، می توانند از طریق ذخیره حرارت، حتی در مواقعی که خورشید غروب نموده است، برق تولید نمایند.

نیروگاه های دریافت کننده مرکزی

این سیستم شامل مجموعه‌ای از آینه هایی است (هلیوستات) که هریک به طور جداگانه انرژی خورشید را متمرکز و به برج دریافت کننده مرکزی منتقل می کنند. انرژی توسط یک مبدل حرارتی که در روی یک برج نصب شده است و گیرنده نامیده می شود، جذب می گردد. در آنجا آب به بخار سوپرهیت تبدیل شده و این بخار توربین ژنراتور را که در پایین برج نصب شده، به حرکت در آورده و تولید برق می نماید.

اجزای اصلی نیروگاه های دریافت کننده مرکزی عبارتند از:

– هلیوستات یا سیستم گردآورنده پرتوهای خورشیدی شامل مزرعه‌ای از هلیوستات ها از نوع شیشه ای یا غشایی.

–دریافت کننده مرکزی که گرمای پرتوهای خورشیدی را جذب و قابل استفاده می نماید.

– سیستم انتقال انرژی گرمایی که گرمای وارده به گیرنده را جذب نموده و به گردش وامیدارد. شایان ذکر است که در طرح های اولیه، از آب و بخار به عنوان سیال جذب کننده و انتقال دهنده انرژی گرمایی استفاده می شد و در طرح های توسعه یافته تر از سیالاتی چون نمک های سدیم و پتاسیم مذاب استفاده می شود.

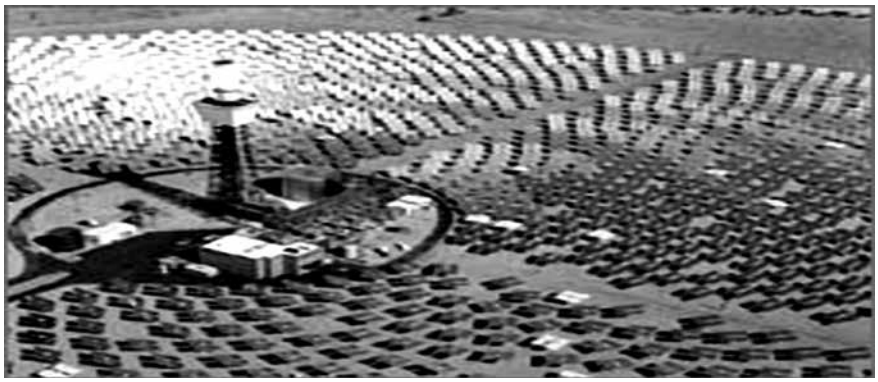

نیروگاه های بشقابک سهموی

پرتوهای خورشید تابیده شده بر روی سطح متمرکزکننده سهموی در کانون آن جمع می شود. برای اینکه چنین سیستمی پربازده باشد، لازم است که این گردآورنده همواره به طرف خورشید ردیابی شود و درنتیجه، به یک مکانیسم ردیابی دومحوره نیاز دارد. در این سیستم، نور خورشید در یک نقطه کانونی متمرکز میشود و یک موتور استرلینگ انرژی حرارتی این تشعشع تمرکزیافته را به انرژی مکانیکی تبدیل می کند و به کمک یک آلترناتور از این انرژی مکانیکی، الکتریسیته تولیدمی شود.

یکی از اجزای اصلی نیروگاه های بشقابک سهموی، سازه و فونداسیونی سبک و با استحکام است برای نگه داشتن سطح متمرکزکننده، موتور استرلینگ و سایر اجزای سیستم و تحمل بارهای اینرسی، باد و زلزله.

اجزای اصلی نیروگاه های بشقابک سهموی عبارتند از:

– سطح متمرکزکننده که وظیفه اش متمرکزکردن شعاع های نور خورشید در نقطه کانونی است.

–موتور استرلینگ که انرژی گرمایی تمرکز یافته نور را به انرژی مکانیکی تبدیل کرده و توسط یک آلترناتور از آن الکتریسیته تولید می شود. این موتورها با سیستم های دما بالا و پرفشار با انتقال حرارت خارجی هستند و گاز هلیوم یا هیدروژن به عنوان سیال عامل آنها عمل می کند. بهترین عملکرد انواع این موتورها در دماهای بالای ۷۰۰ درجه سانتیگراد و فشارهایی تا ۲۰ مگاپاسکال انجام می شود.

– ردیاب و سیستم کنترل که سیستم ردیاب همواره سطح متمرکزکننده را در مقابل خورشید قرار می دهد تا نور دقیقاً در دریافت کننده موتور استرلینگ تمرکز یابد. به علاوه، سیستم کنترل با دریافت اطلاعات از سنسورهای مختلف و همچنین موتور استرلینگ، در هر وضعیت فرمان مناسبی را برای کنترل سیستم ارسال می نماید.

– سازه و فونداسیون سبک و با استحکام، برای نگه داشتن سطح متمرکزکننده، موتور استرلینگ و سایر اجزای سیستم و تحمل بارهای اینرسی، باد و زلزله.

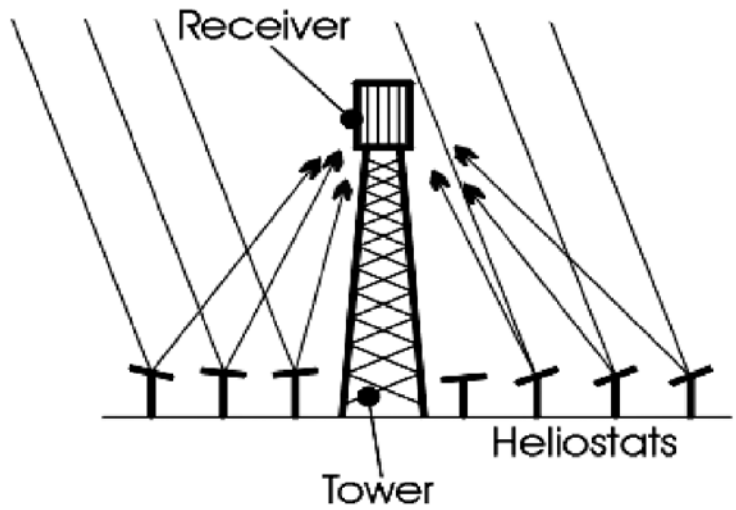

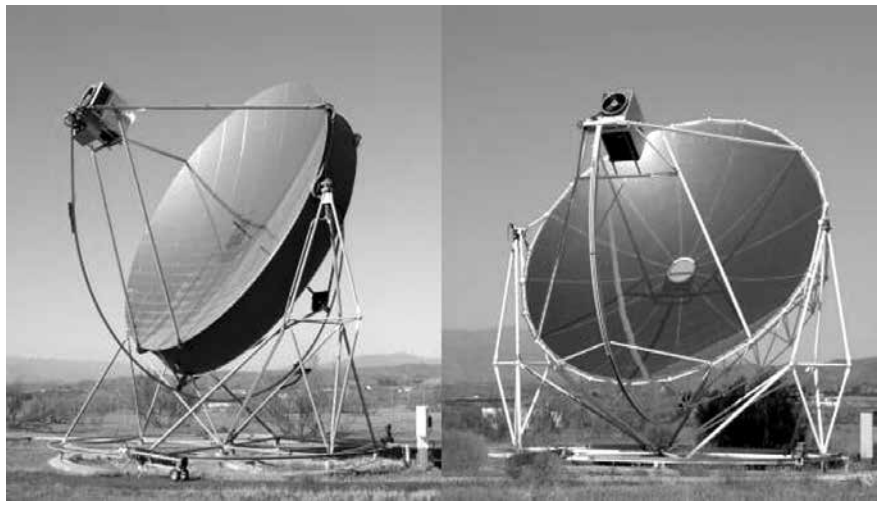

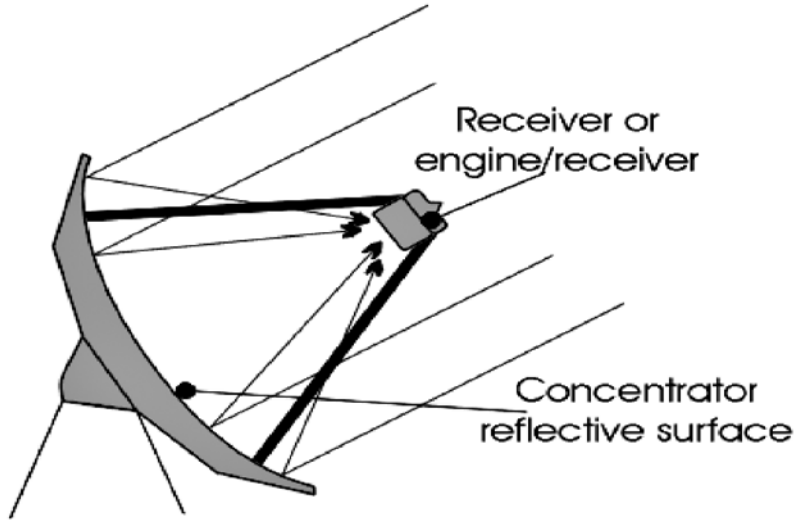

برق توسط ژنراتور می شود.

نحوه عملکرد نیروگاه های حرارتی دودکش خورشیدی بدین نحو است که تابش خورشید موجب گرم شدن هوا در زیر سقف هادی نور (شفاف) که برج مرکزی را احاطه کرده است، می شود. در مرکز این سقف، یک برج عمودی با دهانه ورودی عریض واقع شده است. محل اتصال این برج با سقف شیشه ای باید به نحوی ساخته شود که در مقابل نفوذ هوا مقاوم باشد. هوای گرم سبک تر از هوای سرد است، لذا از برج بالا خواهد رفت. با مکش هوای گرم به بالای برج، هوای سرد مجدداً از فضای خارجی سقف وارد آن خواهد شد. این جریان مداوم هوا را با استفاده از توربین های پل های فشار تبدیل به انرژی مکانیکی و سپس توسط ژنراتورهای مرسوم برق تولید می کند. شکل زیر، نمایی از شماتیک عملکرد این نوع نیروگاه های خورشیدی را نشان می دهد. برای تولید ۲۴ ساعته برق در این نیروگاه، می توان از لوله های حاوی آب و یا محفظه های آب در زیر سقف استفاده نمود. این لوله ها یا محفظه ها تنها یک بار از آب پر می شوند و هیچ نیازی به آبگیری مجدد ندارند.

نیروگاه های دودکش خورشیدی

نیروگاه دودکش خورشیدی، یک نیروگاه خورشیدی است که از ترکیب کلکتورهای هوای خورشیدی و برج هدایت کننده هوا برای تولید جریان هادی القایی هوا استفاده می کند و این جریان هوا موجب چرخش توربین های پل های فشار و در نهایت، تولید

نیروگاه دودکش خورشیدی، یک نیروگاه خورشیدی است که از ترکیب کلکتورهای هوای خورشیدی و برج هدایت کننده هوا برای تولید جریان هادی القایی هوا استفاده می کند.

شماتیک عملکرد نیروگاه های حرارتی دودکش خورشیدی

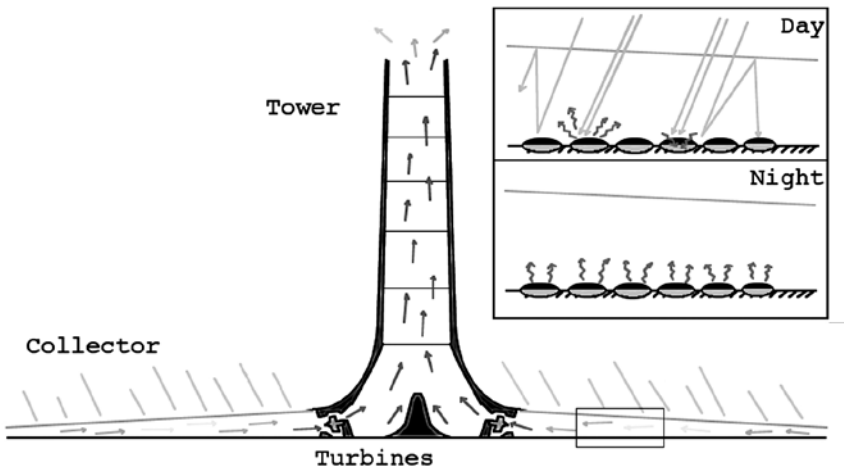

اجزای اصلی یک دودکش خورشیدی به شرح زیر است:

– سقف نیمه شفاف (مثلاً شیشه ای) که در ارتفاع چندمتری زمین نصب می شود.

– دودکش مرتفع که در مرکز سقف شیشه ای قرار می گیرد.

– توربین های بادی که در پایهٔ دودکش قرار می گیرند.

– زمین که با روکش مناسبی پوشانده می شود.

نیروگاه کلکتورهای فرنل

در اینگونه نیروگاه ها، از کلکتور فرنل برای متمرکزکردن نور خورشید روی لوله گیرنده استفاده می شود.

در این نیروگاه همانند نیروگاه های سهموی خطی، کلکتورها به صورت خطی و در جهت شمال جنوب نصب می شوند. کلکتورهای آن هم تعداد زیادی آینه تخت با پهنای کم و طول زیاد هستند که کنار همدیگر قرار می گیرند. زاویه قرارگیری هر کدام از آینه ها به صورتی است که بازتاب نور خورشید را روی بخش دریافت کننده متمرکز کند. در بخش دریافت کننده یک بازتاب دهنده ثانویه از نوع جفت سهموی قرار دارد که بازتاب آینه ها را جمع آوری کرده و روی لوله گیرنده می تاباند و با گرم شدن لوله گیرنده، سیال داخل آن گرم می شود.

عملکرد برای اینگونه نیروگاه های

در نیروگاه از نوع کلکتورهای فرنل نیز همانند نیروگاه های سهموی خطی، کلکتورها به صورت خطی و در جهت شمال- جنوب نصب می شوند.

خورشیدی ممکن است به دو صورت باشد: در سیستم های متداول سیال عامل داخل لوله گیرنده روغن است که پس از داغ شدن به مبدل های حرارتی منتقل شده و سپس موجب تولید بخار می شود، اما در نوع دیگر که نوع بخار مستقیم (direct steam) نامیده می شود، طول کلکتورها بیش از یکصد متر می باشد. از یک طرف لوله دریافت کننده آب وارد شده و از طرف دیگر بخار خارج می شود و نیازی به سیستم های جانبی اضافی نیست.

مأخذ: سازمان انرژی های نو ایران (سانا)
www.suna.org.ir

مجله توسعه تاسیسات و تجهیزات

هم از انتقادات و پیشنهادهای شما استقبال می کند

و هم از آگهی های شما! منتظرتان هستیم.

تصفیه و سالم سازی آب استخر

بخش دوم

در شماره گذشته، شرح مختصری در مورد صافی های شنی که معمول ترین انواع صاف کننده آب هستند، داده شد. در این شماره نیز به خاطر تکمیل مطلب، شرح مختصری در بارهٔ صافی های دیاتمیک که از روش های دیگر سالم سازی آب استخر می باشند، تقدیم خوانندگان گرامی می شود.

در صافی های دیاتمیک، به جای شن و ماسه از نوعی خاک سیلیسی خالص استفاده می شود که از بقایای متراکم شده فسیل های موجودات مخصوص ریز دریایی است که در کف دریاها و پاره ای از جریان های آرام و قدیمی آب شیرین یافت می شوند. این خاک های سیلیسی خالص در انگلیسی به نام diatomaceous earth و در آلمانی به نام kieselguhr شناخته می شوند.

از نظر شیمیایی، سیلیس خالص sio_2 است و از نظر ساختاری از دیواره ها و حفره های بسیار ریز میکروسکوپی تشکیل شده که ماده ای بسیار مناسب برای صاف کردن، یعنی جدانمودن ذرات ریز اجسام خارجی شناور در آب می باشد و به خاطر ساختار میکروسکوپی اش، به راحتی ذرات میکروسکوپی موجود در آب را جذب جدار حفره های میکروسکوپی می کند و در مقام مقایسه با صافی های ماسه ای، بیش از دو برابر کارآمدی دارد، به خصوص که شستشوی این صافی بسیار سریع است و نیاز به حجم بالای آب برای پس شویی های طولانی

سیلیس خالص، ماده ای است بسیار مناسب برای صاف کردن، یعنی جدانمودن ذرات ریز اجسام خارجی شناور در آب و در مقام مقایسه با صافی های ماسه ای، بیش از دو برابر کارآمدی دارد.

ندارد، به طوری که اگر پس از مدتی کارکرد موجب تقلیل فشار در قسمت خروج آب از صافی شود که نماینده جمع شدن رسوب در سطح صافی است، حتی خاموش کردن پمپ موجب می شود که قسمتی از ذرات آلاینده که روی سطح عناصر صافی جمع شده اند، به خاطر عدم چسبندگی، سطح صافی را رها نموده و در قسمت زیرین پوسته جمع شوند و بسیار آسانتر از مورد صافی های ماسه ای قابل تخلیه از محفظه پوسته صافی خواهند شد.

مزیت دیگر این نوع صافی های ماسه ای، جلوگیری طبیعی از مزاحمت هایی است که مواد چسب مانند (کلوییید) حل شده در آب ایجاد می کنند و بیشتر این مواد که از میکرو ارگانیسم ها و باکتری ها تشکیل شده اند. هنگامی که خواسته باشیم از صافی های شنی استفاده کنیم، حتماً لازم است از مواد دلمه کننده مانند زاج سفید (که سولفات مضاعف پتاسیم–آلومینیم است) استفاده کنیم، ولی در مورد صافی های دیاتمیک، نیازی به استفاده از مواد دلمه کننده نیست، زیرا ابعاد ذرات کلوییید بزرگتر از مجاری میکروسکوپی خاک فسیل دیاتمیک است و به همین دلیل، ذرات کلوییید نمی توانند موجب انسداد مجاری میکروسکوپی صافی شوند.

شایان ذکر است که هزینه های دوران بهره برداری این نوع صافی ها با صافی های شنی برابر است، ولی بهای خرید این صافی ها حدوداً پنج برابر انواع شنی و ماسه ای است و برای آنکه طول مدت بهره برداری بتواند تفاوت سرمایه گذاری در خرید را جبران نماید، لازم است که مواد مقاومی در ساخت و تمهیدات لازمی در شرایط بهره برداری از آن مورد نظر

باشد، مثلاً به خاطر جلوگیری از زنگ زدگی در سطح داخلی پوسته پوشش داخلی آن با یک لایه محافظ پلاستیکی (پلی وینیل) و به خاطر جلوگیری از واکنش های الکترولیتی که منجر به خوردگی بدنه می شود، در داخل محفظه صافی به جای یکی از المان های صافی، یک آنود منیزیم جای می دهند و بدنه صافی را از خارج به سیم زمین متصل می کنند. بدیهی است که این آنود منیزیم بایستی هر چندوقت یکبار مورد بازبینی قرار گیرد تا در صورت لزوم تعویض شود.

قدرت صاف کردن این نوع صافی ها برای هر مترمربع از مجموع سطوح المان های صافی، معادل ٤/٩ مترمکعب در ساعت است که در مقایسه با قدرت صاف کردن صافی های شنی که معادل ١/٨٢ مترمکعب در ساعت برای هر مترمربع سطح مقطع داخلی پوسته است، معادل ٢/٧ برابر می باشد. البته توجه خواهند فرمود که سطح صافی در نوع دیاتمیک، معادل مجموع سطح المان هاست و نه سطح مقطع پوسته که در مورد صافی های شنی مورد نظر می باشد.

بدیهی است که تصفیه آب استخرها محدود به جداکردن ذرات بسیار ریز نمی شود و امکان دارد که در طول بهره برداری از استخر، اجسام دیگری مانند مو، قطعات پارچه، برگ درختان و ذراتی همراه با وزش باد، به آب استخر وارد شوند که آنها هم بایستی مورد توجه قرار گیرند و قبل از ورود به پمپ اصلی، توسط توری های متناسب از آب استخرها جدا شوند. به علاوه، در طول بهره برداری امکان دارد که انواعی از باکتری ها هم به آب استخر اضافه شوند. بنابراین، ضدعفونی کردن مرتب و دقیق آب نیز الزامی است.

لازم به یادآوری است که ضدعفونی کردن به دو روش انجام پذیر است: روش اول، اضافه کردن مواد گندزدا به آب است و روش دوم، گندزدایی با تابش پرتوهای مافوق بنفش. ذیلاً شرح مختصری برای هرکدام به نظر خوانندگان گرامی می رساند.

برای ضدعفونی کردن آب به روش

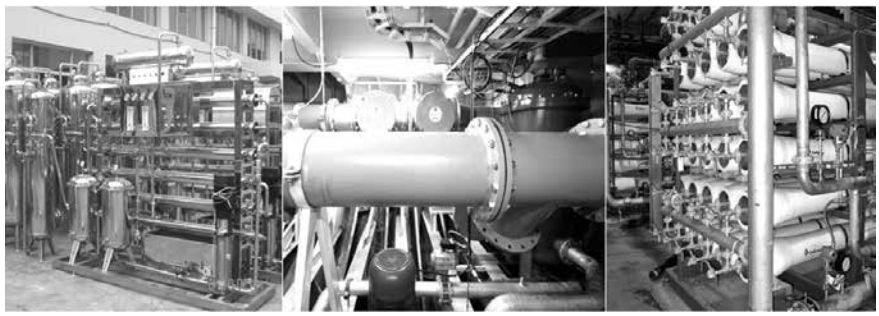

تصفیه آب استخرها محدود به جداکردن ذرات بسیار ریز نمی شود، چون امکان دارد که در طول بهره برداری از استخر، اجسام دیگری مانند مو، قطعات پارچه، برگ درختان و ذراتی همراه با وزش باد، به آب استخر وارد شوند که آنها هم بایستی مورد توجه قرار گیرند و قبل از ورود به پمپ اصلی، توسط توری های متناسب از آب استخرها جدا شوند.

اضافه کردن مواد ضدعفونی کننده، به طور خلاصه می توان گفت که بدین منظور به طور متداول از دو ماده اصلی استفاده می شود: یکی گاز ازن است و دیگری گاز کلر. فرق ازن که از اتم های اکسیژن ساخته می شود، با اکسیژن در آن است که هر مولکول اکسیژن از دو اتم اکسیژن تشکیل شده، در صورتی که مولکول ازن حاصل ترکیب سه اتم اکسیژن است، ولی این ترکیب ناپایدار است و در زمانی محدود به اکسیژن معمولی تبدیل می شود.

استفاده از گاز اُزُن

گاز ازن را می توان از اکسیژن مخلوط در هوا در مجاورت جرقه های الکتریکی تولید کرد. همانطور که گفته شد، علامت شیمیایی آن O_3 است که قدرت بسیار زیادی برای از بین بردن موجودات میکربی دارد. زمان پایداری آن پس از تولید و پخش در آب، چند دقیقه است و پس از آن، به اکسیژن تبدیل می شود. مزیت استفاده از آن برای گندزدایی آب بیشتر در آن است که هیچ ماده شیمیایی احتمالاً مضر برای پوست و بدن انسان، به طور ماندگار به آب اضافه نمی شود و کاربرد آن

برای استخرهای بزرگ و پرمشتری هم دقت در آزمایش مرتب و دوره ای آب استخر است و در صورت توقف های طولانی در استخرهای بزرگ نیاز به مدت زمان بیشتری برای دستیابی به سالم شدن آب دارد.

استفاده از گاز کلر

برای گندزدایی آب استخر از گاز کلر به دو صورت استفاده می شود:

الف) استفاده مستقیم: در این روش، از کپسول های گاز کلر مایع و دستگاه قابل تنظیم کوچکی برای تزریق مقدار دلخواه به آب استخر استفاده می شود و بنظر می رسد که چنانچه باقی مانده کلر فعال در آب استخر پنج قسمت در میلیون باشد، آب استخر از گزند عوارض میکربی بدور خواهد ماند. در شرایط فعلی و در بیشتر استخر ها، از گاز کلر برای گندزدایی آب استفاده می شود.

ب) استفاده از پودر و یا قرص ترکیب کلر با آهک: این ترکیب ناپایدار است و در صورت حل شدن در آب، کلر آن آزاد شده و آهک آن در آب حل می شود و کلر آزاد شده با قدرت ضدعفونی کنندگی کافی، میکروب ها را ازبین می برد و آهک تولیدشده هم سهم کوچکی از سختی آب را که به خاطر وجود بی کربنات کلسیم محلول در آب است، می کاهد. بنابراین، بهتر است این طرز کلرزنی قبل از پمپ انجام شود تا رسوبات تولیدشده کربنات کلسیم ضمن گذر از صافی ها از آب استخر جدا شوند. بدیهی

است که پودرها و قرص های کلر در طول زمان مقداری از کلر ترکیبی را ازدست می دهند و فقط نباید با اندازه گیری مقدار پودر و یا تعداد قرص ها کلرزنی انجام شود و لازم است با اندازه گیری مرتب کلر باقی مانده در آب استخر، مقادیر لازم پودر اضافی به استخر تنظیم شود. فراموش نشود که گاز کلر بسیار سمی است و آثار آن روی مجاری تنفسی و چشم ها بسیار مخرب است و می تواند موجب مسمومیت و مرگ شود. بنابراین، لازم است که عملیات کلرزنی با نهایت احتیاط و دور از هرگونه تماس با آن و نیز جلوگیری کامل از پراکنده شدن گاز کلر به هر مقدار در فضاهای کلرزنی با احتیاط و دقت تمام انجام شود.

پرتوهای ماورای بنفش می توانند باعث ازبین بردن میکروب ها شوند. بزرگترین مزیت این روش هم در آن است که هیچ ماده شیمیایی به آب اضافه نمی شود و هیچگونه عوارض جنبی برای پوست بدن و چشمان استفاده کننده ندارند.

گندزدایی آب استخر به وسیله تابش های ماورای بنفش

پرتوهای ماورای بنفش نیز می توانند باعث از بین بردن میکروب ها شوند. بزرگترین مزیت این روش در آن است که هیچ ماده شیمیایی به آب اضافه نمی شود و آب استخرهایی که با این روش گندزدایی می شوند، هیچگونه عوارض جنبی روی پوست بدن و چشمان استفاده کننده ندارند. بدیهی است که عملکرد درست آن ها نیز بایستی همراه با کنترل های دقیق و مرتب آب استخر باشد و شاید به خاطر اطمینان بیشتر بوده است که در تعداد بالایی از استخرها، استفاده از اشعه مافوق بنفش را با اضافه نمودن ازن به آب استخر همراه می نمودند.

تدوین: گروه مقالات فنی مجله

بحران های اقتصاد ایران

بخش دوم از سخنان دکتر محسن رنانی، دانشیار اقتصاد دانشگاه اصفهان

اشاره

پول دیگر نیست درمان، اقتصاد خسته را با تفاهم چاره باید کرد این پربسته را

قسمت اول این بحث که در شمارهٔ قبل چاپ شد، با شعری که در بالا ملاحظه فرمودید، آغاز شد و با این جمله هم به پایان رسید: چون فضای سیاسی و اجتماعی ایران عامل رکود اقتصادی نبوده، لذا خروج اقتصاد ایران از رکود هم بستگی به این دارد که ارزیابی مردم از فضای سیاسی و اجتماعی آینده ایران چه باشد.

از زمان چاپ آن شماره تا این شمارهٔ مجله، سه ماه گذشته، ولی این گزاره هنوز اعتبار خود را حفظ کرده است، دلیل آن هم خیره ماندن چشم ها به سوی نتیجه مذاکرات هیأت دیپلماتیک ایران با نمایندگان کشورهای ۵+۱ در اتاق های خلوت ژنو و وین و در خیابان های شلوغ پاریس است، واقعیتی حاکی از این که در هر حال- چه بد و چه خوب و چه بخواهیم و چه نخواهیم- در حال حاضر مناسبات سیاسی، هم در سطح داخلی و هم در قلمرو منطقه ای و بین المللی، به متغیر اصلی در جامعه ایران تبدیل شده و همه شوونات مملکت، از جمله اوضاع و احوال اقتصادی امروز و سرنوشت اقتصادی آینده مان، به طرّهٔ گیسوی این لعبت عیار گره خورده است و در هر وضع و حالی که هستیم و باشیم، چاره ای نداریم جز اینکه اقتصاد را در قاب و قالبی از سیاست بنشانیم و مورد ارزیابی قرارش دهیم.

اینک توجه شما را به قسمت های دیگری از سخنان دکتر محسن رنانی در این زمینه جلب می کنیم، سخنانی که چندی پیش در یک مجمع اقتصادی بیان شد.

مصایب اقتصادی دولت یازدهم

اما ببینیم در بُعد اقتصادی کجا هستیم و دولت آقای روحانی از منظر اقتصادی با چه مسایلی روبروست و چه چشم‌اندازی در مقابل آن است، یعنی فعلاً که مردم در فاز ارزیابی هستند و هنوز وارد فاز کنش نشده اند، وضعیت اقتصاد چگونه است؟ و بعد که وارد کنش می شوند، چه خواهد شد؟

در بُعد اقتصادی، یک مساله این است که با سیاست های مرسوم اقتصادی، امکان تحرک اقتصاد ایران وجود ندارد. به عنوان مثال، قواعد رانندگی مربوط به وقتی است که شرایط خیابان های شهر عادی است، اما اگر خیابان های شهر را سیل گرفته باشد که دیگر نمی شود با اعمال قواعد معمول رانندگی، تردد شهر را سازمان داد، باید راه های تازه ای یافت. من نمی دانم چرا مقامات اقتصادی کشور گمان می کنند با اجرای فاز دوم هدفمندی به روش های مرسوم، مثلاً با جمع کردن نقدینگی، می توانند تورم را کنترل کنند. من نمی فهمم چه استدلالی پشت این قضیه است. در شرایط عادی اقتصادی، می توان تورم را با جمع آوری نقدینگی کنترل کرد، اما الآن ما در شرایط عادی نیستیم. نخست این که دیگر ابزارهای موثری برای جمع آوری نقدینگی نداریم و دوم این که اگر شما نقدینگی را جمع آوری کنید، به رکود دامن می زنید، و سوم این که اگر مقداری از نقدینگی را هم جمع آوری کنید، تورم الزاماً کنترل نمی شود، چون در دولت قبلی سوخت عظیمی زیر دیگ این تورم گذاشته شده که به علت نرسیدن اکسیژن، هنوز این سوخت به طور کامل شعله ور نشده و انرژی آن تخلیه نشده است. آن سوخت چیست؟ هفت برابرشدن نقدینگی در هشت سال اخیر است، یعنی نقدینگی از حدود ۷۰ هزار میلیارد تومان، به بالای ۵۰۰ هزار میلیارد تومان رفته است. چنین نقدینگی عظیمی در این هشت سال به عنوان سوخت زیر دیگ اقتصاد ایران قرار داده شده، اما در همان دوره، تورم و فشار تورمی آن خارج نشده است. وقتی نقدینگی تزریق می شود، به دو روش اثرش خنثا می شود: یا باید تولید متناسب با نقدینگی بالا برود که در این هشت سال، تولید کشور تقریباً بالا نرفته است، چون برخی سال ها رشد مثبت و برخی سال ها رشد منفی داشته است. این را از روی ثابت بودن اشتغال کل کشور در این هشت سال هم می توان دریافت، یا اینکه باید

دکتر محسن رنانی: آن نقدینگی که در دولت نهم و دهم زیر دیگ اقتصاد ایران قرار داده شده، هنوز انرژی اش به طور کامل آزاد نشده است.

قیمت ها متناسب با رشد نقدینگی، بالا برود. اما در حالی که در این هشت سال نقدینگی حدود ۶۵۰ درصد بالا رفته است، رشد شاخص قیمت ها حدود ۴۲۰ درصد بوده است، یعنی تورم حدود ۲۳۰ درصد کمتر از نقدینگی بالا رفته است. پس آن نقدینگی که در دولت نهم و دهم زیر دیگ اقتصاد ایران قرار داده شده، هنوز انرژی اش به طور کامل آزاد نشده است. اینکه فکر کنیم اگر ما مقداری اوراق مشارکت بفروشیم، نقدینگی را می توانیم کنترل کنیم، این خیال خامی است: اول این که فروش نمی رود، اگر هم فروش برود، چندان نیست که انرژی آن سوخت عظیم را خنثا کند. پس دست دولت یازدهم در اینجاها بسته است.

مسأله بعد اینکه اقتصاد امروز ایران گرفتار رکود تورمی است. ما اکنون با عمیق ترین دوران رکود تورمی تاریخمان روبرو هستیم. چهل سال است در ایران تورم دو رقمی داریم، جز یک سال، به نظرم در دوره دولت آقای مهندس موسوی. در کل ۴۰ سال گذشته، از سال ۵۲ تاکنون، تورم در ایران دورقمی بوده است، یعنی تنها کشور دنیا هستیم که ۴۰ سال مداوم تورم دورقمی داشته است. کینز، اقتصاددان بزرگ قرن بیستم، می گوید: اگر می خواهید ملتی را نابود کنید، بهترین ابزار، خاموش ترین ابزار و کم هزینه ترین ابزار، کاهش بلندمدت ارزش پول ملی آنهاست، چون همه بنیان های اجتماعی و اقتصادی آنها را می توانید از این طریق نابود کنید. اگر ما امروز در خیلی از حوزه ها به مرز تکینگی رسیده ایم، ریشه های تاریخی دارد، منتها مدیریت نامناسب سال های اخیر، این را تشدید کرده است. مسایل دیگری نظیر بحران بدهی های معوقه بخش خصوصی و بخش دولتی به بانک ها، تعهد پرداخت یارانه نقدی که خودش عامل تشدید کسری بودجه شده است، مساله مسکن مهر و حجم ۱۵۰ هزار میلیارد تومانی کسری سرمایه ای که برای تکمیل آنها لازم است، و ده ها مساله ریز و درشت دیگر از این دست، همه و همه دست به دست هم داده اند و اقتصاد را به سوی بحران می رانند.

بنابراین دولت آقای روحانی، به نوعی در حوزه اقتصاد آچمز است: از یک طرف، نقدینگی قابل جمع کردن نیست؛ از طرف دیگر، دولت با کسری بودجه عظیم روبروست و برای تأمین کسری بودجه اگر بخواهد پول منتشر کند، تورم را شعله ور می کند، نظام بانکی هم نمی تواند کمکش کند، یعنی منابع مازادی ندارد که به دولت قرض بدهد. در واقع، خود نظام بانکی هم با حجم عظیم بدهی های معوقه بدهکار و ورشکسته است. وام خارجی هم نمی تواند بگیرد، چون در شرایط امروز ما سرمایه خارجی هم نمی آید. ممکن است در چهار حوزه که خارج از حوزه سرزمینی است، مثلاً در پارس جنوبی، برخی

شرکت های خارجی با گرفتن امتیازهای کلان بیایند سرمایه گذاری کنند، ولی در داخل سرزمین، این که بیایند و در بخش های مختلف اقتصادی سرمایه گذاری کنند، نه، چنین نیست و سرمایه خارجی نمی آید. در عین حال، انتظارات اقتصادی جامعه از دولت

ما قبول داریم که برخی وعده ها را در شرایط کنونی نمی توانید اجرا کنید، اما با مردم گفتگو کنید و مردم را مجاب کنید.

یازدهم بالاست. جامعه صبور هم نیست، دوره انتظارش کوتاه است. این ها همه مصایبی هستند که این دولت گرفتار آنهاست.

این است که می گوییم اگر سیاستگذاران دولت یازدهم هنری دارند، اگر به دانش و تجربه ای مجهز هستند، از آنها برای خروج اقتصاد ایران از رکود استفاده کنند. اول اقتصاد زمین گیر شده، خسته و فرسوده ایران را از رکود خارج کنند و تورم آن را آرام کنند، بعد به جان آن بیفتند و هر جراحی که خواستند روی آن بکنند. رکود عمیق برای اقتصاد مانند این است که نبض و فشار خون آن پایین افتاده باشد، تورم بالا هم برای اقتصاد مانند تب است. هیچ پزشکی وقتی بیمارش در ضعف مفرط و فشار خون پایین و تب بالا قرار دارد، دست به جراحی او نمی زند.

سه سطح ابهام

الآن یکی از مسایل اصلی اقتصاد که باعث شده است اقتصاد ما از رکود خارج نشود و فعالان اقتصادی افق مثبتی در جلوی اقتصاد نبینند، این است که کشور ما اکنون با سه ابهام در سه سطح روبروست. این سه ابهام چیست؟ ابهام اول، در سطح حکومت است. ظاهراً برخی از اجزای حکومت یا گروه های وابسته هنوز نمی دانند که دولت آقای روحانی، فرصت است یا تهدید. برخی از اجزای حکومت با دولت روحانی، برخورد فرصتی می کنند و آن را فرصت می انگارند، برخی تهدید. طبیعی است که این ابهام به جامعه منتقل می شود، یعنی بخشی از مردم هنوز نمی دانند که دولت روحانی، حاصل یک توافق درون حکومتی برای گذار از بحران هاست، یا حاصل یک اتفاق غیرقابل کنترل و پیش بینی نشده. ادامه چنین ابهامی، روی ارزیابی و رفتار مردم اثر می گذارد. در سطح حکومت آنقدر باید شفاف رفتار شود که مردم از این ابهام خارج شوند. اگر اجزای دیگر نظام از این ابهام خارج نشوند، مردم هم در این ابهام می مانند. آن وقت خواهم گفت که این ابهام منجر به چه رفتارهایی در حوزه اقتصاد خواهد شد، یعنی پیامدهای

مستقیم اقتصادی خواهد داشت این ابهام.

اما ابهام سطح دوم، ابهام در خود دولت یازدهم است. دولت آقای روحانی، تکلیفش با سایر قوا و با جامعه روشن نیست، خیلی در سایه حرکت می کند، استراتژی روشنی، نه در تعامل با جامعه و نهادهای مدنی دارد و نه در رابطه با وعده هایی که در انتخابات داده شده است. ما قبول داریم که برخی وعده ها را در شرایط کنونی نمی توانید اجرا کنید، اما با مردم گفتگو کنید و مردم را مجاب کنید. مردم صداقت را و بیان محدودیت ها را می پذیرند، تنگناها را می فهمند. این کار باید بشود تا جامعه احساس نکند که فریب خورده است، چون جامعه ما

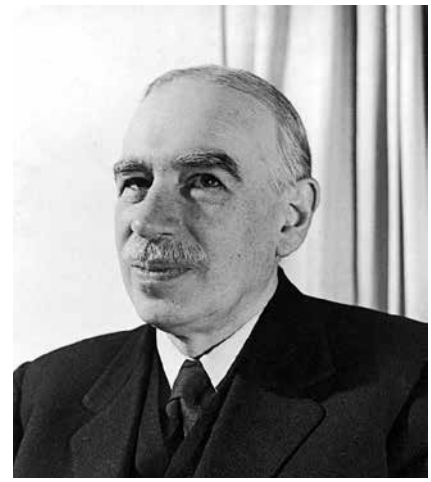

کینز، اقتصاددان بزرگ قرن بیستم، می گوید: اگر می خواهید ملتی را نابود کنید، بهترین ابزار، خاموش ترین ابزار و کم هزینه ترین ابزار، کاهش بلندمدت ارزش پول ملی آنهاست.

جامعه کم صبری است و خیلی زود قضاوت می کند و خیلی زود پشیمان می شود. دقت کنیم که اعتبار دولت و رایی که به آقای روحانی داده شده، رای ایدئولوژیک نیست، رای حزبی هم نیست، بلکه یک رای سلبی است. در رای حزبی و ایدئولوژیک، رای دهندگان انگیزه کافی برای حمایت از دولت- حتی وقتی موفق نیست- دارند و خرابی های آن را لاپوشانی می کنند، اما دوام رای سلبی کوتاه است و به محض دیدن چند خطا یا شکست یا بی وفایی، نظرشان برمی گردد و حتی ممکن است دست به تخریب بزنند. اگر نتوانید اعتماد رای دهندگان را همچنان حفظ کنید، به سرعت از شما می گریزند. بنابراین، این گفتگو باید رخ دهد تا اعتماد مردم جلب شود. مردم در ابهام هستند که آیا دیپلماسی پنهانی در جریان است؟ نکند نمی گذارند روحانی کاری انجام دهد. نکند تبانی بوده است. چرا اینگونه می اندیشند؟ چون گفتگو مختل است. دولت هیچ تولید گفتمانی ندارد. تولید گفتمان که هیچ، گفتگوی عادی هم مختل است. بدون تولید گفتمان، این امید ایجاد شده به سرعت تبخیر می شود و با یکی دو شکست در سیاست ها، تبدیل به ناامیدی یا حتی مخالفت و تعارض می شود. رفتار دولت جوری است که گویی آقای روحانی رودربایستی دارد. برای مدیریت اجتماعی، هم فریب خطرناک است،

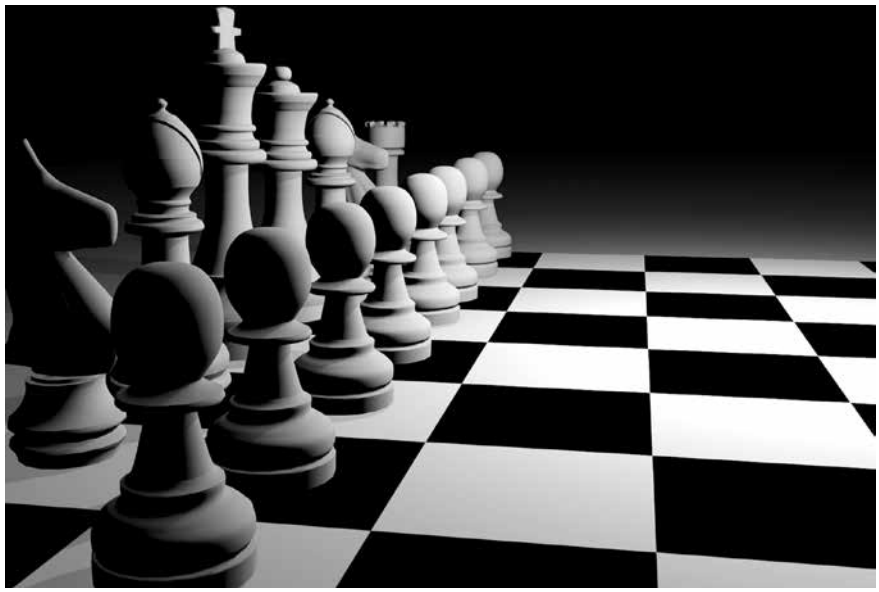

هم رودربایستی. این دولت رودربایستی دارد، رودربایستی هم با نظام هم با مردم. باید گفتگو کرد و بحران ها و مسایل را بیان کرد و کمک خواست.

اما ابهام سطح سوم، ابهام در خود مردم است، یعنی با وجود دو ابهامی که در سطح

بخشی از مردم هنوز نمی دانند که دولت آقای روحانی، حاصل یک توافق درون حکومتی برای گذار از بحران هاست، یا حاصل یک اتفاق غیرقابل کنترل و پیش بینی نشده.

حکومت و در سطح دولت وجود دارد، مردم نمی توانند ارزیابی کنند و تصمیم بگیرند. درنتیجه، رفتار مردم هم پیش بینی ناپذیر و تکانشی خواهد بود. به همین علت است که رفتار مردم هرچند ماه یک بار وارد یک فاز جدید می شود. همانگونه که گفتم، مردم از فاز ناامیدی پیش از انتخابات، به فاز نشاط و امید پس از انتخابات آمدند. سپس از فاز نشاط و امید، به فاز نظاره و ارزیابی منتقل شده اند. اکنون در فاز نظاره و ارزیابی هستند. اگر آن دو ابهام مربوط به رفتار حکومت و رفتار دولت به سرعت رفع شود، ارزیابی مردم از توانایی و آینده دولت مثبت خواهد بود و وارد فاز کنش مثبت می شوند. در غیر این صورت، آنها وارد فاز کنش منفی خواهند شد و اوضاع اقتصادی و سپس اجتماعی را بحرانی خواهند کرد. اگر مردم وارد فاز کنش منفی شوند، آرام آرام این نقدینگی که الآن در بخش های مختلف رسوب کرده، از زمین بلند می شود و به بازارهای مختلف می رود: بازار طلا، بازار ارز، بازار مسکن، بازار آهن و دیگر بخش ها و تلاطمات اقتصادی شروع می شود. الآن مردم نقدینگی هاشان را هر کجا که خوابانده اند، خوابانده اند و جابجا نمی کنند، چون هنوز در ارزیابی خود از دولت آقای روحانی به جمع بندی نهایی نرسیده اند. این ثبات خیلی

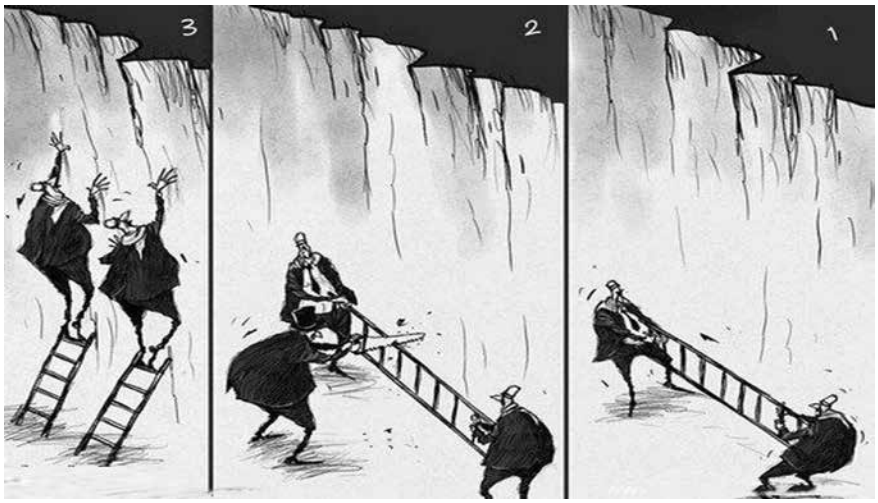

مهم است. این ثبات را باید حفظ کرد.

حفظ تعادل، مقدم بر ارتقای آن

یادمان باشد که در هر سیستمی، ارتقای وضعیت موجود فقط در شرایط باثبات قابل دفاع است. در شرایط بی ثبات، حفظ تعادل سیستم بر ارتقای آن مرجح است. شما فقط در شرایط باثبات حق دارید تعادل موجود را به امید ارتقای آن، به هم بزنید. ثبات کنونی، ثبات روان شناختی است، نه ثبات واقعی اقتصادی. اقتصاد مستعد تلاطم است. فعلاً ذهن ها آرام گرفته و درحال ارزیابی است. اگر در پایان این دوره ارزیابی اش این بود که نه، این ساختار سیاسی، این دولت و بقیه قوا، توان تعامل مثبت برای خروج اقتصاد ایران از مشکلات کنونی را ندارند، آنوقت آن هیزم نقدینگی که در گذشته زیر دیگ اقتصاد ایران گذاشته شده، مشتعل خواهد شد.

می خواهم بگویم خروج از رکود اقتصادی کنونی، ابزارهای اقتصادی ندارد. دولت در حال حاضر، با انتشار پول و وام دادن، با تغییر نرخ بهره و هر کاری که فکرش را بکنیم، نمی تواند رکود را پایان دهد. راه حل رکود، یک راه حل غیراقتصادی است، یعنی رکود تنها وقتی به سمت رونق خواهد رفت که ابهامات موجود در سه سطح نظام و دولت و مردم، از بین برود. بخش اعظم رکود کنونی محصول عدم اطمینان است، نه محصول کمبود تقاضا یا کمبود نقدینگی. اقتصاد ایران کمبود نقدینگی ندارد. در این مدت، نقدینگی حدود هفت ونیم برابر شده، ولی رونقی نیاورده است. پس پول رونق نمی آورد. اقتصاد انرژی اصلی اش را از اعتماد و ثبات و امید به آینده و حاکمیت قانون و عملکرد سالم نظام تدبیر می گیرد. پول صرفاً نقش روغن را در اقتصاد بازی می کند که حرکت اجزای اقتصاد را تسهیل می کند.

اقتصاد ایران اسیر عدم اطمینان

فضای کسب وکار در ایران، امروز با وضعیت "عدم اطمینان" روبروست، نه وضعیت "ریسک" یا وضعیت "اطمینان". وضعیت اطمینان، وضعیتی است که اطلاعات موجود، شفاف و قابل اعتماد و کامل است و فعالان اقتصادی با ابهامی روبرو نیستند. وضعیت ریسک، وضعیتی است که اطلاعات نسبتاً شفات و تا حدود زیادی قابل اعتماد است، یعنی اطلاعات ناقص است، اما این ناقص بودن به حدی نیست که نتوان برنامه ریزی کرد. پس فعالان اقتصادی می توانند عقلانی برنامه ریزی

علم اقتصاد برای تحلیل رفتار فعال اقتصادی عقلانی است، فعال اقتصادی عقلانی هم فقط در فضای اطمینان یا ریسک می تواند عقلانی تصمیم بگیرد و عمل کند، نه در فضای عدم اطمینان.

کنند، اما در برنامه ریزی خود مقداری هم ریسک درنظر می گیرند. اما وضعیت "عدم اطمینان" وقتی است که اطلاعات نه شفاف است، نه قابل اعتماد. اگر هم یک مقداری اطلاعات وجود داشته باشد، برخی متغیرها و عوامل بیرون از کنترل فعالان اقتصادی هستند که با یک حرکت می توانندکل بازی را بهم بزنند، مثلاً سرمایه گذار می آید و ریسک تغییر قیمت ارز را می پذیرد و وارد محاسباتش می کند و تصمیم به سرمایه گذاری می گیرد، اما ناگهان با یک مصاحبه فلان فرد، روابط ما با غرب به هم می خورد و آن سرمایه گذار دیگر نمی تواند ماشین آلات خود را وارد کند و بنابراین، کل پروژه او شکست می خورد. این، می شود وضعیت عدم اطمینان. دقت کنیم که علم اقتصاد برای حالت اطمینان یا ریسک طراحی شده است، نه برای وضعیت هایی که کل اقتصاد و فعالان با یک عدم اطمینان شدید و سراسری و بلندمدت روبرو هستند. بنابراین، سیاست های اقتصادی مرسوم که از علم اقتصاد می گیریم، فقط در شرایط عادی که حداکثر با ریسک روبرو هستیم، کاربرد دارند، نه در شرایط عدم اطمینان مطلق یا عدم اطمینان بلندمدت. در اقتصادی که پر از عدم اطمینان مزمن است، تئوری های اقتصاد جواب نمی دهند. علم اقتصاد برای تحلیل رفتار فعال اقتصادی عقلانی است. فعال اقتصادی عقلانی هم فقط در فضای اطمینان یا ریسک می تواند عقلانی تصمیم بگیرد و عمل کند، نه در فضای عدم اطمینان. پس علم اقتصاد، برای امروز اقتصاد ایران خیلی راهکاری ندارد و دستانش بسته است. ما نمی توانیم با ابزارهای معمول اقتصادی، اقتصاد ایران را هدایت کنیم، مگر اینکه اقتصاد ایران را از عدم اطمینان خارج کنیم. اقتصاد ایران امروز مملو از عدم اطمینان است و تا از این حالت خارج نشود، گویی فضای فعالیت اقتصادی کاملاً مه آلود است. برای نجات اقتصاد ایران، اول باید عدم اطمینان بلندمدت رفع شود و رفع عدم اطمینان هم در دست دولت آقای روحانی نیست، مساله موضوع نظام سیاسی است که باید تصمیم بگیرد.

قربانیان حوادث رانندگی در ایران

(اینفوگرافیک)

اینفوگرافیک (Infographic) مخفف Information Graphic است و به فارسی "داده نمایی" ترجمه می شود و منظور از آن هم استفاده از تصاویر و اَشکال گرافیکی برای وضوح بخشیدن به مطلبی است که ارایه می شود. این کار باعث می شود که بیننده یا خوانندهٔ مطلب، با نگاهی کوتاه به مطلب، حجم قابل توجهی از اطلاعات را که شکل نوشتاری شان ممکن است به صورت یک مقالهٔ بلند بالا باشد، به سادگی از طریق بصری دریافت کند و حتی آن ها را به خاطر بسپارد. به عبارت دیگر، اینفوگرافیک روشی است برای کمک به نمایش سریع، واضح و زیبای ایده های پیچیده. نمونه ای از کاربرد این روش را در این صفحه ملاحظه می فرمایید که به ارایهٔ آمار قربانیان تصادفات رانندگی در سال ۱۳۹۲ پرداخته است. در همین رابطه شایان ذکر است که رییس هیأت مدیره جمعیت حمایت از قربانیان راه های کشور، با اشاره به اینکه طی ۱۰ سال اخیر تعداد تلفات حوادث رانندگی در جاده ها از ۲۷ هزار به ۱۸ هزار نفر کاهش یافته است، گفت: تعداد کشته های رانندگی در ایران ۵۰ درصد بیشتر از میانگین جهانی است. یادآوری می شود که در سال ۱۳۹۲، تعداد ۱۷ هزار و ۹۹٤ نفر در حوادث رانندگی کشته شدند که ۵/۷ درصد کمتر از سال ۱۳۹۱ است.

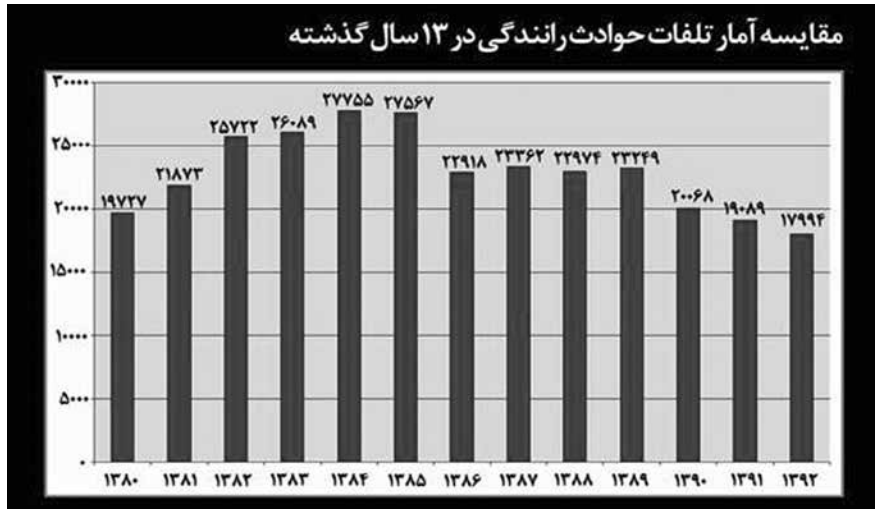

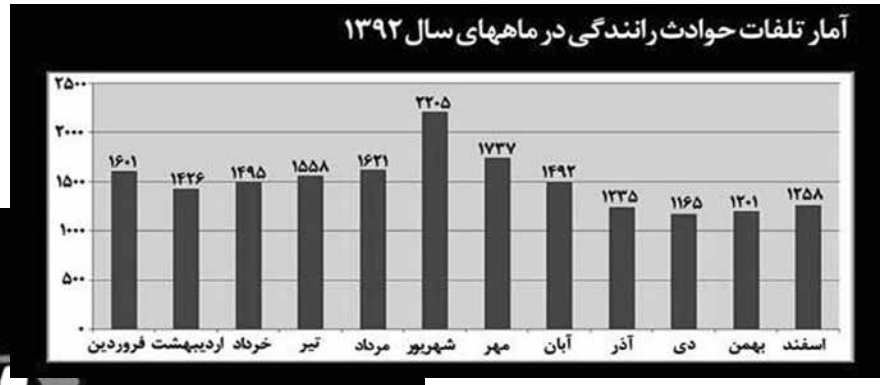

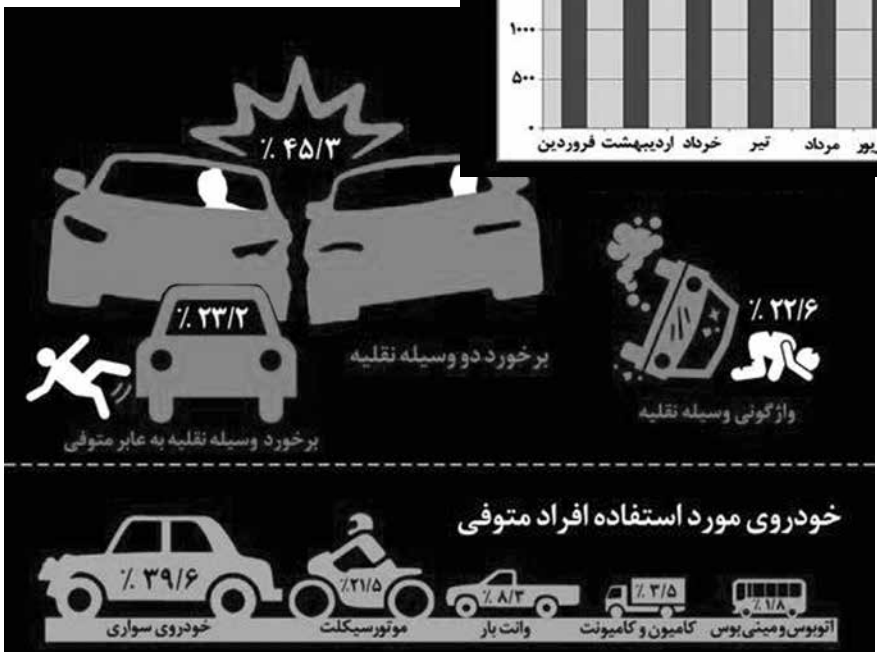

چنان دستم تهی گردیده از گرمای دست تو
که این یخ کرده را از بی کَسی "ها" می کنم هرشب
(محمد علی بهمنی)

اعتماد، سنگ بنای جامعه سالم

مجتبی دلیر، روانشناس اجتماعی

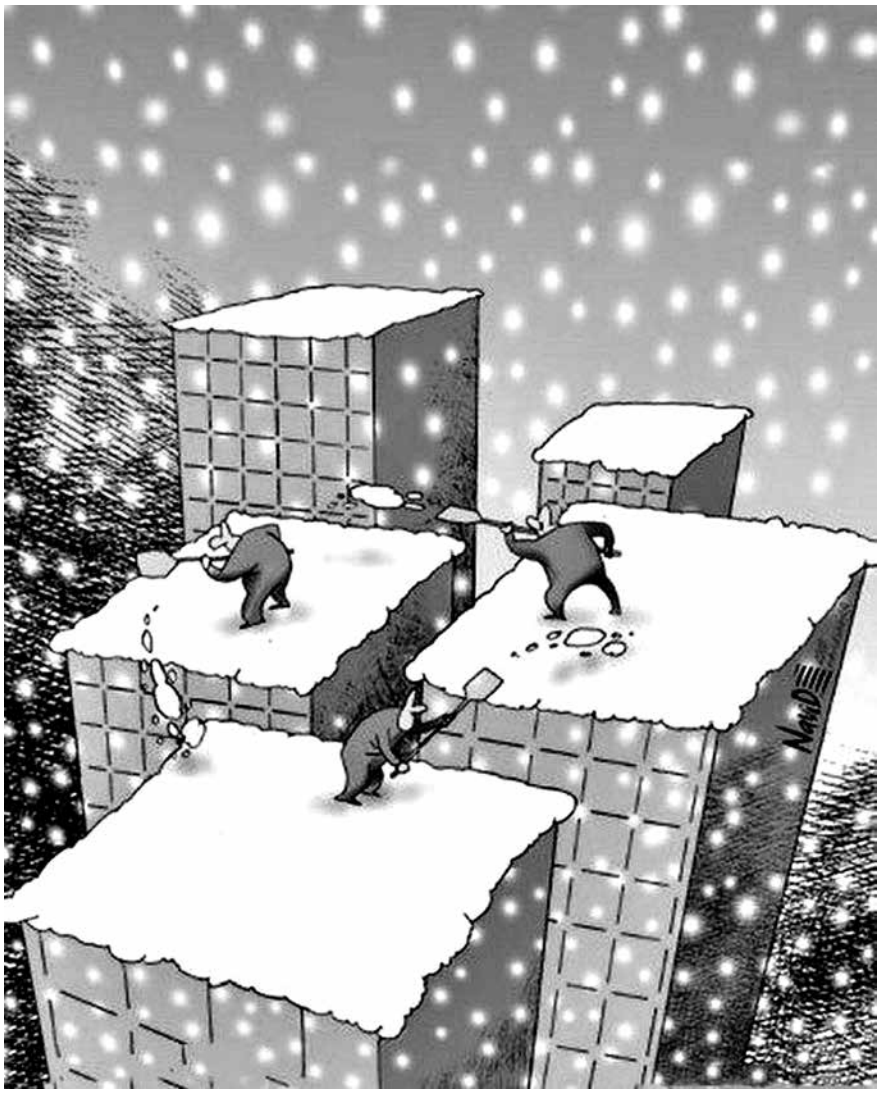

این روزها اعتماد میان شهروندان شهر من کم رنگ تر از همیشه شده است. می گویم: میدان انقلاب. می گوید: بیا بالا. اما بعد می گوید: امکان دارد من از این کوچه بروم و شما این دو قدم (۱۰۰ قدم) تا میدان را پیاده بروید؟ چیزی نمی گویم. می گویم: میدان هفت تیر پیاده می شوم. می گوید: ۱۵۰۰ تومان می شود! می گویم: مسیرم است همیشه ۱۰۰۰ تومان می دهم. چیزی نمی گوید. می گویم: پایان نامه شما در حد کارشناسی ارشد است. معدل ترم قبل تان چند بود؟ چیزی نمی گوید. می گوید: برای اینکه مطمئن باشی گوشی ات اصل است، از نمایندگی اش بخر. بعدش هم سایتی هست که می توانی اصل بودن آن را چک کنی! چیزی نمی گویم. می گوید: می دانید در تبلیغ ماکارونی فلان از ماکارونی بهمان استفاده شده! چیزی نمی گویم. می گوید: استاد فلان دانشگاه هستم. می گویم: تا به حال شما را در آنجا زیارت نکرده ام. چیزی نمی گوید. می گویم: حالا که عازم سفر هستید، خانه را به همسایه روبه رو بسپارید. می گوید: طرف خودش معلوم نیست چیکاره است؟! چیزی نمی گویم. می گویم: کارم به فلان اداره افتاده است. می گوید: خدا به دادت برسد از امروز و فرداها! می گویم: ماشینت را فردا به من قرض می دهی؟ بهانه می آورد. چیزی نمی گویم. می گوید: پیرمردی را دیدم که خرید کرده بود. رفتم کمکش کنم، انگار دزد دیده بود! چیزی نمی گویم. می گوید: زمانه عوض شده، نمی شود به کسی اعتماد کرد. می گویم: آدم نمی تواند به چشم های خودش هم اعتماد کند!

راستی قصه پُرغصه شهر من از کجا شروع شد؟ سروکله بی اعتمادی از کجا پیدا شد؟ از بالا رفتیم دوغ بود، قصه بی بی ام دروغ بود...؟ گویا قصه با دروغ شروع شد که کارمان به اینجا رسید. دروغ گفتیم و شنیدیم که کلاغه به خونش نرسید. پس ما هم دروغ گفتیم... ولی چرا به خواسته هایمان نرسیدیم؟! در آموزه های مذهبی آمده که دروغ کلید تمام گناهان است.

دروغ اخلاقی یا دروغ گفتن به دیگران، باعث بی اعتمادی می شود و بی اعتمادی، امنیت روانی را از بین می برد و این سرآغاز تمام مشکلات بین افراد جامعه است.

از منظر روان شناختی دروغ دو نوع است: دروغی که فرد به خودش می گوید و دروغی که فرد به دیگران می گوید. در این یادداشت با دروغ نوع اول کاری نداریم، اما دروغ اخلاقی یا دروغ گفتن به دیگران، باعث بی اعتمادی می شود و بی اعتمادی، امنیت روانی را از بین می برد و این سرآغاز تمام مشکلات بین افراد جامعه است. دروغ، دروغ است، کوچک و بزرگ هم ندارد. برای پنهان کردن یک دروغ کوچک، باید هزار دروغ بزرگ و کوچک بگوییم که می شود هزارویک دروغ! وقتی دروغ گفتیم و اعتماد از بین رفت، دیگر سنگ روی سنگ بند نمی شود. از آن به بعد، همیشه نگران این هستیم که آیا پیامی که دریافت کردیم، واقعیت دارد یا دروغ است؟ به همین دلیل است که خیلی ها دوست دارند نشانه های رفتاری فرد دروغگو را تشخیص دهند و دروغگو را از چهره اش بشناسند. متأسفانه برخی افراد به قدری در دروغ گفتن مهارت دارند که خودشان هم دروغ خود را باور می کنند. تشخیص نشانه های رفتاری دروغگویی به اندازه ای دشوار است که دستگاه های به اصطلاح دروغ سنج نیز قادر به تفکیک واقعی دروغگو و راستگو نبوده و نتایج آنها فاقد اعتبار علمی است.

به هر حال، وقتی که دروغ در لباس راست رفت، همه کارهایمان وارونه می شود. راستمان دروغ و دروغمان راست می شود. آنوقت به کدامیک می توان اعتماد کرد؟ به راست یا دروغ وارونه؟

شاید شنیده باشید که روزی دروغ و راست تصمیم گرفتند برای شناکردن به دریا بروند؟ آنها با هم به کنار ساحل رفتند. وقتی که به ساحل رسیدند، راست لباس هایش را درآورد و در آب پرید، اما دروغ حیله گر لباس های او را پوشید و فرار کرد و تا راست از آب بیرون بیاید، دروغ دور دنیا را گشت. از آن روز همیشه راست عریان و زشت است، اما دروغ در لباس راست با ظاهری آراسته نمایان می شود. حتماً شنیده اید که "دروغ مصلحت آمیز، به ز راست فتنه انگیز..."ممکن است با این پیش فرض دروغ بگوییم که رابطه مان با دیگران بهتر شود، اما دروغ مهلک ترین سم برای هر رابطه ای است. اولین گام در هر ارتباط موفقی، اعتماد متقابل است و دروغ اعتماد و اعتبار را از بین می برد. اعتماد بنیادین زیربنای اعتماد اجتماعی است. اعتماد بنیادین نگرشی نسبت به خود و دنیای اطراف است که بر رفتار و اعمال ما اثر می گذارد و این فکر را تقویت می کند که افراد و امور جهان قابل اعتمادند. این نوع اعتماد را روانکاو مشهور اریک اریکسون مطرح کرد. اریکسون برای رشد انسان هشت مرحله قایل شد که اولین مرحله در نظر او مرحله "اعتماد در برابر بی اعتمادی" است. در این مرحله، نوع رابطه با نوزاد می تواند اعتماد یا بی اعتمادی او را نسبت به محیط بنا نهد که در دوره های بعدی زندگی نیز ادامه پیدا می کند. نوزادی که نیازهایش به موقع برآورده شود، حس اعتماد را پرورش می دهد. اگر کسی فاقد این

متأسفانه برخی افراد به قدری در دروغ گفتن مهارت دارند که خودشان هم دروغ خودشان را باور می کنند.

نوع اعتماد باشد، به هیچ عنوان ظرفیت پرورش اعتماد اجتماعی را پیدا نخواهد کرد. بنابراین، اساس اعتماد در خانه و خانواده و به ویژه در روابط اولیه مادر- فرزند شکل می گیرد. بعدها که کودک بزرگ تر شد، نحوه رفتار والدین بر گسترش اعتماد به دیگران تأثیر می گذارد. وقتی که قولی داده می شود، ولی به آن عمل نمی شود، بی اعتمادی شکل می گیرد. مادری که به کودک خود می گوید: اگر فلان کار را انجام دهی، فلان کار را برایت انجام می دهم... وقتی به قولش عمل نمی کند، اعتبارش را از دست می دهد و از آن به بعد، دیگر کودک نسبت به مادرش بی اعتماد خواهد شد و این مقدمه بی اعتمادی کودک به دیگران در آینده را فراهم می کند. به قول معروف:

خشت اول چون نهد معمار کج

تا ثریا می رود دیوار کج.

اعتماد اجتماعی یا اعتماد به غریبه ها به تدریج و از طریق تعامل افراد با یکدیگر به وجود می آید و درنهایت، منجر به انتفاع کل جامعه می شود. اعتماد اجتماعی باعث افزایش فعالیت های داوطلبانه، نوع دوستانه و کمک رسانی شده و از طریق ایجاد زمینه های مساعد، همکاری بین افراد جامعه را تسهیل می کند. بنابراین، افزایش اعتماد اجتماعی باعث افزایش سرمایه های اجتماعی می شود. اعتماد و اعتبار داشتن افراد نزد یکدیگر، زمینه ساز رفتارهای سالم شهروندی و دست یابی به جامعه و شهر سالم است.

ما اغلب نقش محوری دیگران در بهزیستی مان را نادیده می گیریم، اما پیوندهای اجتماعی حامی سلامت ما هستند. نتایج پژوهش ها نیز نشان می دهند که افراد دارای روابط اجتماعی بهتر، بیشتر عمر می کنند و کمتر دچار حملات قلبی یا سرطان می شوند. همچنین احتمال ابتلا به اضطراب و افسردگی در ایشان کمتر است، حتی کمتر دچار سرماخوردگی می شوند. باید به یاد داشته باشیم که ماهیت روابط ما با دیگران، تعیین کننده سلامت یا کسالت، نیک بختی یا بدبختی ما است.

به طور خلاصه، جامعه ای که اعتماد اجتماعی در آن رنگ باخته باشد، مهمترین متغیر سرمایه اجتماعی اش را از دست داده و جامعه ای که سرمایه اجتماعی اش را از دست داده باشد، برخورداری از تمام منابع و ثروت های مادی کره زمین هم جبران کننده فقدان مذکور نخواهد بود.

مأخذ: شهروند/ طرح نو/ ۱۲ آذر ۱۳۹۳/ ص ۱۱

اصول حاکمیت شرکتی

منبع: فصلنامه اینترنشنال بیزینس
مترجم: سیدحسین علوی لنگرودی

اشاره

ظهور شرکت های بزرگ با تعداد زیادی سرمایه گذار، موجب پیدایش افرادی به عنوان "مدیران کارآمد و حرفه ای" شد. این مدیران، با ابتکارات و توانایی های حرفه ای خویش، تحولات چشمگیری را در کارکرد مؤسسات مزبور بوجود آوردند و نسل تازه ای از کسب و کارهای قرین موفقیت را به جهانیان عرضه کردند. این تجربه مثبت، باعث شد که رفته رفته روش های سنتی مدیریت بنگاه های اقتصادی که عمدتاً مبتنی و متصل به مالکیت بنگاه های مزبور بود، منسوخ شود و اندیشه جدایی مالکیت از مدیریت شکل بگیرد. بدیهی است که جدایی مدیریت از مالکیت، مسایلی دارد و از جمله باعث ایجاد تضاد منافع بین مدیران به عنوان گردانندگان بنگاه ها با مالکان یا دارندگان بنگاه های مزبور خواهد شد و از مطلوبیت این رویکرد خواهد کاست. اما راهکار مناسب برای کاهش و خنثاسازی این تضاد، مجموعه ای است به نام Corporate Governance یا "حاکمیت شرکتی". بنابراین، حاکمیت شرکتی، مجموعه قواعد و ضوابطی است که در سطح نخست، روابط بین سهامداران و مدیران و همچنین حسابرسان شرکت ها را تعریف می کند و در سطح دوم، متضمن برقراری یک نظام کنترلی است، به نحوی که ضمن اجرای درست مصوبات مجامع عمومی و حفظ حقوق سهامداران جزء، از نقض حقوق عمومی جامعه جلوگیری شود و در عین حال، بازده بنگاه های اقتصادی را نیز به حداکثر برساند.

این مجموعه نظامات که باید توسط ارکان بنگاه های اقتصادی رعایت شوند، به طور کلی، مبتنی بر نظام پاسخگویی و مسوولیت اجتماعی می باشند و موجب پاسخگویی و شفافیت کامل می شوند. هشت اصل کلیدی در رابطه با نظام حاکمیت شرکتی نیز به شرح زیر می باشند:

۱) شفافیت: شفافیت، به عنوان یک اصل، بر این مسأله تاکید دارد که اطلاعات باید به طور آزاد و نامحدود در دسترس باشند و بتوان آنها را به طور مستقیم در اختیار افراد ذینفع و مرتبط قرارداد. در این میان، تمام کسانی که تصمیمات و اقدامات ناشی از آن اطلاعات بر آنها تاثیر دارد، باید به طور مستقیم و شفاف به آن اطلاعات دسترسی داشته باشند.

شفافیت دارای اهمیت بالایی برای کاربران و افراد خارج از حیطه اثرگذاری اطلاعات نیز هست، چرا که آنها فاقد آگاهی و شناخت و پیشینه کافی درباره آن اطلاعات (در مقایسه با کاربران درون سازمان) می باشند. بنابراین، تصمیمات اتخاذشده در هر سازمانی، می بایست مبتنی بر درک درست و دقیق اطلاعات موجود باشد تا بتواند زمینه ساز

شفافیت، به عنوان یک اصل، بر این مسأله تاکید دارد که اطلاعات باید به طور آزاد و نامحدود در دسترس باشند و بتوان آنها را به طور مستقیم در اختیار افراد ذینفع و مرتبط قرارداد.

شکل گیری و تقویت قوانین و مقررات مربوطه باشد.

پس شفافیت را می توان به عنوان بخشی از فرایند شناسایی مسوولیت ها در سازمان با اثربخشی درونی و بیرونی، قلمداد نمود که می تواند به بهبود و تحکیم فرآیند بازپخش قدرت به طور مساوی بین همه سهامداران و ذینفع ها کمک کند.

در اینجا باید به این نکته هم اشاره کرد که شفافیت به معنای افشای اطلاعات داخلی و خصوصی سازمان نیست، چون این حق هر سازمانی است که با حفظ اطلاعات درونی خود، در یک محیط سالم با سایر شرکت ها رقابت کند .بنابراین، هرگونه اطلاعاتی که حالت حقوقی، تجاری، امنیتی و حریم خصوصی کارکنان دارد، از دایره الزام شفافیت و شفاف سازی خارج است و باید در حفظ آنها کوشید. با این حال، مردم و نهادهای اجتماعی هم حق دارند که به اطلاعات عمومی دسترسی داشته باشند تا بتوانند پرسش ها و مسایلی را که ذهن شان را مشغول ساخته، مطرح کنند و با گرفتن پاسخ مناسب، به آرامش ذهنی و امنیت دست یابند. بنابراین، حرکت ها باید به گونه ای طراحی و اجرا شوند که اطلاعات مربوط به اهداف، رسالت ها، دیدگاه ها، روابط و مسوولیت ها، درآمدها، قوانین و استانداردهارا به طور شفاف در اختیار عموم مردم قرار دهند.

۲) قانونمداری: این اصل در واقع، جوهره و عصاره اصل شفافیت است، به این معنا که حاکمیت خوب، به شدت به یک چارچوب قانونی و حقوقی مستحکم و درست نیازمند است. علاوه بر این، قوانین و مقررات بایستی

مساوات باعث می شود که اقلیت ها هم به حساب بیایند و صدا و عقیده شان در میان صدا و عقاید اکثریت گم نشود.

صرف نظر از روابط قدرت به مرحله اجرا درآیند و در این میان، حقوق اقلیت ها نیز بایستی مورد حفاظت قرارگیرد. علاوه بر این، نهادی مستقل نیز باید در فرایند اجرای قانون دخالت داده شود تا از بروز هرگونه تضاد منافع و پایمال شدن حق هر کدام از سهامداران و ذینفع ها جلوگیری به عمل آید،این بدان معناست که شرکت ها باید از قواعد و مقررات قانونی موجود در جوامع تبعیت کنند و فعالیت های شرکتی خود را در آن قالب ها برنامه ریزی و اجرا نمایند، چه این قوانین در سطح یک شرکت وضع شده باشند چه در سطح یک سازمان، شهر یا کشور و یا حتی جهان. هر چند که تحقق این امر در گفتار خیلی ساده به نظر می رسد، اما این یک اصل چالش برانگیز و پیچیده است، چرا که همه شرکت ها خود را در عمل ملزم به اجرای دقیق و کامل اصول و الزامات حاکمیت خوب نمی بینند و مسوولیت پذیری کاملی را در این زمینه احساس نمی کنند. این تعارض عملکردها و چالش های ناشی از آن، از بی میلی یا ناتوانی برخی از کشورها و جوامع در اجرایی و الزامی کردن اصول جهان شمولی چون حقوق بشر، حقوق کارگران و غیره ناشی می شود. بدیهی است که در اینجا، متغیرهایی چون مذهب، فرهنگ، ملاحظات قدرت و غیره نیز وارد معادله می شوند و موانعی را در برابر اجرای پاره ای از قوانین و موافقت نامه های بین المللی زیست محیطی یا مواردی چون قانون کار کودکان ایجاد می کنند.

۳) مشارکت: گرچه مشارکت کلیه سهامداران در اداره امور یک شرکت، یک امر مطلوب و ایده آل است، اما جزو اصول الزامی یک حاکمیت خوب محسوب نمی شود، البته مشارکت شامل مواردی چون آزادی اجتماعات و آزادی بیان نیز می شود که پیش نیاز هر گونه مشارکت فعالی است. لذا با توجه به اندازه و ساختار سازمان ها، مشارکت در آنها می تواند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم و به واسطه قانون گذاری و انتخاب نمایندگان صورت پذیرد. نمونه این امر در ابعاد کشوری نیز شرکت همگان در انتخابات پارلمانی است.

شفافیت به معنای افشای اطلاعات داخلی و خصوصی سازمان ها نیست، چون این حق هر سازمانی است که با حفظ اطلاعات درونی خود، در یک محیط سالم با سایر شرکت ها رقابت کند.

٤) پاسخگویی: پیامد و توالی اصل مشارکت، پاسخگویی است. پاسخگویی دلالت می کند بر این که قوانین حکومتی، موسسات و سازمان ها را ملزم و مجبور به خدمات رسانی و پاسخگویی تمام و کمال به سهامداران در یک بازه زمانی مشخص نماید.

۵) مساوات: اصل مساوات برای حصول اطمینان از این مسأله مطرح شده که تمام اعضای یک شرکت یا یک جامعه، احساس کنند که به حساب می آیند و از آن مجموعه سهمی دارند. در واقع، مساوات باعث می شود که اقلیت ها هم به حساب بیایند و صدا و عقیده شان در میان صدا و عقاید اکثریت گم نشود و در جریان تصمیم گیری ها، نظرات و خواسته های آنها نیز لحاظ گردد.

٦) کارایی و کارآمدی: کارایی، بدان معناست که هزینه های کار به حداقل برسد و کارآمدی نیز یعنی دستیابی به اهداف مقرر به بهترین نحو. بنابراین، کارآمدی برای حصول اطمینان از این مساله است که فرآیندها و

نهادها نتایجی را رقم بزنند که نیازهای سازمان را تحقق بخشد. این مساله می تواند شامل استفاده معقول و متوازن از منابع طبیعی و حفاظت از محیط زیست نیز باشد.

۷) **توازن و تعادل:** این اصل بر تحقق دیدگاه ها و اهداف بلندمدت برای توسعه متوازن انسانی تاکید می کند. شایان ذکر است که در ربع قرن گذشته، تعداد فزاینده‌ای از صاحبنظران براین مساله تاکید کرده اند که فعالیت های یک سازمان، بر محیط خارجی نیز تاثیر بسزایی دارد و این امر بدان معناست که سهامداران عمده، نه تنها در فعالیت های یک سازمان دخیل و ذینفع هستند،بلکه بر تأثیرگذاری آن فعالیت ها بر محیط عمومی نیز اثر می گذارند. محور این تاثیرگذاری هم عبارتست از اینکه عقاید و خواسته های سهامداران یک شرکت در آینده به مانیفست و اساسنامه آن سازمان تبدیل می شود و توازن و تعادل سازمان بر مبنای آن تعیین می گردد. با این همه، توازن و تعادل از آن جمله مباحثی بشمار می روند که چالش برانگیزند و تعاریف و مصادیق مختلفی برای آنها وجود دارد.

در تعریف عام، توازن و تعادل با اثرگذاری بر نحوه عمل و عکس العمل شرکت ها و سازمان ها براساس گزینه های پیش رو در آینده ارتباط مستقیم دارد، به نحوی که اگر منابع مورد استفاده کنونی یک شرکت، روبه پایان باشند، این شرکت باید در نحوه مصرف و استفاده از آن منابع تعادل را رعایت کند. حاکمیت شرکتی به این شرکت می گوید که باید به گونه‌ای عمل کند که جلوی استفاده افسارگسیخته از منابع طبیعی، چون نفت و گاز و سایر منابعی که محدود هستند، گرفته شود. علاوه بر این، حاکمیت شرکتی باید به فکر ایجاد و توسعه منابع جایگزینی باشد که در آینده بتوان از آنها به جای منابع روبه پایان کنونی استفاده کرد.

بدیهی است که گسترش رویکرد توازن و تعادل موجب می شود که جوامع به تدریج نسبت به موضوع حساس شوند و از استفاده بیش از حد از منابع موجود خودداری نمایند و به مکانیزم های اکوسیستم و مدل های مصرف معقول منابع پایبند بمانند.

۸) **مسوولیت پذیری:** مسوولیت پذیری، بدان معناست که فعالیت های یک سازمان بر محیط خارجی تاثیرگذار است و لذا سازمان باید نسبت به چگونگی این تاثیرگذاری مسوولیت پذیر باشد. این اصل، یعنی اینکه سازمان بخشی از یک شبکه اجتماعی است و باید در برابر شرکای اجتماعی یا ذینفعان غیرمستقیم هم مسوولانه عمل کند، چون آنها نیز از عملکرد سازمان تاثیر می پذیرند و خواسته ها و منافع آنها نیز می بایست در تصمیم گیری های سازمان در مدنظر باشد.

بنابراین، شرکت ها و سازمان های خصوصی، علاوه بر پاسخگوبودن در قبال

دولت ها، باید به نهادهای غیردولتی و سازمان های مردم نهاد نیز پاسخگو باشند و منافع آنها را نیز مورد توجه قرار دهند. یکی از مهمترین کارکردها و پیامدهای مسوولیت پذیری شرکت ها و سازمان ها در قبال عموم مردم و نه فقط دولت ها، محدودشدن یا حتی محوشدن مشکلاتی چون فساد و رشوه خواری در سازمان هاست .

حاکمیت خوب به شدت به یک چارچوب قانونی و حقوقی مستحکم و درست نیازمنداست.

رویهمرفته، اصل پاسخگویی و مسوولیت پذیری حکایت از آن دارد که شرکت ها و سازمان ها جدای از محیط اطرافشان نیستند و بخشی از یک جامعه بزرگ تر و شبکه ای فراگیر و ملی محسوب می شوند و بر این اساس، موظفند که از تکرار اقدامات نادرست و زیانبار بپرهیزند. در همین نقطه است که لزوم رعایت اصل شفافیت و اطلاع رسانی شفاف به عموم جامعه اهمیت پیدا خواهد کرد.

حال این سوال قابل طرح است که آیا همیشه می توان به گزارش دهی و اعلام عملکردها از سوی خود شرکت ها اعتماد و اتکا کرد، یا اینکه باید شخص ثالث و بی طرفی هم وارد کار شود و این وظیفه را برعهده بگیرد؟

لازم به ذکر است که متأسفانه بی میلی و کم توجهی برخی از کشورها به ملزم ساختن سازمان ها و شرکت ها برای اطلاع رسانی دقیق و شفاف، باعث کمرنگ شدن اصل پاسخگویی و مسوولیت پذیری شده و در نتیجه، استانداردهایی چون ایزو ۲۶۰۰۰ به خوبی و به صورت کامل اجرا نمی شوند .

حاکمیت خوب و رفتار شرکتی

حاکمیت خوب و مطلوب در هر جامعه ای دارای اهمیت است، چه در سطح کشور و چه در سطح یک شرکت. به عنوان مثال، حاکمیت خوب می تواند موجب بهبود اعتماد و اطمینان در محیط سیاسی شود و هنگامی که منابع لازم برای تحقق حداقل انتظارات مردم محدود است، می توان با اِعمال یک حاکمیت خوب، جامعه را مدیریت کرد و سطح رفاه عمومی را ارتقا داد. در سطح شرکت ها و سازمان ها نیز همین مسأله مصداق پیدا می کند . به عبارت دیگر، برای رسیدن به یک عملکرد شرکتی خوب، اِعمال حاکمیت خوب ضروری است و اِعمال این رویه، به استفاده بهینه سازمان از منابع مالی اش کمک می کند.

اما آنچه در این میان مهم است، این است که نحوه عملیاتی کردن و پیاده ساختن اصل مسوولیت پذیری اجتماعی شرکت ها نیز به اندازه خود این اصل کلیدی تعیین کننده است.

در واقع، گرچه یک ارتباط پذیرفته شده بین حاکمیت شرکتی خوب و پذیرش مسوولیت اجتماعی شرکتی وجود دارد، اما این رابطه تاکنون به طور دقیق و شفاف تعریف نشده و لذا بسیاری از شرکت ها به حاکمیت شرکتی به مثابه موضوعی مرتبط به رابطه بین سازمانی و سرمایه گذاران و سهامداران می نگرند، حال آنکه یک پیوند نزدیک و شفاف بین حاکمیت و مسوولیت پذیری اجتماعی شرکت ها و سازمان ها وجود دارد و این دو تا حد زیادی به یکدیگر وابسته اند. به عبارت دیگر، این واقعیتی است که در روزگار کنونی، این موضوع مطرح شده که در تمام جهان، یک سری مسایل و اولویت ها وجود دارند که باید برای رعایت شدن به شرکت ها و سازمان ها معرفی شوند. با این همه، خیلی ساده انگارانه خواهد بود اگر فکر کنیم که همه این اولویت ها و الزامات در سرتاسر جهان و در تمام شرکت ها و سازمان ها فهمیده شده اند و رعایت می شوند، اما چون حاکمیت شرکتی، دارای تاثیر و نفوذ فوق العاده ای بر عملکرد شرکت هاست، لذا شرکت ها باید بدانند که اصول حاکمیت شرکتی کدامند و چگونه می توان با پیاده کردن آنها، عملکردها را بهبود بخشید. تمام این اصول و موازین، به مسوولیت اجتماعی شرکت ها مربوط می شوند و دارای الزامات و تعهداتی هستند که پیاده شدن آنها را در بلندمدت امکانپذیر می سازند و شرکت ها هم به طور طبیعی می توانند از طریق پیاده کردن حاکمیت شرکتی به منافع و مزیت های بارزی به شرح زیر دست یابند:

۱)افزایش ارزش بازار.

۲)افزایش قدرت رقابتی.

۳) جذب سرمایه گذاران، سهامداران و سایر ذینفعان.

٤)اعتبارپذیری بیشتر و بالاتر.

۵)افزایش انعطاف پذیری در وام گیری از موسسات مالی.

٦)کاهش نرخ بهره اعتباری و هزینه سرمایه.

۷) دستیابی به فرصت های سرمایه گذاری جدید.

۸) قدرت جذب پرسنل و کارکنان بهتر.

۹) دستیابی به بازارهای جدید.

۱۰) بهبود چهره اجتماعی شرکت.

۱۱) تصحیح مناسبات انسانی و بهبود اخلاقیات شرکتی.

تمام این مزایای بلندمدت به طور مستقیم با توازن و تعادل یک شرکت و موفقیت آن ارتباط پیدا می کنند و از جمله از دیدگاه های کلان اقتصادی، خود شرکت، سرمایه گذاران خصوصی و موسسات مالی و بانکی قابل بررسی می باشند. به طور خلاصه در این زمینه می توان گفت که کیفیت حاکمیت شرکتی، می تواند شرایط رقابتی یک سازمان را تعیین کند و این، یعنی وجود یک رابطه قوی بین حاکمیت شرکتی و رقابت پذیری یک شرکت یا سازمان. همچنین پژوهشگرانی که درباره حاکمیت شرکتی از دیدگاه سرمایه گذاران و بانک ها تحقیقات گسترده ای را انجام داده اند، به این نتیجه رسیده اند که پیاده کردن اصول و مکانیزم های حاکمیت شرکتی به صورت هوشمندانه و هدفمند، می تواند به کسب مزیت های رقابتی و بهبود جایگاه شرکت در بین رقبا منتهی شود و کیفیت مدیریت شرکت ها را ارتقا دهد. به علاوه، نقش تعیین کننده ای هم در جلب نظر و تصمیم گیری بانک ها و سرمایه گذاران دارد، چون با پیاده کردن حاکمیت شرکتی مطلوب، می توان درک و شناخت روشن تری از ریسک های موجود به دست آورد و تصمیمات آگاهانه تری را اتخاذ کرد. از سوی دیگر، اِعمال حاکمیت شرکتی می تواند موجب شود که اطلاعات و داده های ارزشمندی به بانک ها و موسسات مالی ارایه شود و ریسک اعطای تسهیلات مشکوک و پرخطر به شرکت ها را کاهش می دهد و این همان چیزی است که نقطه ایده آل مورد اشاره در عهدنامه باسل ۲ و ۳ به حساب می آید.

پاسخگویی دلالت می کند بر این که قوانین حکومتی، موسسات و سازمان ها را ملزم و مجبور به خدمات رسانی و پاسخگویی تمام و کمال به سهامداران در یک بازه زمانی مشخص نماید.

علاوه بر این، مشخص شده است که مسایل مربوط به حاکمیت شرکتی که با عملکرد اقتصادی شرکت ها و سازمان ها در ارتباط قراردارند، می توانند ارزش بازار شرکت ها را بهبود بخشند و از ابهامات و چالش هایی که معمولاً در اطراف شرکت ها و سازمان ها وجود دارد، بکاهند.

خطرات تغییر آب و هوا

در سال های آینده، خطر سیل و زیر آب رفتن خشکی ها، شدیدتر و بیشتر خواهد شد.

کارشناسان آب و هوای سازمان ملل متحد در تازه ترین گزارش خود، هشدار داده اند که تغییرات شدید آب و هوا، بشر را از نظر تأمین غذا، بهداشت، زیرآب رفتن خشکی ها و امنیت تهدید می کند. این گزارش پس از مدتی بحث و گفتگوی پرتنش مقامات و کارشناسان سازمان ملل در یوکوهامای ژاپن منتشر شده است.

بنا بر این گزارش، آثار فعالیت های بشر و گرم شدن هوای کره زمین، فشار بیش از حدی را بر سیستم های طبیعی وارد می کند و زندگی بشر را به شدت تحت تأثیر قرار خواهد داد. یکی از این موارد مربوط به قضیه "پرمافراست" است. پرمافراست یا زمین یخ زده، به خاک یا سنگی گفته می شود که بیش از دو سال در حالت انجماد مانده باشد. زمین هایی که دارای

آثار فعالیت های بشر و گرم شدن هوای کره زمین، فشار بیش از حدی را بر سیستم های طبیعی وارد می کند و زندگی بشر را بشدت تحت تأثیر قرار می دهد.

چنین وضعیتی می باشند، بیشتر در نواحی سردسیر مثل سیبری، آلاسکا، گرینلند و شمال کانادا وجود دارند. دانشمندان می گویند اگر آب و هوای کره زمین بیش از یک ونیم درجه گرم شود، این زمین ها از حالت انجماد خارج می شوند. گفتنی است که از دهه هفتاد میلادی، با گرم شدن هوای کره زمین، وسعت و عمق یخ ها در روی زمین کمتر شده و این امر باعث می شود که ویروس ها و میکروب های باستانی که در اینگونه زمین ها نهفته بوده اند، فرصت فعالیت و گسترش پیدا کنند.

این گزارش، دومین گزارش از رشته گزارش هایی است که توسط "مجمع بین المللی تغییرات اقلیمی(IPCC) " منتشر می شود. این مجمع که اعضای آن را هزاران دانشمند داوطلب تشکیل می دهند، در سال ۱۹۸۸ از مشارکت "برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد" و "سازمان جهانی هواشناسی" تشکیل شده تا اطلاعات فنی و اجتماعی- اقتصادی در مورد گرم شدن کره زمین را گردآوری کند. بد نیست بدانیم که این سازمان کوچک که مقرش در ژنو است، فقط دوازده نفر کارمند دارد و ۱۹۵ کشور دنیا در آن مشارکت دارند.

در این گزارش همچنین آمده است: ابعاد فزاینده گرم شدن آب و هوای کره زمین، احتمال تغییرات شدید، فراگیر و غیرقابل برگشت اقلیمی را افزایش داده است. گزارش مورد بحث همچنین تاکید می کند که سیستم های طبیعی و انسانی در تمام قاره ها و اقیانوس ها در دهه های اخیر تحت تأثیر تغییرات اقلیمی مختلف قرار گرفته اند، از ذوب شدن یخچال ها گرفته تا گرم شدن

پرمافراست (زمین های یخ زده).

"دکتر سلیم الحق" یکی از نویسندگان اصلی این گزارش، در این باره می گوید: پیش از این، فقط فکر می کردیم که می دانیم چه اتفاقی دارد می افتد، اما حالا برای این که تغییرات واقعاً دارند اتفاق می افتند، شواهد بی اندازه زیادی را در دست داریم. شایان یادآوری است که از زمان انتشار گزارش قبلی در سال ۲۰۰۷ تا کنون، شواهد علمی در باره گرم شدن هوای کره زمین، دوبرابر شده است.

"میشل ژارو" دبیر کل سازمان هواشناسی جهانی نیز در این مورد می گوید: تا به حال مردم به آب و هوای کره زمین آسیب می زدند، چون "نمی دانستند" اما از این به بعد جهل دیگر بهانه خوبی نیست.

در این گزارش به تغییرات کوتاه مدت سیستم های طبیعی در ۲۰ تا ۳۰ سال آینده هم اشاره شده است. این خطرات شامل آسیب دیدن سیستم های منحصربه فردی، مثل دریاهای قطبی و آبسنگ های مرجانی (coral reefs) می شود که فقط با دو درجه افزایش دما، در معرض خطر جدی قرار می گیرند.

تغییرات اقلیمی، منابع آب آشامیدنی را هم تهدید می کند و با بالا آمدن آب دریاها، زمین های وسیعی زیر آب خواهند رفت، آب اقیانوس ها اسیدی خواهد شد و گونه های جانوری و گیاهی در معرض نابودی قرار می گیرند. از این رو، محیط زیست جانوران و گیاهان به مناطق مرتفع تر یا قطبی منتقل خواهد شد. بدیهی است که بدین ترتیب، منابع غذایی بشر هم در معرض خطر قرار دارند و تا سال ۲۰۵۰، محصول برداشتی در ده درصد زمین های زیرکشت برنج، ذرت و گندم، بیش از ۲۵ درصد کاهش خواهد یافت. بعد از سال ۲۰۵۰ این تغییرات شدیدتر خواهند شد، در حالی که جمعیت کره زمین در آن زمان به حدود نُه میلیارد نفر افزایش می یابد و نیاز به مواد غذایی هم بسیار بیشتر از زمان حال خواهد بود. بسیاری از ماهیان هم که غذای اصلی مردم زیادی را تامین می کنند، به دلیل گرم شدن آب ها، مهاجرت می کنند و در برخی مناطق حاره و قطب جنوب، صید به کمتر از نصف می رسد.

پروفسور "نیل اَگِر" یکی دیگر از نویسندگان این گزارش، می گوید: این ارزیابی، به هیچ وجه اغراق آمیز نیست و با گذشت زمان، خطر افزایش پیدا می کند. این به زندگی مردم مربوط است و تأثیر این تغییرات بر محصولات کشاورزی، دسترسی به آب و

به ویژه اتفاقات شدید طبیعی، زندگی مردم را تهدید می کند. سیل و مرگ ناشی از گرما هم افزایش پیدا می کند و این خطر برای کسانی که در فضای باز کار می کنند، مثل کشاورزان و کارگران ساختمانی، شدیدتر است. این تغییرات باعث افزایش مهاجرات، تنش ها و منازعات محلی و منطق های هم می شوند و امنیت کشورها را به خطر می اندازند.

نکته عبرت آموز دیگر آن است که گرچه در کوتاه مدت تبعات گرم شدن هوای زمین در کشورهای فقیر بیشتر است، اما کشورهای ثروتمند هم از شر آن مصون نخواهند ماند. به گفته دکتر "سلیم الحق": بدون تردید در کشورهای پیشرفته نیز این تغییرات جدی گرفته خواهند شد، بخصوص وقتی که مردم این کشورها با بلایای طبیعی، مثل سیل و توفان مواجه شوند. این حوادث، میلیون ها دلار خسارت خواهند زد و ثروتمندان باید هزینه اش را بپردازند، اما بدیهی است که قدرت پرداخت ثروتمندان هم حدی دارد.

نکته عبرت آموز در این گزارش این است که گرچه در کوتاه مدت تبعات گرم شدن هوای زمین در کشورهای فقیر بیشتر است، اما کشورهای ثروتمند هم از شر آن مصون نخواهند ماند.

دکتر "کریس فیلد" رییس مشترک کارگروه تهیه گزارش نیز می گوید: مهمترین نکته این گزارش این است که به تغییر آب و هوا به عنوان مدیریت بحران نگاه شده است.

مأخذ: www.bbc.co.uk

گوهر خود را هویدا کن!

چگونه می توانیم استعدادهای درونی خودمان را بشناسیم و زندگی مان را دگرگون سازیم؟

تهیه و تنظیم: مهندس محمدمهدی تابع قانون

تمام آنچه در این مقاله کوتاه به آنها اشاره می شود، از کتابی به نام Finding your element استخراج شده است، کتابی که در سال ۲۰۱٤ به چاپ رسیده و جزو پرفروش ترین کتاب های سال جهان بشمار می آید. هدف این مقاله، کمک به شما برای پیداکردن گوهر ناب درونی و گسترش استعدادها و توانمندی های شگرف شماست.

روزی- روزگاری دو ماهی جوان در حال شناکردن در امتداد رودخانه، به ماهی پیری برخوردند که از سمت مقابل می آمد. ماهی پیر به آنها گفت: «سلام، وضعیت آب چطور است؟» دو ماهی جوان لبخندی به او زدند و به راهشان ادامه دادند. پس از چند دقیقه، یکی از آن دو از دیگری پرسید: «راستی، آب چیست؟» ماهی دیگر جوابی برای این سوال نداشت.

واقعیت نهفته در این داستان بسیار ساده است: بسیاری از ما آنچنان به چیزهایی که در اختیار داریم و در درونمان هست، خو گرفته ایم و عادت کرده ایم که اغلب اوقات وجود آنها را از یاد برده ایم و نمی دانیم چنین چیزهایی در درونمان وجود دارند و ما از آنها بی خبریم. گوهر درون و استعدادهای فردی ما حکم همان آب را برای آن دو ماهی دارند.

آیا شما از گوهر درون خودتان باخبرید؟ اگر پاسختان مثبت است، بفرمایید که چگونه و از چه راه به آن پی برده اید؟ هستند کسانی که با گوهر درونی شان زندگی می کنند و دقیقاً می دانند که در حال انجام همان کاری هستند که برای آن زاده شده اند و در نتیجه، از همه چیز لذت می برند، اما برخی دیگر چنین نیستند و از همه چیز عذاب می کشند.

با توجه به اهمیت شناسایی و شکوفاساختن

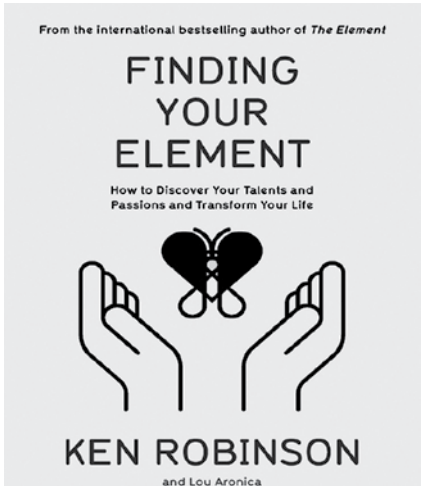

گوهر درون و نبوغ و استعدادهایتان، باید بیاموزید که چگونه می توان به این مهم دست یافت. در ابتدا باید بدانید که شکوفاسازی گوهر درون، تنها به انجام دادن کاری که به آن مسلط هستید و در آن مهارت دارید، خلاصه نمی شود، چرا که ممکن است شما از کاری که در انجامش مهارت دارید و در آن خوب هستید، لذت نبرید، چون دوستش ندارید. کنفوسیوس می گوید: «شغلی را انتخاب کنید که عاشقش هستید، آنگاه هیچوقت احساس نمی کنید که در حال کارکردن هستید.»

با شناختن گوهر درونتان و با آگاه شدن از

یکی از علل عمده افسردگی و خودکشی افراد در بسیاری از جوامع این است که آنها مشغول انجام کارهایی هستند که برای آن ساخته نشده اند و منطبق با گوهر درونشان نیست.

آن چیزی که برای آن زاده و ساخته شده اید، خواهید توانست به هر هدفی که می خواهید برسید، به نحوی که هم در زندگی شخصی تان فردی موفق و کارآمد باشید و هم بتوانید جامعه بهتری را بسازید. به عقیده بسیاری از کارشناسان و صاحبنظران، یکی از علل عمده افسردگی و خودکشی افراد در بسیاری از جوامع این است که آنها مشغول انجام کارهایی هستند که برای آن ساخته نشده اند و منطبق با گوهر درونشان نیست.

ذات درونی هر یک از ما با دیگری متفاوت است، هرچند که یک سری اصول مشترک در این میان وجود دارند که جویندگان گوهر درون می توانند از آنها در مسیر شناسایی و هویداساختن گوهر درونشان استفاده کنند. با شناسایی درست این گوهر ارزشمند، خواهید توانست از لحظه لحظه زندگی و کارتان لذت ببرید و همه چیز برایتان زیبا خواهد بود. تنها در این صورت است که ساعات طولانی کار آنچنان لذت بخش و زودگذر به نظر می رسند که گویی چند دقیقه بیشتر در محل کار نبوده اید. توضیح این مساله هم بسیار ساده هست: وقتی کاری که انجام می دهید، به گوهر درونتان مربوط و نزدیک باشد، شما قدرت خارق العاده ای پیدا می کنید و فرصت هایی در برابرتان به وجود می آیند که با بهره گیری از آنها، به موفقیت های فراوان می رسید. در واقع، سفر به درون برای شناسایی گوهر وجود، یک سفر دوطرفه و رفت و برگشتی است، به نحوی که در مرحله رفت، استعدادها و گوهر درونی تان را می شناسید و زمینه را برای ایجاد فرصت های ارزشمند در برابر خود فراهم می نمایید و در مرحله برگشت،

از فرصت های پدیدآمده استفاده کرده و پیشرفت می کنید.

چه باید کرد؟

برای آغاز فرایند شناخت و شکوفاساختن گوهر درون، بایستی وقت بیشتری را برای خود بگذارید و با خود بگذرانید. خلوت کردن با خود و مراقبه، گام اول در این فرایند بشمار می آید، مراقبه ای که باید همراه با "اندیشیدن هدفمند" باشد تا منتهی به هجوم افکار و ایده های ناب شود. در مرحله بعد، باید چشم ها را شست و به همه چیز، به ویژه به خویشتن، جور دیگر نگاه کرد. شاعری گفته است: «من دنیا را آنطوری که هست نمی بینم، بلکه آنطوری که دوست دارم ببینم، می بینم.» ما به عنوان انسان، همیشه جهان را به طور مستقیم نمی نگریم، بلکه از طریق الگوهای فکری، ایده ها، ارزش ها و عقاید خود، تجربیاتمان را تفسیر می کنیم و افکار و احساساتمان را مبنای عمل خودمان قرار می دهیم، درحالی که برای هویداکردن گوهر درون، باید همین نگرش ها و تفکرات را به چالش بکشیم و خارج از تفاسیر و تجربیات انباشته شده از گذشته، به خود و اطرافمان بنگریم.

با شناختن گوهر درونتان و با آگاه شدن از آن چیزی که برای آن زاده و ساخته شده اید، خواهید توانست به هر هدفی که می خواهید برسید، به نحوی که هم در زندگی شخصی تان فردی موفق و کارآمد باشید و هم بتوانید جامعه بهتری را بسازید.

تکنیک های سه گانه هویداساختن گوهر درون

به طور کلی، برای قاعده مندساختن فرایند شناسایی و شکوفاساختن استعدادها و گوهر درون، از سه تکنیک خاص می توان استفاده کرد که در اینجا به اختصار در باره آنها اطلاعاتی ذکر شده است.

۱) **ترسیم نقشه ذهنی:** ترسیم نقشه ذهنی، تکنیکی است برای نمایش و طبقه بندی اطلاعات در باره خود. یک نقشه ذهنی، بر پایه یک ایده مرکزی و محوری که دارای زیرشاخه های اصلی و فرعی متعدد است، شکل می گیرد. این نقشه شامل یک سری واژگان و تصاویر است که هرکدام یکی از استعدادها و ابعاد شخصیتی افراد را تشکیل می دهند و با هم در ارتباط هستند. با ترسیم نقشه ذهنی، آزادی خلاقانه قابل ملاحظه ای به افراد داده می شود تا با استفاده از آن، راه های جدیدی را برای اندیشیدن در باره خود پدیدآورند.

۲) **تخته تصاویر:** یک تخته تصاویر مجموعه ای است از تصاویری که

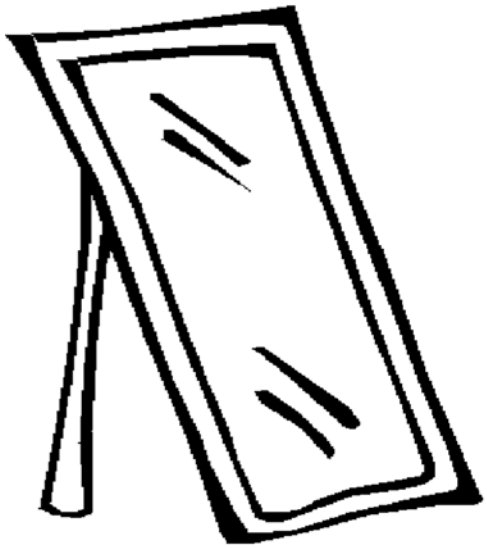

مراقبه با هدفمند و همراه با اندیشیدن باشد.

منعکس کننده الهامات، امیدها، بیم ها و رویاهای شماست و با کمک آن می توانید آنچه را که در زندگی تان امیدوار به انجامش هستید، به صورتی طبقه بندی شده معنادار نمایید. تهیه چنین تابلویی می تواند آرامش بخش، نظم دهنده و واقعاً لذت بخش باشد. این تصاویر را می توانید از مجلات و کتاب ها و روزنامه هایی که به صورت روزمره از آنها استفاده می کنید، جمع آوری کرده و آنها را کنار هم بچینید. شما می توانید آنها را تغییر دهید و چیزهایی را به آنها بیفزایید. به شما توصیه می شود که هر روز بارها به این تابلو نگاه کنید و در تصاویر آن دقیق شوید.

۳) نوشتن اتوماتیک: با کمک نوشتن اتوماتیک خواهید توانست راه های جدیدی را برای قاعده مندسازی نحوه نگرش خود نسبت به همه چیز پیدا کنید و ایده های نابی را که به ذهن شما متبادر می شوند، بر روی کاغذ بیاورید. برای شروع کافیست ذهن خودتان را خالی کنید و هر چیزی را که به ذهنتان

سفر به درون برای شناسایی گوهر وجود، یک سفر رفت و برگشت است که در مرحله رفت آن، شما استعدادها و گوهر درونی تان را می شناسید و زمینه را برای ایجاد فرصت های ارزشمند در برابر خود فراهم می نمایید و در مرحله برگشت، از فرصت های پدید آمده استفاده کرده و پیشرفت می کنید.

می رسد، بر روی کاغذی که آماده کرده اید، بنویسید. آنگاه خواهید دید که با این کار درهای جدیدی به روی شما باز خواهد شد و شما به بسیاری از چیزهایی که در درونتان است، پی خواهید برد. آنچه در اینجا باید به خاطر سپرده شود، این است که در این فرایند، اصلاً به مسایلی همچون غلط های املایی یا اندازه کلمات یا قضاوت هایتان در باره آنها توجه نکنید و خیلی سریع هرچه را که به ذهن تان می رسد، بنویسید.

در پایان جا دارد به شعری مشهور از "حاج میرزا حبیب خراسانی[۱]" اشاره کنیم که بی مناسبت با همین موضوع نیست:

گوهر خود را هویدا کن، کمال این است و بس
خویش را در خویش پیدا کن، کمال این است و بس
سنگ دل را سُرمه کن در آسیای درد و رنج
دیده را زین سُرمه بینا کن، کمال این است و بس
همنشینی با خدا خواهی اگر در عرش رب
در درون اهل دل جا کن، کمال این است و بس
دل چو سنگ خاره شد ای پور عمران، با عصا
چشمه ها زین سنگ خارا کن، کمال این است و بس
پند من بشنو: بجز با نفس شوم بدسرشت
با همه عالم مدارا کن، کمال این است و بس
چند می گویی سخن از درد رنج دیگران
خویش را اول مداوا کن، کمال این است و بس
باد در سر چون حباب ای قطره تا کی؟ خویش را
بشکن از خود عین دریا کن، کمال این است و بس
چون به دست خویشتن بستی تو پای خویشتن
هم به دست خویشتن وا کن، کمال این است و بس
کوری چشم عدو را روی در روی "حبیب"
خاک ره بر فرق اعدا کن، کمال این است و بس

زیرنویس

۱- میرزا حبیب خراسانی (۱۲۲۸ - ۱۲۸۷ خورشیدی) از شاعران عارف و از روحانیان دانشمند خراسان است که نسبش به شاه نعمت‌الله ولی می‌رسد. وی افزون بر کسب علوم دینی و فراگیری زبان فرانسه و عربی، به مقامات عالی عرفانی و معنوی دست یافت. حاج میرزا حبیب خراسانی، در تزکیه نفس و تهذیب اخلاق و کردار نیکو، سر مشق اهل روزگار بود و ذوق شعری واستعداد درخشانی نیز داشت.

دانا کیست؟ آنکه از همه می آموزد.
(بنجامین فرانکلین)

نروژ "بلای نفت" را چطور دفع می کند؟

برگن، دومین شهر بزرگ نروژ، از یک سو در آغوش کوهستان و از سوی دیگر، در کنار ساحل قرار دارد. چشم اندازهای این شهر به تصاویری می مانند که بیشتر در کارت پستال ها می بینیم. این منطقه، یکی از مراکز صنایع نفت و گاز نروژ هم هست و به همین دلیل، برگن شهر ثروتمندی بشمار می رود، هرچند که در آن، نشانه های کمی از ولخرجی های معروف افراد ثروتمند به چشم می خورد. در خیابان های این شهر نه خودرویی گران قیمت با شیشه های مات دیده می شود، نه فروشگاه های مارک های گران برای کیف های زنانه و نه صف آدم ها مقابل ورودی کلاب های شبانه ویژه پولدارها.

در حالی که اغلب کشورهای نفت خیز دنیا درآمدهای حاصل از فروش نفت خام خود را صرف هزینه های جاری می کنند، نروژ مشغول پس انداز کردن پول حاصل از فروش نفت خام و گاز در یک صندوق مستقل است. ارزش منابع مالی این صندوق حدود ۸۰۰ میلیارد دلار برآورد شده و خود صندوق هم معادل یک درصد مجموع سهام جهانی را در اختیار دارد. منابع این صندوق به اندازهای است که اگر سهم هر شهروند نروژی با کرون، واحد پول آن کشور، محاسبه و پرداخت شود، همه آنها میلیونر می شوند. بنابراین، این صندوق در عمل، یک حساب سرمایه گذاری عظیم است و به نظر می رسد که اغلب مردم نروژ هم از این وضعیت راضی اند.

پروفسور الکساندر کپلین، از اساتید دانشکده اقتصاد نروژ، در توضیح این که چطور این کشور هنوز در دام ثروت هنگفت خود نیفتاده است، می گوید: «باید پول زیادی

برگن، یکی از شهرهای ثروتمند نروژ بشمار می رود.

سرمایه گذاری شود تا بتوانیم خرج کردن را شروع کنیم.» او اضافه می کند: «در کشورهای دیگر، استخراج نفت خیلی راحت تر از نروژ است. برای همین، آنها خیلی راحت تر به پول نفت می رسند.» در نتیجه، در نروژ ولخرجی عظیمی نمی شود. در واقع، تصمیم گیران به دقت در حال اجرای مصوبه ای هستند که براساس آن، می توانند تنها چهار درصد مازاد درآمدهای صندوق را در پروژه های عمومی (دولتی) هزینه یا سرمایه گذاری کنند. پروفسور کپلین در ادامه می گوید: «عملاً در شرایط کنونی، ما کمتر از چهار درصد را هزینه می کنیم و در حال پس اندازکردن سرمایه های مان هستیم.»

در حالی که اغلب کشورهای نفت خیز دنیا درآمدهای حاصل از فروش نفت خام خود را صرف هزینه های جاری می کنند، نروژ مشغول پس اندازکردن پول حاصل از فروش نفت خام و گاز در یک صندوق مستقل است.

اثر اعتماد متقابل بین دولت و ملت

به گفته این استاد دانشگاه، دلایل زیادی وجود دارد که مردم نروژ از پس اندازشدن منابع مالی خود راضی هستند و گرفتار وسوسه داشتن زندگی تجملاتی نشده اند. او می گوید: «برای کارآمدبودن این شیوه، باید سطح قابل توجهی از اعتماد بین دو طرف وجود داشته باشد؛ اعتماد به این که پول نفت سوءمدیریت نخواهد شد و اعتماد به این که قرار نیست این پول به شیوه ای که شما دوست ندارید، هزینه شود.» او اضافه کرد: «دموکراسی اجتماعی و خط مشی های مربوط به تساوی حقوق افراد باعث شده است که نروژ جامعه ای همگن با سطح عظیمی از اعتماد عمومی داشته باشد.» این استاد دانشگاه می گوید: «ما به دولت اعتماد داریم. باور داریم مالیاتی که می پردازیم،

به شیوه ای هوشمندانه هزینه خواهد شد و وقتی شما مطمئن هستید که بقیه افراد سهم خودشان را می پردازند، شما هم از پرداخت سهم خود راضی هستید.»

اما، آیا نروژ به دلیل سطح بالای اعتماد شهروندانش ثروتمند است یا اعتماد شهروندانش به دلیل ثروت زیاد کشورشان، بالاست؟ پروفسور کپلین معتقد است که هر دو گزینه درست است: «سطح بالای اعتماد، باعث آسان و روان ترشدن رشد اقتصادی می شود.»

وزیر اقتصاد نروژ: اقتصاد کشور در وضع بسیار مناسبی است.

خانم سیو ینسن، وزیر اقتصاد نروژ نیز در این باره می گوید: «اقتصاد کشور در وضعیت بسیار مناسبی است، اما در چند سال آینده، تغییری تدریجی را پشت سر خواهیم گذاشت.» او توضیح داد: «در چند سال گذشته، رشد تولید، کند بوده و در شرایط کنونی، دولت باید به دنبال شیوه ای رقابتی برای دریافت مالیات و نیز راه هایی برای جذب سرمایه گذاری باشد.» خانم ینسن گفت: «اما درست است که هزینه زندگی در کشورمان بالاست.»

گسترش فعالیت های نفتی نروژ، اقتصاد آن کشور را تحت تاثیر قرار داده است.

دلایل زیادی وجود دارد که مردم نروژ از پس اندازشدن منابع مالی خود راضی هستند و گرفتار وسوسه زندگی تجملاتی نشده اند. مهمترین این دلایل هم اعتماد عمومی است نسبت به اینکه پول نفت توسط دولت سوءمدیریت نخواهد شد.

سخت کوشی ارزشمند است

هزینه ها در نروژ می تواند برای کسانی که برای اولین بار به آنجا می روند، حیرت انگیز باشد. البته تون هارتوت، کارشناس اقتصادی، در کافه ای مشرف به بازار ماهی فروشان برگن، در حالی که کاپوچینوی ۱۰ دلاری خود را مزه مزه می کند، می گوید که این هزینه ها تقریباً با سطح درآمد افراد هماهنگی دارد. در یک سوپرمارکت محلی، خرید ارزان ترین پاستا، نان، پنیر و گوجه فرنگی خردشده در مجموع حدود ۵۰ دلار تمام می شود و چنین هزینه ای برای کسی که شناخت قبلی از وضعیت ندارد، عجیب و باورنکردنی است. تون هارتوت در این مورد می گوید: «شاید عجیب باشد، ولی برای ما نروژی ها هزینه ها خیلی زیاد نیست، چون بیشتر ما کلبه ها و ویلاهای تابستانی و زمستانی داریم و می توانیم از عهده هزینه های زندگی برآییم.»

این کارشناس اقتصادی اضافه می کند: «ما به نیروی انسانی دستمزدی می دهیم که براساس آن، می تواند سطح زندگی مطلوبی داشته باشد.» او می گوید: « در اینجا سخت کوشی افراد ارزشمند و قابل احترام است، البته باور نداریم که دستمزد افراد در سطوح بالای سازمانی باید خیلی بیشتر از نیروی انسانی در سطوح پایین سازمانی باشد و به همین دلیل، بیشتر افراد توانمندی که ظرفیت های بالایی دارند، مشاغلی با سطح دستمزد بالاتر را در کشورهای دیگر پیدا می کنند

نروژ در حال برنامه ریزی برای دوره ای است که منابع نفت و گازش تمام می شود.

و دست به مهاجرت می زنند.» اما آیا مردم نروژ خودشان راثروتمند می دانند؟ هارتوت می گوید که اینطور نیست: «ما شرایط را اینطور نمی بینیم. این منابع متعلق به آیندگان است.»

چالش های اقتصادی

در جزیره ای که می شود نیم ساعته از برگن به آنجا رسید، مرکزی عظیم برای حمایت از صنایع نفت و گاز شکل گرفته است. کرت اندراسن، مدیرعامل این مرکز می گوید: «دورانی را به یاد دارم که خیلی ها در نروژ کشاورز بودند یا ماهی پرورش می دادند، اما الآن شرایط زندگی برای بیشتر نروژی ها تغییر کرده است. در چند دهه گذشته، شاهد تغییراتی عظیم بوده ایم. سطح رفاه کنونی خیلی زیاد است و با آنچه در ٤٠ سال پیش تجربه می کردیم، کاملاً فرق دارد. الآن بیشتر افراد، تحصیل کرده هستند و وضعیت عوض شده است.»

او اضافه می کند که با تمهیداتی که درپیش

الآن شرایط زندگی برای بیشتر نروژی ها تغییر کرده است.

گرفته شده، وقتی که در نهایت، منابع نفتی نروژ به پایان برسد «نروژ آسیبی نخواهد دید، ولی چنان شرایطی، برای همه ما یک چالش خواهد بود.» او در ادامه می گوید: «یکی از چالش ها این خواهد بود که چطور از کارشناسان نفتی خود در بخش های دیگر استفاده کنیم.»

تصمیم گیران نروژ به دقت در حال اجرای مصوبه ای هستند که بر اساس آن، می توانند تنها چهار درصد مازاد درآمدهای صندوق ذخیره ارزی را در پروژه های عمومی (دولتی) هزینه یا سرمایه گذاری کنند.

دگ رانی اولسن، رییس دانشگاه برگن هم نگران دورانی است که دیگر نفت و گازی برای استخراج در نروژ نباشد: «این نگرانی وجود دارد که سرمایه گذاری های کنونی به اندازه کافی و به شیوه‌ای نیست که بتوانیم در دهه های آینده، درآمد مناسبی داشته باشیم.» او اضافه کرد: «به خوبی می دانیم که منابع نفت و گاز محدود است و دست کم، تولید نفت در نروژ هر سال گرانتر از سال قبل تمام می شود. همین نشان می دهد که لازم است منابع درآمدی دیگری پیدا کنیم و در شرایط کنونی، امکان سرمایه گذاری وجود دارد.»

شاید آگاهی از این واقعیت که منابع حاصل از نفت و گاز ابدی نیست، یکی از دلایلی باشد که در خیابان های برگن به جای ماشین های پورشه یا بنتلی، ماشین های دست دوم ولوو بیشتر به چشم می خورند. به نظر می رسد که افراد به جای پزدادن، رفتاری واقع بینانه دارند و مصلحت کلی را در نظر می گیرند.

مأخذ: سارا ترنور، خبرنگار اقتصادی بی بی سی-برگن

فرم اشتراک

توسعه

سندیکای شرکت های تاسیساتی و صنعتی ایران

نام: ..... نام خانوادگی: .....

شغل : ..... نام شرکت : .....

نشانی : .....

تلفن: ..... نمابر: .....

کد پستی: ..... شماره اشتراک: .....

اشتراک جدید: ☐ تمدید اشتراک: ☐

تاریخ شروع اشتراک: ..... تغییر نشانی: ☐

هزینه اشتراک برای چهار شماره ۸۰۰۰۰ ریال

لطفاً هزینه اشتراک را به حساب بانکی شماره ۰۵۰۰۰۶۹۱۷۴۶۰۴ بانک کارآفرین شعبه مرکزی یا شماره حساب ۴۰/ ۱۲۴۴۲۲۰۸ جام بانک ملت به نام سندیکای شرکت های تاسیساتی و صنعتی ایران واریز نموده و فتوکپی رسید را به همراه فرم اشتراک به نشانی زیر ارسال نمایید:

تهران – سعادت آباد – میدان کاج – خیابان نهم – پلاک ۱۸ – تلفن: ۲۲۰۸۳۷۶۵ – ۲۲۰۸۳۴۲۰ – ۲۲۰۸۳۹۵۹ – ۲۲۰۸۳۹۶۱ نمابر: ۲۲۰۸۴۰۳۰

تهران را باید جابجا کرد یا آلاینده هایش را؟

کامران سپهری

چند سالی است که وقتی هوا سرد می شود و با پدیده وارونگی هوا مواجه می شویم، غلظت آلاینده های فسیلی در هوای تهران بالا می رود و تنفس برای مردم، به ویژه برای بچه ها و افراد مسن سخت می شود، بیماری های قلبی و عروقی و سرطان افزایش می یابند و مراجعه به مراکز درمانی و مرگ ومیر ناشی از این مسأله بیشتر می شود. با وجود تبدیل سوخت منازل و بسیاری از کارخانجات به گاز طبیعی که آلایندگی کمتری دارد، این مشکل نه تنها برطرف نشده، بلکه تشدید نیز شده است، چون در فصل سرما به علت مصرف بالای گاز وکمبود تولید گاز شیرین بدون گوگرد، کارخانجات ملزم به استفاده از گازوییل و نفت کوره می شوند.

اکنون برای حل این مسأله و مقابله با این معضل، صحبت از جابجایی مرکز کشور با جمعیتی حدود ۱۲ میلیون نفر است. البته این کار تا مدت کمی جوابگوست، ولی تجربه سایر کشورها، ازجمله ترکیه نشان داده است

انتقال مرکز کشور از تهران به کلانشهرهای دیگری چون اصفهان، شیراز، تبریز، مشهد یا کرج مشکل را برطرف نمی کند، بلکه فقط آن را جابجا می کند. فراموش نکنیم که این شهر ها در حال حاضر هم دچار آلودگی هستند، چه رسد به وقتی که جمعیتشان چندین برابر شود!

که مشکل از این طریق ریشه کن نمی شود، کما اینکه در حال حاضر، هوای شهر آنکارا که به عنوان مرکز یا پایتخت ترکیه تعیین شده، آلوده تر از هوای استانبول است، زیرا علت آلودگی هوای آن شهر جمعیت زیاد نیست، بلکه آلودگی های ناشی از سوخت زغال سنگ است که اثر آلایندگی زیادی دارد. از آن گذشته، جابجایی مرکز یک کشور، نیاز به سرمایه گذاری هایی هنگفت دارد و پروژه ای زمان بر است. به عنوان نمونه، در کشوری مثل ایران، ساخت یک ایستگاه قطار سال ها طول می کشد، چه رسد به ساختن یک کلانشهر!

البته برخی از صاحبنظران، موقعیت جغرافیایی تهران را عامل جمع شدن آلاینده ها بشمار می آورند. این مطلب می تواند تا حدودی درست باشد، زیرا شمال و شرق این شهر را کوه فرا گرفته است، ولی باز هم انتقال مرکز کشور از تهران به کلانشهرهای دیگری چون اصفهان، شیراز، تبریز، مشهد یا کرج مشکل را حل نمی کند، بلکه فقط آن را جابجا می کند. فراموش نکنیم که این شهر ها در حال حاضر هم دچار آلودگی هستند، چه رسد به وقتی که جمعیتشان چندین برابر شود!

با توجه به نکات فوق، به نظر می رسد که باید به راه حل های دیگری دست یازید:

• تولید و استفاده از خودرو در کشور به شدت رو به افزایش است و مهمترین تولیدکننده این آلاینده ها هم خودروها می باشند. بنا براین، باید کیفیت سوخت آنها به همراه کیفیت خودروها افزایش یابد.

• از سوی دیگر، به علت ارزانی یا پایین بودن قیمت نسبی سوخت در کشور در

مقایسه با سایر کالاها (ازجمله لوازم یدکی)، در ترمینال ها و ایستگاه های شهر (بیهقی، فیاض بخش، آزادی، شرق و ...) در هر لحظه می توان بیش از ۲۰ دستگاه اتوبوس را ملاحظه نمود که درحال توقف هم روشن هستند و هرکدام از آنها دودی معادل ده دستگاه سواری را روانه هوا می کند.

• نکته مهمتر، دادن انگیزه برای خروج از تهران است. در اجلاس اخیر شورای پول و اعتبار، سقف تسهیلات مسکن به ۳۵ میلیون تومان افزایش یافت، در حالی که وزیر محترم راه و شهرسازی خواهان مبلغ بالاتری برای تهرانی ها بود. استدلالش هم این بود که با این مبلغ، امکان خرید مسکن در این شهر وجود ندارد و در نتیجه، ساخت وساز در تهران رونق نمی گیرد. خوشبختانه رییس کل بانک مرکزی با این پیشنهاد مخالفت نمود، البته نه به خاطر تمرکززدایی، بلکه برای جلوگیری از آثار تورمی آن. حال اگر وام مسکن در شهرستان ها بیشتر از تهران شود، این خود انگیزه ای برای انتقال فعالیت های ساخت وساز از تهران به شهرستان هاست و به دنبال آن، مهاجرت به تهران هم محدودتر می-شود. این در حالی است که دیده شده در برخی موارد، بانک مسکن از انتقال وام از تهران به شهرستان مخالفت نموده است!

• گذشته از اعمال سیاست تسهیلاتی برای خروج از تهران، سیاست های دیگری را هم می توان به کار گرفت. به عنوان مثال، یکی از جاذبه های تهران، وجود امکانات درمانی بیشتر است. اگر به پزشکان تازه کار که احتمالاً توان تأسیس مطب در تهران را ندارند، خانه ای در شهرستانی نیازمند داده شود تا در آنجا سکونت و طبابت کنند و قرار گذاشته شود که در صورت توقف آنان در آنجا به مدتی مثلاً ده سال، مالک آن ملک گردند، در این صورت، به نظر می رسد که این پزشکان جوان پس از ده سال در همان شهر باقی بمانند، زیرا در آنجا شهرت پیدا کرده اند و مشتری کافی دارند و به علاوه، فرزندانشان نیز به آن محیط خو گرفته اند.

بدیهی است که ساخت بیمارستان در کنار این طرح، می تواند جریان کوچ بیماران به کلانشهرها را نیز کم کند.

•خرید بدون واسطه محصولات کشاورزی و انتقال آن به شهرها نیز می تواند انگیزه ای برای باقی ماندن کشاورزان در روستاها باشد. بارها دیده شده است که کامیون های سازمان تعاون شهر و روستا، محصولاتی همچون قند وشکر و روغن و غیره را به روستاها می برند و خالی برمی گردند، در حالی که محصول کشاورزان روی زمین مانده تا واسطه ای بیاید و آن را با قیمتی نازل بخرد و به چندین برابر قیمت در شهرها بفروشد!

جابجایی مرکز یک کشور، نیاز به سرمایه گذاری هایی هنگفت دارد و پروژه ای زمان بر است. به عنوان نمونه، در کشوری مثل ایران، ساخت یک ایستگاه قطار سال ها طول می کشد، چه رسد به ساختن یک کلانشهر!

• دادن انواع امکانات دیگر نظیر یارانه نیز می تواند به این امر کمک نماید. لازم به ذکر است که مثلاً در امریکا به کشاورزان یارانه تولید و ضمانت خرید به قیمت مناسب می دهند تا کار کشاورزی خود را ادامه دهند و علاوه بر تامین اهداف استراتژیک کشور، به شهرها رو نیاورند.

در آرزوی ایران بدون فساد

توقع مقام معظم رهبری از مسوولان: تصمیمات قاطع و عملی و بدون هرگونه ملاحظه

در اواسط آذرماه گذشته، همایش مهمی در تهران برگزار شد با نام "همایش ارتقای سلامت اداری و مقابله با فساد". گرچه در این همایش تنها چند صد نفر شامل روسای قوای سه گانه و برخی از مسوولان کشوری حضور فیزیکی داشتند، ولی بدون تردید چشم و دل میلیون ها نفر ایرانی متوجه این همایش بود و همگی در این آرزو بودند که دستاورد این همایش پرشکوه، سرزمینی باشد پاک و عاری از فساد و تباهی، میهنی که بتوان با ایمنی در آن زیست و به آن افتخار کرد. در راستای همین خواسته عمومی هم بود که مقام معظم رهبری در پیامی خطاب به مسوولان این همایش، به صراحت فرمودند: «نفس اهتمام آقایان به امر مبارزه با فساد را تحسین می کنم، لکن این سمینار و امثال آن بناست چه معجزه ای بکند؟ مگر وضعیت برای شما مسوولان سه قوه روشن نیست؟ با توجه به شرایط مناسب و امیدبخشی که از لحاظ همدلی و هماهنگی و همفکری بین مسوولان امر وجود دارد، چرا اقدام قاطع و اساسی انجام نمی گیرد که نتیجه را همه به طور ملموس مشاهده کنند؟ توقع من از آقایان محترم این است که چه با سمینار و چه بدون آن، تصمیمات قاطع و عملی بدون هرگونه ملاحظه ای بگیرند و اجرا کنند. موفق باشید.» معنی و مفهوم این پیام رهبری و آن خواسته همگانی ملت کاملاً روشن است: حرف زدن کافیست، دیگر وقت عمل است.

رییس جمهور: می ترسم به مرزی برسیم که قبح فساد اقتصادی شکسته شود

دکتر حسن روحانی، رییس جمهوری که یک ونیم سال پیش با یک دنیا تدبیر و امید زمام دولت ایران را به دست گرفته است، اولین مقامی بود که باید به این پیام ها پاسخ می داد. او طبق گزارش های منتشرشده و به طور خاص گزارش مورخ ۱۸ آذر ۱۳۹۳ شهروند، نخستین کسی بود که پشت تریبون قرار گرفت و ضمن ابراز نگرانی از وضع موجود، گفت: «می ترسم به مرزی برسیم که قبح فساد اقتصادی شکسته شود.» وی در ادامه با اشاره به فساد گسترده در رژیم پهلوی گفت: «موضوع فساد از دیدگاه مردم به اینگونه است که یا مسوولان میدانند و در برابر فساد نمی ایستند،

دکتر حسن روحانی: چه فاسدبودن نظام و چه ناکارآمدبودن نظام که یکی از این دو مورد قضاوت مردم است، به معنای آن است که ما به یکی از مهمترین اهداف انقلاب دست نیافته ایم.

پس خود آلوده اند، پس کل نظام و انقلاب زیر سوال است، یا آنکه نمی دانند و یا اگر می دانند، در مبارزه ناتوانند، پس دولت اسلامی، دولتی ناکارآمد است.» وی افزود: «چه فاسدبودن نظام و چه ناکارآمدبودن نظام که یکی از این دو مورد قضاوت مردم است، به معنای آن است که ما به یکی از مهمترین اهداف انقلاب دست نیافته ایم.»

انحصار، فسادآفرین است

دکتر روحانی در ادامه سخنان خود به انحصارطلبی در برخی از بخش های اقتصادی کشور اشاره کرد و گفت: «انحصار خود عامل فساد است؛ باید با انحصارها مبارزه کنیم و هر چیزی مدیریتش انحصاری باشد، مشکل آفرین است.» وی همچنین بر لزوم ایجاد فضای رقابتی و ازبین بردن تجمیع قدرت تأکید کرد و گفت: «باید تجمیع قدرت را از بین ببریم. با تجمیع قدرت در یک نهاد، فساد درست می شود؛ اگر تفنگ، پول، قدرت، روزنامه، سایت و تبلیغات در یک جا جمع شد، حتماً فساد است؛ دنیا عقلش رسیده که قدرت ها را تفکیک کرده است.» رییس جمهوری در همین راستا تصریح کرد: «حتی شاهدیم در کنار رهبری نیز مجلسی درست شده تا بتواند در شرایطی، روی صفات این مقام هم نظارت کند و این هم در زمان امام(س) و حضور ایشان به امضا رسید و این اصول درست شد... تمامی اینها هم به این خاطر است که هر قدرتی که رویش نظارت نباشد، مشکل پیش می آید. نظارت بر هر موردی و هر جنبه ای را باید درست کنیم تا فساد ایجاد نشود.»

رییس جمهور یکی دیگر از راه های مقابله با فساد را گسترش دولت الکترونیک دانست و گفت: «ما باید دولت الکترونیک را گسترش دهیم و مردم نیاز به مراجعه نداشته باشند و همه مکاتبات از طریق الکترونیکی انجام پذیرد و این بعد نظارتی را بهتر و قوی تر خواهد کرد و فساد کاهش می یابد.»

وی در ادامه گفت: «قدیم می گفتند زیر میزی، ولی الآن می گویند روی میزی! اگر زیر میزی شد روی میزی، چه باید کرد؟ آیا ما باید در برابر فساد عقب نشینی کنیم یا بگوییم نمی توانیم؟ باید

بدانیم این به معنای زیرپاگذاشتن امر به معروف و نهی از منکر است و به معنی ازدست دادن نظام و انقلاب است.» وی اضافه کرد: «شاید این تعبیر تندی باشد، اما بدانید ادامه فساد، گسترش آن و تعمیق فساد، به معنی درخطر افتادن نظام و انقلاب است.» رییس قوه مجریه تصریح کرد: «مردم نوکر اسم نظام نیستند، مردم نوکر اسلام، جمهوریت و آرای عمومی هستند. مردم می خواهند هم اسلام و هم جمهوریت اجرا شود.»

دکتر روحانی سپس با انتقاد از رویکرد برخی رسانه ها در تهمت زدن های ناحق و برخی سوءاستفاده ها تحت عنوان خیریه، گفت: «دستگاه اجرایی و مسوولان به تنهایی نمی توانند و باید تمام سندیکاها، انجمن ها، احزاب، گروه ها و همه نقش خود را ایفا کنند. تمام سازمان های مردم نهادی که این امر به آنها مربوط می شود و همه روزنامه ها و سایت ها و صدا و سیما به صحنه بیایند. بدون رسانه و بدون مبارزه عمومی و بدون حضور جامعه مدنی و حضور مردم، ما نمی توانیم به مقصد برسیم.» وی در پایان سخنان خویش به بحث اصلاح مقررات و شفاف سازی نیز پرداخت و در این زمینه گفت: «مجلس شورای اسلامی هم باید قوانینش شفاف و مانع باشد و هم نظارت آن و از همه مهمتر، قوه قضاییه است که پایان راه است و باید بتواند به طور دقیق، سالم و عادلانه به موضوعات رسیدگی کند و اگر خدای ناکرده فساد به قوه قضاییه برسد، باید گفت: وای به وقتی که بگندد نمک!»

رییس قوه قضاییه: باید مبادی فساد را بست

رییس قوه قضاییه دیگر سخنران "همایش ارتقای سلامت اداری و مقابله با فساد" بود. آیتالله آملی لاریجانی اراده جدی و عزم جزم مسوولان، بستن مبادی و مناشی فساد و عدم تسامح در نظارت و برخورد با مفسدان را سه رکن اساسی مبارزه با فساد عنوان کرد و گفت: «من یک نگاهی را در مسوولان ملاحظه می کنم که نامش را می گذارم نگاه پسینی، یعنی یک فسادی در سازمانی رخ می دهد و مسوولانش بعد از گذشت زمانی، می گویند: حالا قوه قضائیه بیاید و برخورد کند! این نگاه درست نیست و ما باید مبادی فساد را ببندیم.» رییس قوه قضاییه سپس تسامح در نظارت ها و برخوردها را یکی دیگر از علل بوجودآمدن فساد اداری دانست و گفت: «گاهی در نظارت ها و برخوردها کوتاهی می شود و اگر در برخورد با مفسد تسامح کردیم، فساد هیچ وقت ریشه کن نمی شود.» آیتالله آملی لاریجانی در ادامه با تأکید بر اینکه در بحث مبارزه با فساد هیچ عطوفتی نسبت به افراد متخلف نداریم، گفت: «قبول داریم که خانواده هایشان لطمه می خورند، اما اگر مسأله فساد را در ترازو بگذاریم، می بینیم با اقدام این افراد، سلب اعتماد عمومی و حاکمیت را به دنبال داریم. بنابر این، بهتر است به دنبال کسب اعتماد باشیم.»

رییس مجلس: معنای اینکه بنیاد شهید دامداری و بانک داشته باشد، چیست؟

رییس مجلس شورای اسلامی نیز ضمن انتقاد نسبت به وجود انحصارات و روند واگذاری ها گفت: «ممکن است انحصارات از شکلی به شکل دیگر درآمده باشد که در این باره موارد زیادی وجود دارد که نشان می دهد اجرای سیاست های کلی اصل ٤٤ ناقص بوده است. به عنوان مثال، پالایشگاه به وزارت دفاع داده شود، یا بنیاد شهید بانک یا دامداری داشته باشد، یا بسیاری از بانک ها، شرکت های بزرگی داشته باشند، چه معنایی دارد؟» وی افزود: «یکی از مسایل مهم برای مبارزه با فساد، رونق اقتصادی و رشد تولید است. ما نمی توانیم رونق اقتصادی در بنگاه های اقتصادی ایجاد کنیم، در حالیکه بانک ها خودشان شرکت هایی داشته باشند که اولویت را به آنها بدهند و حال تولید را درک نکنند.»

دکتر علی لاریجانی: به طور قطع، باید بپذیریم که در موضوع پیشگیری بسیار عقب هستیم.

وی در پایان سخنان خود تأکید کرد: «به طور قطع، باید بپذیریم که در موضوع پیشگیری بسیار عقب هستیم.»

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی: فساد یقه سفیدها، به مراتب پیچیده تر است

دکتر علی ربیعی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی نیز با تأکید بر اینکه فساد با کاهش رفاه رابطه تنگاتنگ دارد، در خصوص انواع فساد گفت: «فساد می تواند در یقه آبی ها (حقوق بگیران) و یقه سفیدها (عوامل در قدرت) مشاهده شود. در یقه آبی ها این نوع فساد کمتر است، اما فساد در میان یقه سفیدها به دلیل آنکه به مبادی قدرت اتصال دارند، به مراتب پیچیده تر است که این نوع فساد کار دولت ها را مشکل تر می کند».

وی در ادامه اظهار داشت: «فساد فرآیند است و مبارزه با آن نیاز به زمان طولانی دارد و افرادی که با "بگم بگم های سیاسی" می خواهند در ظاهر با فساد مبارزه کنند، نمایشی بیش

نیست، زیرا این گروه فساد را عمیق تر می کنند و هیچ گاه اسامی مفسدان از جیب آنها بیرون نمی آید.» وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی افزود: «مبارزه با فساد باید به شکل ساختاری صورت گیرد، ساختارها باید درست تنظیم و مزایده ها و مناقصه ها برای اجرای طرح های بزرگ روشن و شفاف برگزار شوند.»

وزیر نفت: زنجانی ۷۰۰۰ میلیارد تومان پول کشور را خورد

مهندس بیژن نامدار زنگنه دیگر سخنران "همایش ملی ارتقای سلامت اداری و مبارزه با فساد" به یکی از مصادیق بارز فساد اشاره کرد و با بیان این که از سال ۱۳٦٤ تا ۱۳۸۹ حتی یک مورد محموله نفتی نبوده که فروخته شود و پولش به کشور برنگردد، اظهار کرد: «وقوع کاری که بابک زنجانی انجام داد، از نوادر روزگار بود و اساس آن هم دورزدن قوانین و تصمیم های فردی است.»

وزیر نفت سپس به ایجاد ستاد مبارزه با مفاسد در وزارت نفت و تأکید بر شفافیت در معاملات تأکید کرد و در ادامه با اشاره به اقدامات وزارت نفت در زمینه معاملات و خرید کالا و خدمات گفت: «اولین بحث در این زمینه چگونگی عقد قرارداداست، به طوری که تا جایی که رقابت باشد، فساد کم می شود. بنابراین، ما اصل را بر شفافیت مناقصه ها گذاشته ایم، یعنی روزی که پاکت ها باز می شود، همه شرکت کنندگان حضور داشته باشند و ضوابط ارزیابی ها مشخص باشد.»

چند نکته از قول صاحبنظران

*دکتر حسین راغفر، اقتصاددان: «نکته مهم در مقابله با فساد، برخورد دولتی با این پدیده نیست، بلکه باید کاری کرد که یک جریان عمومی شکل بگیرد که مردم حضور داشته باشند. مبارزه با فساد،

با حضور مردم معنادار و موجب بازگشت اعتماد به جامعه و فعالان اقتصادی شود... در کشورهایی که فساد کمتری دارند، حتی با اعلام یک روزنامه یا یک خبرنگار، مقام دولتی بلافاصله مورد مواخذه قرار می گیرد و صحت و سقم ادعای آن رسانه مورد رسیدگی قرار می گیرد، اما در کشور ما حتی صحبت مقامات رسمی، آنهم به مبلغ ۲۲ میلیارد دلار، با سکوت مواجه می شود. مبارزه با فساد فقط بازداشت یک کلاهبردار نیست، بلکه ریشه کن کردن رفتارهایی است که هزینه های داد و ستد مالی را افزایش می دهد، اما تا زمانی که پروژه های بزرگ اقتصادی بدون مناقصه واگذار می شوند و مقامات دولتی شرکت های شبه خصوصی تشکیل می دهند، این روند ادامه خواهد داشت.» (آرمان امروز – ۲۳ آذر ۹۳)

* ابراهیم اصغرزاده، دانشجوی خط امام و فعال سیاسی: «متأسفانه مسأله فساد اقتصادی در ایران مانند یک بیماری مهلک، تمام سلول های جامعه را درگیر خود کرده است و ما به جای اینکه عنوان کنیم "فساد اقتصادی" باید از "اقتصاد

باید تجمیع قدرت را از بین ببریم، با تجمیع قدرت در یک نهاد، فساد درست می شود.

فساد" نام ببریم. البته یک سری از فسادها نوعی تخلف و فرار از مقررات است که قبحش ریخته و ریشه در رفتار و فرهنگ عمومی دارد، مثلاً فرار مالیاتی یا الزام قانونی به پرداخت حقوق گمرکی یا فی المثل داشتن ماهواره و استفاده از فیلترشکن که امری است غیرقانونی، اما از آن استفاده می کنند. به نظر من، اینها فساد نیست... مهم آن نوع فساد است که از تبانی با قدرت سیاسی پدید می آید و فرصت توسعه و نوسازی را از کشور می گیرد. وقتی عده ای نورچشمی توانستند بین قدرت سیاسی و منابع مالی و پولی پیوند برقرار کنند و با عبور از قوانین و مقررات، قانون را در مسیر خود و برای جاه طلبی های خود تفسیر کرده و بخشی از کیک بزرگ منابع و ثروت ملی را به نفع خود مصادره کنند، این نوع از فساد رخ می دهد. بیماری خویشاوندسالاری و مال خودسازی، مربوط به حوزه فساد سیاسی می شود که به نظرم خطرناک است.»

(http://armandaily.ir/?News_Id=100704)

*دکتر محمود جامساز، اقتصاددان: «به اعتبار علم و تجربه، رژیم های اقتصادی غیرشفاف در کشورهای مختلف، فساد را در بطن خود پرورانده اند. عدم شفافیت اقتصادی و مالی، زمینه را برای ظهور و گسترش فسادهای اقتصادی فراهم می کند. کشورهایی که با تغییر نظام اقتصادی از اقتصاد دولتی به سمت اقتصاد رقابتی روی آورده اند، بر اساس شواهد از فساد کمتری برخوردار هستند، زیرا در این کشورها، شفافیت جایگزین فساد شده است، آن هم به این دلیل که نهادهای مدنی پرقدرت و رسانه های آزاد اجازه رشد فساد را نمی دهند... دولت آقای روحانی وظیفه بسیار سنگینی را برای ریشه کنی فساد از طریق مسدودکردن راه های ورود فساد بر عهده دارد که این مهم مستلزم تغییرات در نظام اداری

واقتصادی است.»(آرمان امروز– ۲۳ آذر ۹۳)

* آیت‌الله سیداحمد خاتمی، خطیب جمعه تهران: «از جمله عوامل فساد، عزل و نصب های باندی و جناحی است. وقتی باندی را بر سر کار آوردی، یک نفر از آن باند اگر به فساد افتاد، رفویش می کنند. بنابراین، تا وقتی که عزل و نصب جناحی وجود داشته باشد، با کمال تأسف باید بگویم که فسادها هم ادامه دارد. البته این حرف تعریض به کسی نیست، بلکه این موضوع آسیبی است که ۳۷ سال است ما شاهد آن هستیم، ولی دوای این درد، شایسته سالاری و تقوامحوری است، نه جناح محوری، باندمحوری و اقوام محوری.»(نماز جمعه ۲۱آذر ۹۳)

* دکتر صادق زیباکلام، استاد علوم سیاسی: «بنده واقعاً اعتقاد دارم که مسوولین همواره خواهان مبارزه با فساد بوده اند، اما سوال اساسی آن است که پس چرا علی رغم این همه اصرار و تکرار در مبارزه با فساد ظرف ۶۰ سال گذشته، ما شاهد رشد قارچ گونه آن در جامعه مان هستیم؟ چرا به رغم این همه مبارزه با فساد اقتصادی، وجود این همه ارگان، نهاد، دستگاه و سازمان به منظور کنترل، نظارت و بازرسی، به جای کاهش فساد اقتصادی، این پدیده منظماً رو به افزایش بوده است؟ آیا کشورهای دیگر هم به اندازه ما دستگاه های نظارتی دارند؟ پس چرا میزان فساد اقتصادی آنها به این میزان نیست؟ آیا در آب، هوا و خاک ایران عناصری هستند که باعث گرایش ما ایرانیان به فساد اقتصادی می شوند؟ آیا در ژن ما ایرانی ها چیزی کم یا اضافه است که این همه در مملکت ما فساد اقتصادی رواج دارد؟... تفاوت ایران با کشورهای دیگر، نه در آب و هوایش است و نه سرشت و فرهنگ یا نژاد ایرانیان با دیگران متفاوت است، تنها تفاوت ما با کشورهای دیگر در اقتصادمان است. اقتصاد کشورهای دیگر که یک صدم ایران فساد ندارند، اقتصاد بازار آزاد است، در حالی که اقتصاد ما دولتی است و همه چیز در اختیار دولت است... ما در ایران بخش خصوصی داریم، اما حتی برای نفس کشیدن شان هم چندین سازمان دولتی هستند که می بایستی مجوزهای لازم را صادر

نمایند! ما بانک خصوصی داریم، اما حتی ساعات باز و بسته شدن آنها هم توسط دولت تعیین می شود! ناکارآمدی، تولید گران، کیفیت پایین و غیرقابل رقابت بودن در عرصه بین المللی، تنها شاخصه های اقتصاد دولتی ایران نیستند، فساد و رانت خواری ابعاد دیگر اقتصاد دولتی ایران را تشکیل می دهند... ما هم– جناب آقای روحانی– چاره ای نداریم الا اینکه سخنان زیبا و بازی کردن با الفاظ ... را کنار بگذاریم و بپذیریم که در طی این ۳۶ سال، بسیاری از کشورهای دیگر که هیچیک از امکانات ما را نداشتند، توانستند از مدار "کشورهای درحال توسعه" خارج شده و بدل به اقتصادهای موفق صنعتی شوند. کره، مالزی، ترکیه، هند، چین، برزیل، آرژانتین، تایوان و ... موفقیت اقتصاد آزاد را به نمایش گذارده اند،

ادامه فساد، گسترش آن و تعمیق فساد، به معنی درخطرافتادن نظام و انقلاب است.

در حالی که ما همچنان پس از ۶۰سال سرگرم "مبارزه با فساد" و درگیر و اسیر اقتصاد درمانده دولتی مان هستیم.» (آرمان امروز– ۲۳ آذر ۹۳)

* دکتر فریدون مجلسی، کارشناس مسایل سیاسی: «فسادازبی قانونی و تبعیض آغاز می شود که موجب کسب منافع نامتناسب و نامشروع برای کسانی می شود که واجد آن شرایط قانونی نبوده اند ... فساد از خویشاوندسالاری و به کارگماردن همسر و فرزند و همشهری با حقوق های دولتی و در کارهای نامتناسب و پیش هنگام آغاز میشود. فساد از ریاست دادن غیرضابطه مند به نزدیکان از راه نرسیده صرفاً به اعتبار فامیلی آغاز می شود. فساد از اشتباه گرفتن بیت المال با کیسه خلیفه و راه اندازی دسته های صدنفره و بیشتر شامل اشخاص نامربوط در سفرهای بین المللی آغاز می شود... فساد با مصون بودن و مصون ماندن مجرمان و مرتکبان ادامه می یابد و این مصونیت است که مردم را در برابر برخی ادعاها سخت باور کرده است ... تا وقتی این حقوق احصاء نشود و روزنامه ها نتوانند به عنوان وکیل تسخیری مردم این مفاسد را با رعایت اصل بیطرفی بنویسند و مسوولان را آگاه کنند و قانون گریز را نگران سازند تا از آن مفاسد جلوگیری شود، تا زمانی که مجرمان و قانون گریزان فکر کنند در پناه عدم شفافیت می توانند به انباشت مال نامشروع دست بزنند، تا وقتی که مظاهر نمایشی اینگونه ثروت اندوزی های نامشروع نوکیسه ها با تاخیر برملا شود... مبارزه با فساد اقتصادی در پیچ وخم ها گرفتار می شود و فرصت را برای دیگر مفسدان فراهم می کند. باید این پیچ وخم ها را شناخت تا مسیر مبارزه با فاسدان اقتصادی سریع تر هموار شود و دست آنها از بیت المال کوتاه شود.» (آرمان امروز– ۲۳ آذر ۹۳)

گلگشت

ریشهٔ چند اصطلاح

در شمارهٔ قبل، از ریشه و سابقهٔ چند اصطلاح رایج در زبان فارسی آگاه شدید و اکنون چند مورد دیگر از همین دست:

* فَکَسَنی: این کلمه از واژهٔ روسی Fkussni به معنای بامزه گرفته شده و به کنایه و واژگونه به معنای بیخود و مزخرف به کار برده شده است.

* شِر و وِر: این اصطلاح از واژهٔ فرانسوی Charivari به معنی همهمه، هیاهو و سروصدا گرفته شده است.

* چُسان فِسان: این اصطلاح از واژهٔ روسی Cossani Fossani به معنی آرایش شده و شیک پوش گرفته شده است.

* نُخاله: این اصطلاح یادگار حضور قزاق های روسی در ایران است. آنها به زبان روسی، به آدم بی ادب و گستاخ می گفتند Nakhal و مردم ایران هم از این کلمه برای اشاره به چیزهای اسقاط و به دردنخور استفاده کرده اند.

* آکبَند: آیا می دانستید که کلمه آکبند نه کلمه ای لاتین است و نه فارسی؟ بله، داستان پیدایش این کلمه و معنای عُرفی امروزی آن، به این ترتیب است که قدیم ها که بندر آبادان بزرگترین بندر ایران بود و کُلی

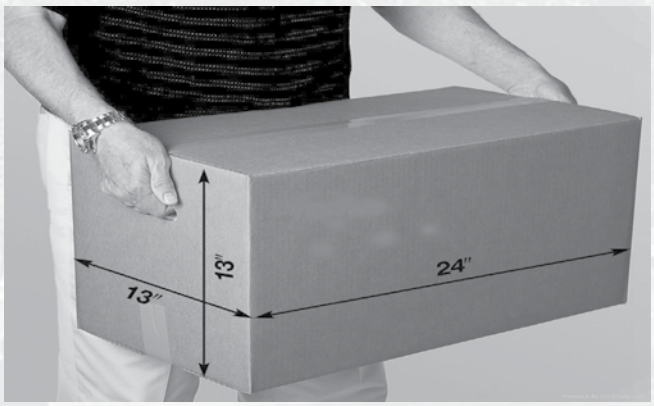

کشتی های تجاری در آنجا تخلیه و بارگیری می کردند، روی بعضی از اجناس وارداتی که خیلی مرغوب هم بودند، نوشته شده بود U.K. BAND، یعنی بسته بندی شده در انگلیس، ولی آبادانی های عزیز این عبارت را "آکبند" می خواندند و همین طوری شد که این تلفظ اشتباه در تمام ایران منتشر شد و در حال حاضر، همه ایرانیان به جنسی که بسته بندی شده و دست نخورده است، می گویند: آکبند!

چند نکته در بارهٔ حیوانی که نجابتش معروف است

شاید یکی از اولین حیوانات وحشی که رام انسان شد و به صورت های گوناگون در خدمت بشر درآمد، اسب باشد. این حیوان نجیب و دوست داشتنی، اگر نازک اندام و تیزتک باشد، از آن برای سوارکاری و مسابقه استفاده می شود؛ اگر ستبر و قوی هیکل باشد، برای کارزار و جنگاوری مناسب است؛ آنهایی که تیزتک نیستند، ولی رهوار و خوش هیکل اند، به ارابه و کالسکه های تشریفاتی بسته می شوند، و از ناسازترین و بی اندام ترین آنها در نقش یابو هم برای باربری استفاده می شود. جالب آنکه لاشه این حیوان نجیب هم به صورت های مختلف مورد استفاده انسان قرار می گیرد.

اسب ها را عموماً برمبنای رنگ بدنشان نامگذاری می کنند، مانند کَهَر، کِرند، اَشهَب، اَبلق و... اگر خوانندگان عزیزی که در این مورد اطلاعاتی دارند، این اسامی را با ذکر مشخصات اسب ها برای دفتر فصلنامه توسعه مرحمت فرمایند، جایزه ای تقدیم حضورشان خواهد شد.

طنز روزگار ما

برتولت برشت، نمایشنامه‌نویس، کارگردان تآتر و شاعر آلمانی معتقد است: سرقت بانک، در قیاس با تأسیس آن چیزی نیست.

دریاچه ها و تالاب های ایران

اطلاعات یقینی و موثق ما در بارهٔ تاریخ سیاسی و اقتصادی جهان عمری بیش از دو- سه هزار سال ندارد و اطلاعات دربارهٔ تاریخ طبیعی و چگونگی حوادث طبیعی و تغییرات آب و هوایی و اکولوژی زمینی که بر روی آن زندگی می کنیم، از این هم کمتر است. به عنوان مثال، چندی پیش در رسانه ها منعکس شده بود که صحرای خشک و لم یزرع واقع در شمال افریقا و جنوب الجزیره در گذشته های دور جنگل بوده است. نمونه دیگر از این دست، اطلاعاتی است که از طریق سفرنامه ناصرخسرو به دست می آید. در بخشی از این سفرنامه آمده است که وی در سفری به خانه خدا، از مرو تا مکه را در سایه درختان راه پیموده است. همچنین در شرح حال شیخ زاهد گیلانی، مرشد شیخ صفی الدین اردبیلی، آمده است که شیخ صفی الدین برای ملاقات مرشد خود، با قایق از آستارا به شیخانه (در شرق لاهیجان) می آمده است، یعنی محلی که اکنون نزدیک به سی کیلومتر با دریا فاصله دارد و آرامگاه شیخ زاهد است.

واقعاً ایران ما که اکنون در منطقه نیمه خشک کره زمین قرار دارد و کم آبی و خشک سالی دغدغه همگانی مان است، در گذشته ای نه چندان دور از نظر اوضاع طبیعی در چه شکل و شمایلی بوده است؟ جالب آنکه در همین روز و روزگار حدود سی دریاچه و تالاب در ایران عزیز ما وجود دارند که برای بسیاری از افراد بظاهر درس خوانده هم ناشناخته اند. اینک با تقدیم جدول ناقصی از اسامی این دریاچه ها و تالاب ها، یادآوری می کنیم که نام دریاچه های تشکیل شده در پشت سدها که اغلب شان از بسیاری از این تالاب ها و دریاچه ها بزرگ تر و پرحجم ترند، دراین جدول ها نیامده است.

برخی از دریاچه های ایران

ردیف	نام دریاچه	محل قرارگیری
۱	خزر	شمال ایران
۲	ارومیه	بین آذربایجان شرقی و غربی
۳	مارمیشو	غرب ارومیه
۴	شورابیل	اردبیل
۵	نئور	اردبیل
۶	قالغانلو	اردبیل
۷	پریشان	فارس
۸	مهارلو	فارس
۹	بختگان	فارس
۱۰	نمک	فارس
۱۱	شورمست	مازندران
۱۲	وَلَشت	مازندران
۱3	گَهَر بزرگ و کوچک	لرستان
۱۴	کیُو	لرستان
۱۵	تار	دماوند
۱۶	اِوان	الموت
۱۷	زریوار	کردستان
۱۸	هامون	سیستان
۱۹	میانشه (چورت)	ساری
۲۰	بزنگان	سرخس
۲۱	سیاه گاو	ایلام
۲۲	نمک (حوض سلطان)	قم
۲۳	لیپار	چابهار

برخی از تالاب های ایران

ردیف	نام تالاب	محل قرارگیری
۱	شادگان	خوزستان
۲	انزلی	گیلان
۳	شاله گل	گیلان (لنگرود)
۴	گندمان	چهارمحال بختیاری
۵	گاوخونی	اصفهان
۶	زردآبه	لرستان
۷	ساهون	دماوند
۸	میقان	اراک
۹	قوری گل	تبریز
۱۰	آلاگل	گنبد کاووس
۱۱	کبوترلانه	کنگاور
۱۲	چغاخور	بروجن
۱۳	سراب نیلوفر	کرمانشاه
۱۴	سراب قنبر	کرمانشاه

دو پیش بینی در باره اقتصاد ایران

بانک جهانی در گزارش دورنمای اقتصاد جهان، رشد تولید ناخالص داخلی ایران (بر اساس قیمت بازار) را در سال مالی ۲۰۱۵ به میزان ۰/۹ درصد پیش بینی کرد. در این گزارش، پایه تخمین دورنمای رشد اقتصادی برای جمهوری اسلامی ایران، کاهش جزیی تحریم ها، همسو با گام هایی است که قرار است در این مسیر برداشته شود.

گزارش بانک جهانی افزوده است: به دنبال کاهش شدید قیمت های نفت در ۲۰۱٤ پیش بینی می شود که قیمت های نفت در سال ۲۰۱۵ در حد متعادلی باشد، اما در میان مدت به طور نسبی افزایش یابد. در مقابل اوضاع مالی استحکام می یابد و تقاضای داخلی را حمایت می کند.

بانک جهانی در این گزارش رشد تولید ناخالص داخلی ایران را در سال های مالی ۲۰۱٦ و ۲۰۱۷ به ترتیب یک درصد و ۲/۲ درصد تخمین زده است.

بانک جهانی همچنین در گزارش دورنمای اقتصادی کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال افریقا در سال ۲۰۱۵ پیش بینی کرده است که کشور جیبوتی دارای بالاترین رشد تولید ناخالص داخلی به میزان ۵/۵ درصد، پس از آن کشور عمان با پنج درصد و در رده سوم هم کشور مراکش با ٤/٦ درصد باشد. شایان ذکر است که بانک جهانی پایینترین رشد تولید ناخالص داخلی این منطقه برای سال ۲۰۱۵ را برای کشورهای عراق و ایران به میزان ۰/۹درصد برآورد کرده است.

بانک جهانی در چکیده گزارش دورنمای اقتصادی جهان همچنین پیش بینی کرده است که رشد منطقه ای خاورمیانه و شمال آفریقا از ۱/۲ درصد در سال ۲۰۱٤ بتدریج به ۳/۵ درصد در سال ۲۰۱۷ افزایش یابد.

از طرف دیگر، صندوق بین المللی پول با کاهش پیش بینی خود از رشد اقتصاد ایران در سال ۲۰۱۵ به ۰/٦ درصد، از افزایش ۲۰میلیارد دلاری تولید ناخالص داخلی و رسیدن ذخایر ارزی ایران به رکورد ۱۲٦میلیارد دلار در سال ۲۰۱٤ خبر داده است.

صندوق بین المللی پول در نخستین گزارش خود از اقتصاد خاورمیانه و شمال آفریقا که در سال ۲۰۱۵ منتشر شده، آمار مربوط به شاخص های کلان اقتصاد ایران در سال ۲۰۱٤ و پیش بینی از اقتصاد ایران در سال ۲۰۱۵ را ارایه کرده است. این نهاد بین المللی که پیشتر رشد اقتصادی ۵/۱ درصدی را برای اقتصاد ایران در سال ۲۰۱٤ پیش بینی کرده بود، اعلام کرده است که اقتصاد ایران در این سال رشد سه درصدی را تجربه کرده است.

این گزارش رشد بخش نفتی اقتصاد ایران در سال ۲۰۱٤ را ۳/۷درصد و رشد بخش غیرنفتی را ۵/۲درصد برآورد کرده است. همچنین پیش بینی شده است که بخش نفتی اقتصاد ایران در سال ۲۰۱۵ دوباره وارد رکود شود و رشد منفی ۷/۲ درصدی را تجربه کند و رشد بخش غیرنفتی هم به یک درصد کاهش یابد.

مدیرعامل شرکت ملی مهندسی و ساختمان نفت:

آمادگی ایران برای اجرای پروژه های پالایشی در عراق و ترکمنستان

مدیرعامل شرکت ملی مهندسی و ساختمان نفت گفت: ایران آمادگی و توانایی لازم برای اجرای پروژه‌های پالایشی در کشورهایی همانند عراق و ترکمنستان را دارد.

به گزارش خبرنگار اقتصادی ایرنا، میرعلی اصغر ساجدی در تشریح عملکرد این شرکت، اظهارداشت: قرارگاه خاتم الانبیا موفق به تامین منابع مالی پروژه احداث خط لوله سبزآب به ری نشد و اکنون پیمانکار جدیدی برای اجرای این پروژه انتخاب شده و روند اجرای این پروژه به زودی آغاز می شود. وی سپس با بیان اینکه اکنون تعدادی از طرح های پالایشی در دست اقدام قرار دارند، گفت: تکمیل واحدهای پالایشگاه شازند اراک، بهینه سازی و بهبود کیفیت فرآورده های پالایشگاه تهران، افزایش تولید بنزین پالایشگاه بندرعباس، توسعه و بهینه سازی پالایشگاه اصفهان، از جمله طرح های دردست اجرا محسوب می شوند.

مدیرعامل شرکت ملی مهندسی و ساختمان نفت، در ادامه سخنان خود، از طرح افزایش تولید شش میلیون لیتر بنزین به ظرفیت پالایشگاه بندرعباس یاد کرد و گفت: قرار است ۶۰ درصد از نفت کوره پالایشگاه اصفهان هم به بنزین مرغوب تبدیل شود و اجرای این طرح حدود دو میلیارد یورو هزینه دارد. این مقام مسوول افزود: توسعه و تثبیت ظرفیت پالایشگاه آبادان نیز توسط شرکت مهندسی و ساختمان نفت انجام می شود و براساس آن، واحدهای قدیمی این پالایشگاه جمعآوری شده و واحدهای جدید مطابق با استانداردهای روز دنیا و با قابلیت تولید فرآورده های یورو ۵ احداث می شوند.

ساجدی درخصوص وضعیت احداث پالایشگاه آناهیتا (کرمانشاه) نیز گفت: پس از تامین منابع مالی، ساخت این پالایشگاه شروع می شود و منتظر تامین فاینانس این پروژه هستیم.

وی سپس با بیان اینکه ۲۰ طرح در نوبت گشایش خط اعتباری چین قرار دارند، افزود: طرح تثبیت ظرفیت پالایشگاه آبادان نیز باید از محل فاینانس چین تامین شود که تاکنون نهایی نشده است، اما اقدامات اولیه آغاز شده و پس از رفع مشکلات مالی، کار شروع خواهد شد.

دستور زنگنه برای بازنگری در لیست سیاه نفت

وزیر نفت دستور داده و این دستور به شرکت های وابسته و زیرمجموعه نفت ابلاغ شده است که بیایند و لیست ممنوع المعامله هایشان را ارایه دهند تا معاونت مهندسی وزارت نفت این لیست ها را بررسی کند.

سیدعماد حسینی، معاون وزیر نفت در امور مهندسی، در گفتگو با تسنیم اظهار داشت: همواره بلک لیست ها و ممنوع المعامله ها در وزارت نفت بودهاند که بیشتر به دلیل عدم ایجاد وندورلیست و عدم تمرکز در تصمیم گیری ها بوده است.

وی افزود: نمی گویم ایجاد بلک لیست ها و ممنوع المعامله کردن شرکت ها سلیقه ای بوده، بلکه ممکن است درج نام شرکتی در لیست شرکت هایی که ممنوع المعامله هستند، به صورت واقعی و مبتنی بر دلایل فنی بوده باشد، اما نکته ای که وجود دارد، این است که در شرکت های زیرمجموعه وزارت نفت، همواره شرکت هایی بوده اند که در لیست ممنوع المعامله ها یا به عبارتی، در بلک لیست قرار داشته اند و این لیست پس از سال ها مورد بازنگری قرار نگرفته است.

آمارهای سیاه

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی از شناسایی ۱۲میلیون فقیر در کشور خبر داد. پیش از این، علی ربیعی تعداد فقرای شناسایی شده برای حمایت غذایی را هفت میلیون نفر اعلام کرده بود. این عضو کابینه همچنین تعداد افراد متمول جامعه را حدود شش میلیون نفر اعلام کرده و با این حساب، بخش عمده جامعه ما جزو طبقه متوسط محسوب می شوند.

برآورد جدید وزارت تعاون،کار و رفاه اجتماعی نشان می دهد که تعداد فقرای شناسایی شده کشور ۱۲میلیون نفر هستند، این در حالی است که طی شش سال گذشته، شاخص خط فقر در کشور به طور رسمی اعلام نشده است. شایان ذکر است که حداقل درآمد مورد نیاز برای بهره برداری از حداقل نیازهای خانواده را خط فقر می گویند. پیش از این، وزارت رفاه این شاخص را اعلام می کرد و مرکز آمار هم مطالعاتی را در این زمینه انجام می داد، اما در حال حاضر، هیچیک از دستگاه های دولتی مزبور اهتمامی برای اعلام خطر فقر ندارند. اما کارشناسان اقتصادی و محققان رفاه اجتماعی بیکار ننشسته اند و محاسبات خودشان را برای بخش های مختلف کشور انجام داده اند و برآوردی هم از خط فقر را اعلام کرده اند. در این رابطه دکتر حسین راغفر، عضو هیأت علمی دانشگاه الزهرا، بیشترین خط فقر برای یک خانواده پنج نفری در شهر تهران را ماهانه دو میلیون و ۵۰۰ هزار تومان و حداقل خط فقر در یک روستا برای خانواده پنج نفری را یک میلیون تومان دانسته است. همشهری به نقل از این شخصیت علمی اعلام کرده است: «طبق اطلاعات جمعیتی سال ۱۳۹۰، حدود ٤٠درصد جمعیت ایران زیر خط فقر قرار دارند.»

از سوی دیگر، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفته است: «معتقدم که مهمترین فقر بعد از فقر درآمدی، فقر سلامت است.» گرچه فقر خوراکی، فقر آموزشی، فقر احساس امنیت نسبت به آینده و فقر مسکن نیز از مهمترین فقرهایی هستند که جوامع را تهدید می کنند.

بلاتکلیفی "مسوولیت" در ساخت و ساز

معاون وزیر راه و شهرسازی کشورمان با تاکید بر اینکه نظام مسوولیتی در کشور بلاتکلیف است، گفت: ما باید این نظام مسوولیتی را مشخص کنیم تا سازنده وظیفه خود را بداند و آگاه باشد که در چه حیطه ای مورد سوال قرار خواهد گرفت.

به گزارش ایسنا، حامد مظاهریان اظهار کرد: رعایت قوانین، جزو جدایی ناپذیر فعالیت سازندگان است. این در حالی است که رعایت استانداردها در ایران به صورت حداقلی است.

مظاهریان سپس با تأکید بر اینکه سازنده باید از جنبه فنی و مهندسی تخصص لازم را داشته باشد، به انتقاد از دخالت افراد شاغل در مشاغل دیگر در صنعت ساختمان پرداخت و در این رابطه گفت: ما با حرفه ای سروکار داریم که در آن همه افراد قادرند اظهارنظر کنند و هرچند در مشاغل دیگر افراد تا این حد امکان دخالت ندارند، ولی در بخش ساختمان، به تعداد انسان ها این حق را برای خود قایل می شوند. معاون وزیر راه و شهرسازی ادامه داد: به لحاظ قرابتی که مردم با ساختمان دارند و در آن زندگی می کنند، هر کسی به خود حق می دهد که سازنده خانه خود باشد و ما باید از جنبه فنی و مهندسی وضعیت ساخت وسازها را سنجش کنیم.

مظاهریان در ادامه با بیان اینکه سازندگان باید ضمن رعایت اصول حرفه ای و مهندسی، پیامدهای اجتماعی اقدامات خود را نیز بر عهده بگیرند، تصریح کرد: مسوولیت ما مهندسان بسیار فراتر از این است که پشت میز کارمان بنشینیم، بلکه پیامدهای اجتماعی نیز جزیی از مسوولیت های ماست. وی با اشاره به اینکه ساخت هرگونه پروژه عمرانی، اعم از بندر، ساختمان، راه و... علاوه بر استانداردهای فنی، پیامدهای اجتماعی به دنبال دارد، گفت: آیا ما به این پیامدها توجه می کنیم؟ در نمونه های جهانی می بینیم که وقتی سرمایه گذاری کلانی در منطقه ای صورت می گیرد، سازندگان خود را در رفع محرومیت های آن منطقه شریک می دانند، در حالی که این موضوع در قراردادشان وجود ندارد.

آسیاب های آبی دزفول، قدیمی ترین سازه های آبی جهان

رییس اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری دزفول گفت: آسیاب های آبی دزفول که با یک هزار و ۷۰۰ سال قدمت، به عنوان قدیمی ترین سازه های آبی جهان شناخته شده اند، تا اواخر قرن ۱۹ میلادی همچنان مورد استفاده قرار می گرفتند. غلامعلی باغبان کوچک در گفت و گو با ایرنا افزود: با اقدام های انجام شده، بخشی از آسیاب های آبی دزفول واقع در بستر رودخانه دز در این شهر به موزه آب تبدیل شده و مورد توجه گردشگران قرار گرفته است.

وی در ادامه بیان کرد: نخستین آسیاب آبی دزفول در دوره ساسانی بنا شده و استفاده از آنها برای آردکردن گندم در دوران قاجاریه و پهلوی نیز استمرار داشت و اقتصاد این شهر را رونق بخشیده بود. باغبان، تعداد این آسیاب ها را بین ۵۰ تا ٦۰ حلقه اعلام کرد و افزود: تعدادی از این آسیاب ها زیر پل قدیم، تعدادی زیر پل جدید و بقیه در محدوده "علی کله" شهر دزفول واقع شده اند، اما به دلیل طغیان رودخانه و قرارگرفتن در مسیر جاده ساحلی، تعدادی از آنها تخریب شده، به گونه ای که اکنون تنها حدود ۲۰ حلقه از این آسیاب ها باقی مانده است.

شایان ذکر است که نخستین آسیاب آبی دزفول، همزمان با ساخت پل باستانی این شهر، یعنی حدود یک هزار و ۷۰۰ سال پیش در دوران ساسانی ساخته شد. بسیاری از این آسیاب ها تا اوایل دوره پهلوی دوم فعال بودند

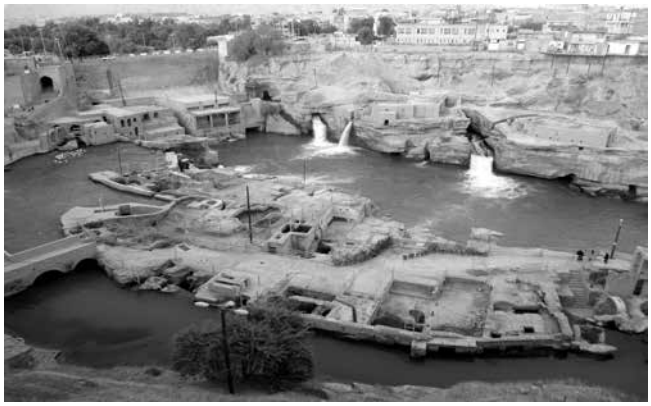

و نیاز مردم برای تامین آرد را برطرف می کردند، اما با ساخت کارخانه آرد، این آسیاب ها جایگاه نخستین خود را از دست دادند.

قرارگیری موزه آب دزفول (مجموعه آسیاب ها) در بستر رودخانه دز و در نزدیکی جاده ساحلی و پارک ساحلی رعنا و پل قدیم دزفول، این مجموعه را به یکی از جاذبه های گردشگری این شهر تبدیل کرده است. گفتنی است که شهر دزفول در شمال خوزستان، حدود ۲۵۰ هکتار بافت قدیم دارد که در برگیرنده بناهای ارزشمند آجری با معماری زیبا و منحصر به فرد است.

رییس سازمان نظام مهندسی ساختمان خبر داد:
ایجاد سه نمایندگی نظام مهندسی در کشورهای همسایه

رییس سازمان نظام مهندسی ساختمان گفت: ایجاد سه نمایندگی نظام مهندسی در کشورهای همسایه، توسط سازمان های نظام مهندسی ایلام، کردستان و قزوین از اقدامات این سازمان برای صدور خدمات فنی و مهندسی است.

مهندس اکبر ترکان در حاشیه سفر به خراسان شمالی به خبرنگار فارس در بجنورد اظهار داشت: تا کنون دو دفتر سازمان نظام مهندسی ایلام و کردستان در عراق ایجاد شده و ایجاد دفتر نمایندگی سازمان نظام مهندسی قزوین در یکی از کشورهای همسایه در دستور کار قرار دارد. وی وضعیت استان های خراسان شمالی و رضوی را برای ایجاد دفتر نمایندگی در ترکمنستان مثبت ارزیابی کرد.

رییس سازمان نظام مهندسی ساختمان در ادامه سخنان خود تاکید کرد که باید از توان مهندسان برای اجرای برنامه های داخل و خارج از کشور به نحو ممکن استفاده شود. این مسوول سپس با یادآوری اینکه مجموع ساخت وسازها در کشور معادل ۱۲۰ میلیون مترمربع است که برای این میزان بنا ۱٤۸ هزار مهندس لازم است، گفت: هم اکنون ۳۰۸هزار مهندس داریم و این نشان می دهد که توان مهندسی کشورمان زیاد شده است. به گفته ترکان، یکی از مهمترین راهکارها در این عرصه نیز صادرات خدمات فنی و مهندسی است که باید انجام شود.

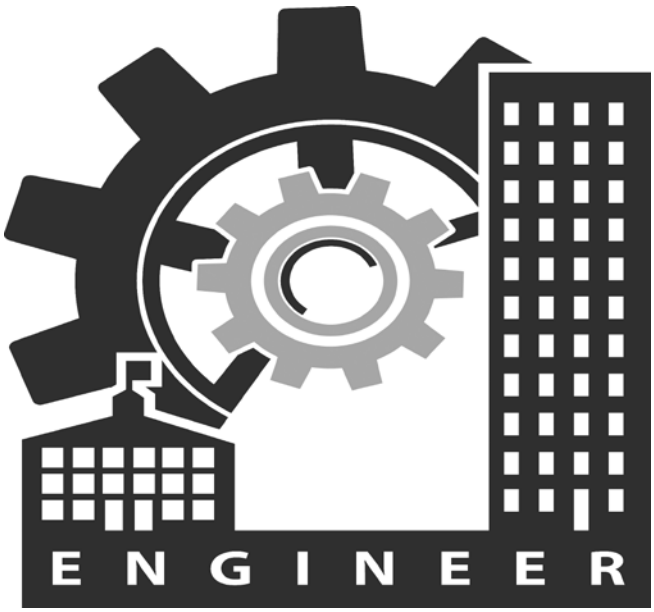

وی گفت: همچنین از سوی دیگر، دانشگاه ها کادرسازی می کنند و در آینده شمار زیادی مهندس از دانشگاه ها فارغ التحصیل می شوند و لازم است که برای استفاده از توان آنان نیز برنامه ریزی شود.

اولین مناقصه بزرگ گازی ایران/ فراخوان احداث واحدهای مینی LNG

به گزارش خبرگزاری مهر، مدیر گازرسانی شرکت ملی گاز ایران، از اعلام و انتشار آگهی فراخوان دعوت از سرمایه گذاران و علاقمندان به منظور احداث واحدهای LNG مقیاس کوچک و متوسط خبر داد. مهندس ناصر ابراهیمی با اعلام این خبر تصریح کرد: به منظور توسعه کاربرد LNG در کشور، تنوع بخشی به روش های عرضه و صادرات گاز و بالابردن پایداری شبکه، به ویژه در روزهای سرد سال، بر اساس این فراخوان، شرکت ملی گاز ایران از علاقمندان احداث واحدهای LNG مقیاس کوچک و متوسط دعوت به سرمایه گذاری می کند.

ابراهیمی افزود: بر این اساس، شرکت ملی گاز تعهد می نماید که در هشت ماه ابتدایی سال (از ابتدای فروردین تا انتهای آبان ماه) گاز طبیعی مورد نیاز واحدهای LNG مقیاس کوچک و متوسط را در نقطه مورد توافق تأمین کند و در اختیار قرار دهد.

وی سپس با اشاره به اینکه شرکت های متقاضی باید دارای تجربه در امر تولید صنعتی بوده و نیز توانایی کافی برای تأمین آورده نقدی برای احداث واحدهای LNG مقیاس کوچک و متوسط متناسب با ظرفیت درخواستی را به تشخیص شرکت ملی گاز ایران دارا باشند، یادآوری کرد: تعیین ظرفیت واحد به عهده سرمایه گذار است، ولی نقطه احداث واحد باید با تأیید شرکت ملی گاز ایران تعیین شود. همچنین هزینه احداث خط لوله اختصاصی انتقال گاز نیز با سرمایه گذار خواهد بود.

مدیر گازرسانی با بیان اینکه میزان ظرفیت ذخیره سازی LNG در هر واحد بستگی به نظر خود سرمایه گذار دارد، افزود: هر تولیدکننده (سرمایه گذار) مکلف است دست کم نیمی از LNG تولیدی خود را از طریق بورس انرژی به فروش برساند.

وی در ادامه با بیان اینکه تولیدکنندگان و خریداران LNG مجاز خواهند بود LNG تولیدی و یا خریداری شده را صادر نمایند، یادآور شد: هر مقدار LNG که متناسب با نیاز شبکه مورد نیاز شرکت گاز باشد، بر اساس توافق این شرکت با تولیدکنندگان LNG از نظر مقدار و زمانبندی تحویل، به قیمت معادل متوسط وزنی قیمت معاملاتی ۳۰ روز پی در پی در بورس انرژی توسط شرکت ملی گاز ایران خریداری خواهد شد.

مدیر گازرسانی همچنین اظهار داشت: در صورتی که هر یک از سرمایه گذاران به اقداماتی مبادرت نمایند که منجر به ترویج مصرف LNG در سامانه های حمل ونقل بین شهری، ریلی و شناورها شود، متناسباً از تسهیلات بند "ق" قانون بودجه سال ۱۳۹۳ نیز برخوردار خواهند شد.

ماده جدید برای تولید انرژی خورشیدی ارزان تر

محققان انگلیسی با استفاده از یک ماده معدنی، روش جدیدی را برای تولید انرژی فتوولتاییک با هزینه کمتر ابداع کرده اند.

به گزارش سرویس فناوری ایسنا، روش های تجاری متداول برای تولید انرژی فتوولتاییک (PV) مانند استفاده از فناوری های مبتنی بر سیلیکون یا فیلم های نازک، در مقایسه با روش های مبتنی بر خلأ، بسیار هزینه بر هستند. اما محققان دانشگاه اکستر موفق به یافتن روش جدیدی شده اند که علاوه بر افزایش بهره وری

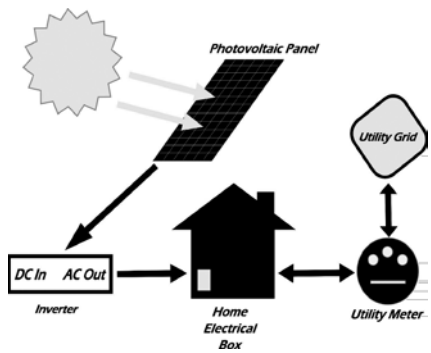

تولید انرژی از نور خورشید، به کاهش هزینه ها نیز کمک می کند. روش جدید شامل استفاده از ماده معدنی پروسکایت (perovskite) است. عملکرد این ماده معدنی در برزیل، آمریکا، اسپانیا، چین، انگلیس و عربستان مورد آزمایش قرار گرفته و نتایج حاکی از آن است که بهره وری این ماده در تبدیل نور خورشید به انرژی فتوولتاییک بالاتر است.

لازم به ذکر است که نتایج این دستاورد در مجله Solar Energy Materials and Solar Cells منتشر شده است.

دانشمندان، تخم مرغ آب پز را دوباره به تخم مرغ خام تبدیل کردند!

تیمی از دانشمندان آمریکایی و استرالیایی، مدعی شده اند که با استفاده از اوره و نوعی همزن مخصوص، موفق شده اند تخم مرغ آب پز را دوباره به تخم مرغ خام تبدیل کنند!

به گزارش سرویس علمی ایسنا به نقل از بی بی سی، آنها معتقدند که این شیوه، در کاهش چشمگیر هزینه های تولید در صنایع، از جمله در صنعت پنیر و نیز در درمان بیماری های مختلف و تحقیقات سرطان نقش مهمی خواهد داشت.

گریگوری ویس، پروفسور شیمی و زیست شناسی مولکولی در دانشگاه کالیفرنیا، در این مورد می گوید: «ما موفق شدیم تخم مرغ آب پز را به تخم مرغ خام برگردانیم. ما در مقاله مان توضیح داده ایم که چگونه رشته های درهم پیچیده پروتیین را از هم باز می کنیم و به آنها امکان می دهیم تا از نو تا بخورند.»

لازم به ذکر است که پروتیین درواقع، رشته ای اسید آمینه است و برای اینکه پروتیین کارکرد خاص خود را پیدا کند و فعال باشد، رشته اسید آمینه باید بشکلی خاص و سه بعدی تا بخورد. پروتیین ممکن است بد تا بخورد یا به مرور زمان و بر اثر عواملی مثل مواد شیمیایی یا هسته ای، جهش ژنتیکی یا پیری، تاخوردگی نامناسب پیدا کند. در این حالت، پروتیین غیرفعال شده و کارایی خود را از دست میدهد و حتی ممکن است سمی و باعث بیماری شود، مثلاً آلزایمر به علت بد تا خوردن پروتیین در بافت های عصبی ایجاد می شود.

دکتر ویس در ادامه می گوید: «ما در خیلی از موارد وقت بسیار زیادی را برای جداکردن پروتیین های چسبناک از دیواره لوله آزمایش صرف کردیم و دنبال راهی بودیم که به نحوی آنها را بازیابی کنیم.»

جزییات این گزارش نشان می دهد که محققان برای انجام این کار، ابتدا با استفاده از اوره، سفیدهٔ جامد و پخته شدهٔ تخم مرغ را تبدیل به مایع کردند، اما هنوز رشته های پروتیین به نحوی نامطلوب درهم پیچیده بودند. برای رفع این مشکل، دانشمندان با یک همزن مخصوص که جریان گردابی ایجاد می کرد، به تدریج رشته های پروتیین را از هم باز و به آرامی جدا کردند تا اینکه دوباره در ساختاری مناسب تا بخورند. این کار مثل این است که تای پیراهنی را که بد تا شده باز کنیم، آن را اتو کنیم و چین و چروک های ناخواسته را از بین ببریم و بعد دوباره آن را تاکنیم. به گفته پروفسور ویس، بازیافت پروتیین کاری گرانقیمت است و حدود چهار روز طول می کشد، چون درواقع، باید عملی مثل دیالیز، البته در سطح مولکولی، انجام شود، اما روش جدید در عرض چند دقیقه به نتیجه می رسد.

البته تخم مرغ پخته ای که به این روش به تخم مرغ خام تبدیل می شود، ممکن است چندان اشتهابرانگیز نباشد. به علاوه، هنوز روشن نیست که آیا چنین تخم مرغی اصلاً قابل خوردن هست یا نه؟ با این حال، محققان می گویند این شیوه، می تواند تحقیقات و صنایع تولید پروتیین را متحول کند. برای مثال، صنایع دارویی برای تولید پادتن سرطان از سلول تخمدان همستر (نوعی جونده) استفاده می کنند که بسیار گران تمام می شود، اما با استفاده از این روش، می توان از مخمر یا باکتری ایکولای استفاده کرد و پادتن ضدسرطان را بسیار ارزانتر و سریع تر به دست آورد.

۶۰درصد اقتصاد ایران مالیات نمی دهد!

وزیر امور اقتصادی و دارایی و یکی از معاونانش که رییس سازمان امور مالیاتی است، تأکید کردند که ۴۰درصد از تولید ناخالص داخلی ایران از پرداخت مالیات معاف است. به گزارش همشهری، افزون بر این، میزان فرار مالیاتی در ایران هم ۲۰درصد تولید ناخالص داخلی برآورد می شود. با این حساب ۶۰درصد اقتصاد ایران مالیات نمی دهد.

علی عسکری، رییس سازمان امور مالیاتی کشور، چندی پیش در جمع خبرنگاران درخصوص موضوع فرار مالیاتی فاش کرد: حدود ۲۰ تا ۲۵درصد از تولید ناخالص داخلی در حوزه خاکستری و سیاه قرار دارد که مشمول فرار مالیاتی می شود. وی در ادامه اظهار داشت: حدود ۴۰درصد از تولید ناخالص داخلی هم مشمول معافیت های دایمی است و در نتیجه، بار تکفل درآمدهای مالیاتی اقتصاد روی ۴۰درصد ظرفیت هاست.

معاون وزیر اقتصاد در پاسخ به این سؤال که چطور می توان شفافیت را در اقتصاد داشت، اما به موضوع ثروتمندان و حساب های بانکی آنها ورود نکرد؟ گفت: شفافیت فقط در حساب های مالی این افراد نیست و ابعاد مختلفی دارد که با عوامل مختلفی در اقتصاد مرتبط است. اکنون بسیاری از مؤدیان سال هاست که از مراجع قانونی مجوز گرفته اند و تا امروز اظهارنامه مالیاتی ندادهاند که شامل پزشکان، برخی اصناف، وکلا و مهندسان می شوند.

وزیر امور اقتصادی و دارایی نیز با انتقاد از معافیت مالیاتی بخش قابل توجهی از اقتصاد که براساس برآوردها ۴۳درصد کل تولید ناخالص داخلی است، از برنامه جدی دولت برای تغییرات اساسی در این حوزه خبرداد. به گزارش همشهری، دکتر علی طیب نیا، در پیامی به همایش سیاست های مالی و مالیاتی ایران، تأکید کرد: پایینبودن نقش مالیات در اقتصاد کشور، نسبت پایین مالیات به تولید ناخالص داخلی، سهم اندک مالیات در تأمین مالی هزینه های جاری دولت و نسبت پایین مالیات به درآمدهای عمومی دولت، جملگی از کمرنگبودن جایگاه مالیات در اقتصاد کشور حکایت دارند. وی سپس با اشاره به اینکه توسعه نظام مالیاتی به یک عزم ملی و تلاش همه جانبه تمام ارکان نظام اقتصادی کشور وابسته است، گفت: تردیدی وجود ندارد که توسعه نظام مالیاتی با تکیه بر روش های سنتی امکان پذیر نیست.

همکاری ایران و آلمان در زمینه انرژی های تجدیدپذیر

معاون رییس جمهوری و رییس سازمان حفاظت محیط زیست کشورمان در دیدار با نایب رییس مجلس آلمان، بر لزوم همکاری در زمینه بهره وری انرژی های تجدیدپذیر تاکید کرد.

به گزارش ایرنا از پایگاه اطلاع رسانی سازمان حفاظت محیط زیست، معصومه ابتکار در دیدار با "کلاودیا روت" نایب رییس مجلس آلمان، گفت: انرژی های خورشیدی و بادی، از جمله انرژی هایی هستند که در ایران وجود دارند و امیدواریم که در این زمینه بتوانیم با آلمان همکاری داشته باشیم. وی سپس ضمن ابراز خرسندی از ملاقات با این مقام و هیات همراه، به روابط خیلی طولانی بین ایران و آلمان اشاره کرد و خواستار همکاری متقابل در زمینه موضوعات زیست محیطی بین دو کشور شد. وی در این زمینه به امضای تفاهم نامه همکاری زیست محیطی بین ایران و آلمان در سال ۱۹۹۲ اشاره کرد و گفت: بعد از امضای این تفاهم نامه، همکاری های مختلفی با کشور آلمان داشته ایم.

ابتکار در ادامه سخنان خود با بیان اینکه با چالش های زیست محیطی زیادی روبرو هستیم که از جمله مهمترین آنها تغییرات آب و هوا است، گفت: مدیریت گرمایش جهانی، یکی از معضلاتی است که امروزه دنیا با آن روبرو است که گرم شدن زمین و به دنبال آن، تغییرات اقلیم را درپی خواهد داشت. رییس سازمان حفاظت محیط زیست در پایان سخنان خود با تاکید بر نقش کشور آلمان در مذاکرات در زمینه تغییرات آب و هوا گفت: همکاری مشترک بین کشورها در زمینه تغییرات آب و هوا از اهمیت زیادی برخوردار است و باید توجه ویژه‌ای به آن شود.

در ادامه این دیدار، نایب رییس مجلس آلمان با بیان اینکه ما علاقمند به همکاری با ایران هستیم، گفت: مردم در ایران در سال های اخیر نسبت به محیط زیست کشورشان مسوولیت پذیر شده اند و ما از این بابت خوشحالیم. وی سپس با اعلام آمادگی برای همکاری های مشترک در زمینه توریسم گفت: می توانید از تجربیات وزارت کشاورزی کشور آلمان برای حفاظت از پارک های ملی استفاده کنید. نایب رییس مجلس آلمان تصریح کرد: آلمان آمادگی دارد در زمینه صنعت اکوتوریسم، دانش و تجربیات خود را در اختیار ایران قرار دهد. وی افزود: صنعت توریسم دارای منفعت اقتصادی است، ولی البته می تواند گاهی اوقات نگرانی هایی را هم ایجاد کند.

گزارش جدید دولت از بیکاری فارغ التحصیلان:

وضعیت نگران کننده است

معاون اول رییس جمهور می گوید: اشتغال زایی در ۱۰سال گذشته صفر بوده و این مسأله باعث شده است که وضعیت بیکاری فارغ التحصیلان نگران کننده شود. برای خروج از این وضعیت هم باید سالانه ۸۰۰ هزار تا یک میلیون شغل ایجاد کنیم.

به گزارش خبرنگار مهر، آخرین گزارش مرکز آمار ایران نشان می دهد که تعداد بیکاران مطلق کشور دو میلیون و ۵۰۰ هزارنفر و تعداد افرادی که در معرض بیکاری قرار دارند، یک میلیون و ۸۰۰ هزارنفر است. همچنین بیشترین تعداد بیکاران مربوط به گروه سنی زیر ۳۰ سال می شود و طبق اعلام مقامات دولتی، حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزارنفر از کل بیکاران کشور را فارغ التحصیلان دانشگاهی تشکیل می دهند. به علاوه، نرخ بیکاری جوانان دو برابر نرخ عمومی کشور و بیکاری زنان متقاضی شغل کشور نیز تا ۴۰ درصد است. از اینرو، بیکاری و تقاضا برای شغل، به عنوان یکی از مهمترین خواسته ها و نیازهای خانوارهای ایرانی شناخته می شود، موضوعی که دولت تدبیر و امید در دوره فعالیت یک ونیم ساله خود قادر به حل آن نبوده است.

متأسفانه طی دوران های گذشته، دولت ها از موضوع بیکاری و تقاضاهای شغل در کشور به عنوان یک سوژه تبلیغاتی استفاده کرده اند و بیشتر از اینکه در زمینه کاهش بیکاری اقدامات موثری را انجام داده باشند، در باره آن سخن گفته اند و وعده داده اند. بنابراین، بیکاری در طول دو دهه گذشته، به یک مسأله جدی و دغدغه برای خانواده ها تبدیل شد و با ناتوانی دولت ها در حل کامل آن، امروز کشور با انباشت تقاضا برای کار مواجه است و فارغ التحصیلان دانشگاهی نیز برای ورود به بازار کار با دشواری ها و مسایل فراوانی روبرو هستند.

مسوولان وزارت کار می گویند در صورتی که کشور بخواهد از بیکاری خارج شود و به نیازهای شغلی جوانان پاسخ مناسبی بدهیم، سالانه بین ۸۰۰هزار تا یک میلیون شغل باید ایجاد شود، اما مقامات دولت تدبیر و امید معتقدند که در ۱۰ سال گذشته، تقریباً هیچ شغل موثری به اقتصاد کشور اضافه نشده است. تنها در دو دولت سابق، آمارهای فراوانی از ایجاد سالانه دو میلیون و ۵۰۰ هزار شغل جدید در کشور ارایه شد، اما کارشناسان اقتصادی و بازار کار معتقدند در شرایطی که کشور دچار رکود شدید بوده و نرخ رشد اقتصادی منفی بوده است، چگونه دولت می توانسته میلیون ها فرصت شغلی ایجاد کند؟

تولید برق با استفاده از گازهای مشعل

معاون سرمایه گذاری و تامین منابع مالی شرکت ملی نفت ایران، جزییات برگزاری مزایده عمومی برای فروش گازهای مشعل را تشریح کرد.

به گزارش خبرنگار شانا، علی کاردر، در این باره اظهار کرد: به دلیل این که برنامه های تولید NGL گران و زمانبر است، لذا تصمیم گرفته شد که تا سال ۹۸ گازهای در حال سوختن مشعل ها را برای فروش در اختیار بخش خصوصی قرار دهیم. وی افزود: همسو با این هدف، گاز در حال سوختن در همه مشعل های موجود در تأسیسات نفتی خشکی و فلات قاره، به همراه گاز مشعل های پارس جنوبی، در قالب مزایده به فروش خواهد رسید و همزمان با آن، ساخت واحدهای تولید مایعات گازی (NGL) را نیز پیگیری و اجرا می کنیم.

وی در ادامه با بیان این که در این مزایده، نرخ پایه تعیین شده و از ابتدا مقادیر و مشخصات و کلیه جزییات قراردادی و قیمتی را به متقاضیان اعلام کرده ایم، اظهار کرد: طبق پیش بینی ما، بیشترین شکل سرمایه گذاری در

این طرح، خرید گاز با هدف تبدیل به برق خواهد بود، زیرا تولید واحدهای کوچک NGL و GTL گران تر خواهد بود.

خرج قوت لایموت

«هزینه خوراک یک خانواده چهار نفره در سال ۹۳ به طور متوسط ۷۳/۰۸ درصد از درآمد امسال یک کارگر حداقل بگیر را از آن خود میکند و کارگران باید با ۲۶/۹۲ درصد باقیمانده از درآمدشان از پس هزینه های مسکن، تحصیل، بهداشت، پوشاک و... خود و خانواده شان برآیند.»

به گزارش خبرنگار ایلنا که مبتنی بر تحلیل جداول آماری مرکز آمار ایران است، هزینه خوراک یک خانواده چهار نفره در طول سال ۹۳ در استان های البرز، خراسان رضوی، قم و هرمزگان کمی کمتر از هشت میلیون تومان محاسبه می شود که به ترتیب ٥٥/٤، ٥٨/١٧، ٥٤/٢٨ و ٥٥/٠٩ درصد از درآمد سالانه یک کارگر حداقل بگیر را می بلعد. به عبارت دیگر، اگر کارگری در سال ۹۳ در یکی از این چهار استان زندگی کند، برای آنکه خود و خانواده اش همانند عامه مردم آن استان تغذیه کنند، باید بالغ بر هشت میلیون تومان هزینه کند، اما ماجرا وقتی قابل تأمل می شود که بدانیم این چهار استان در صف اول ارزان ترین استان های ایران از لحاظ هزینه های مربوط به غذا قرار دارند.

بر اساس این گزارش، هزینه خوراک یک خانواده چهار نفره در سال ۹۳ در استان های ایلام، چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد بیش از ۱۳ میلیون تومان است که به ترتیب ۹۹/۹۱، ١٠٤/٩٤ و ١٠٥/٠٣ درصد از درآمد امسال یک کارگر حداقل بگیر را به خود اختصاص می دهد.

تحلیل ارقام ارایه شده توسط مرکز آمار بیانگر این واقعیت است که به عنوان نمونه، کارگران استان ایلام، برای آنکه همانند عامه مردم این استان غذا بخورند تا دچار سوءتغذیه نشوند، باید تمام درآمد خود را خرج کنند و کارگران استان های چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد هم نه تنها باید تمام درآمدشان را هزینه کنند، بلکه پس از روزانه هشت ساعت کار یدی برای دریافت پایه حقوق، باید به سراغ شغل دیگری بروند، یا از نیروی کار کودکان خویش برای جبران کسری سبد هزینه خوراک خانوار (اولین نیاز انسانی) بهره بگیرند.

ناگفته نماند که نسبت هزینه خوراک یک خانواده چهار نفره در سال ۹۳ به کل درآمد امسال یک کارگر حداقل بگیر در سایر استان ها، حول و حوش رقم ۷۰ درصد میچرخد و تغذیه کافی در این استان ها هم بین هشت تا ۱۰ میلیون هزینه برمی دارد.

محاسبه فرسایش و آبشستگی سازه ها در اثر امواج، شبیه سازی شد

برنامه عددی شبیه سازی و محاسبه فرسایش موج شکن های مغروق در آب (زیر آب)، در پژوهشگاه ملی اقیانوس شناسی و علوم جوی تهیه شد.

فاطمه حاجی ولیبی، مجری طرح پژوهشی "مدل سازی دوفازه آب شستگی ناشی از امواج در اطراف موج شکن های قائم مغروق" در گفت و گو با خبرنگار علمی ایرنا در این باره گفت: آب شستگی، یکی از انواع فرسایش است که در پای سازه ها در آب اتفاق می افتد. عضو هیات علمی پژوهشگاه ملی اقیانوس شناسی و علوم جوی افزود: این روند فرسایش، به مرور موجب تخریب پایه سازه و به اصلاح آب شستگی می شود و در طولانی مدت، خسارات زیاد و گاه غیرقابل جبرانی را به سازه وارد می کند. وی اظهار کرد: ادامه روند آب شستگی، ممکن است در طولانی مدت موجب واژگونی سازه شود. از این رو، توجه به فرسایش در آب در زمان طراحی سازه با هدف استقامت بیشتر، از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

حاجی ولیبی در ادامه گفت: از این رو، طرح پژوهشی "مدل سازی دوفازه آب شستگی ناشی از امواج" در پژوهشگاه ملی اقیانوس شناسی تعریف و اجرا شد و بر اساس آن، برنامه عددی شبیه سازی و محاسبه فرسایش موج شکن های غرق شده به دست آمد. وی افزود: فرمول محاسبه سازه های زیر آب (مغروق) و روی آب متفاوت است و در این طرح پژوهشی، برنامه فرمول محاسبه برای سازه های زیر آب به دست آمد. بر این اساس، سازمان های مرتبط با سازه های

دریایی می توانند برای طراحی سازه ها در آب از آن استفاده کنند تا با استفاده از این شبیه سازی، فرسایش یا همان آب شستگی را تا حد امکان کاهش دهند.

این عضو هیات علمی پژوهشگاه ملی اقیانوس شناسی و علوم جوی در ادامه گفت: این شبیه سازی برای سازمان هایی مانند سازمان بنادر و دریانوردی، شیلات و شرکت های مرتبط با سازه های دریایی در مرحله طراحی سازه کاربرد دارد.

گفتنی است که در این طرح پژوهشی، دکتر عباس یگانه بختیاری، عضو هیات علمی دانشگاه علم و صنعت ایران نیز همکاری داشته است.

ساخت نانوکاتالیست کاراتر و ارزان برای سنتز ترکیبات آلی در کشور

پژوهشگران ایرانی، با استفاده از فناوری نانو، موفق به ساخت نانوکاتالیستی شده اند که کاربرد آن در سنتز ترکیبات آلی، لزوم استفاده از حلال های آلی را برطرف می کند. این نانوکاتالیست، از مواد ارزان قیمت تهیه شده و علاوه بر کارایی بالا، سرعت واکنش را افزایش می دهد.

به گزارش سرویس علمی ایسنا، دکتر سید محسن صادق زاده، دانش آموخته دانشگاه بیرجند و محقق طرح، اظهار کرد: مایعات یونی به دلیل خواص فیزیکی منحصر به فرد خود، از جمله فشار بخار ناچیز، هدایت یونی بالا و حلالیت عالی، به عنوان کاتالیست های همگن مناسبی شناخته می شوند. اما علی رغم تمامی مزایای این مواد، یک سری مشکلات در حین کارکردن با آنها وجود دارد. به عنوان مثال، با توجه به ویسکوزیته بالای مایعات یونی، اکثر آنها حالت عسلی دارند. به علاوه، میزان مایع یونی مصرفی در واکنش های آلی زیاد بوده و از لحاظ اقتصادی مقرون به صرفه نیست. از طرفی دیگر، بازیافت مایعات یونی زمانبر بوده و باعث هدررفتن مقداری از آن می شود. جداسازی آنها از محیط واکنش نیز آلودگی محیط

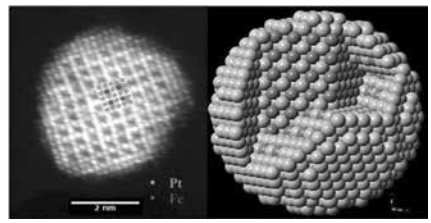

زیست را به دنبال دارد.

وی افزود: به منظور غلبه بر مشکلات ذکر شده، یک گروه تحقیقاتی، مایعات یونی را بر روی نانوذرات مغناطیسی تثبیت کرده اند. این روش، علاوه بر افزایش فعالیت و گزینش پذیری این مایعات در واکنش های آلی، باعث کاهش مقدار مصرف آنها نیز می شود. مایعات یونی تثبیت شده بر روی نانو ذرات مغناطیسی در واکنش های آلی به عنوان کاتالیست ناهمگن عمل می کنند. این کاتالیست پس از پایان واکنش، به راحتی توسط یک آهن ربا از محیط واکنش، خارج و بازیافت می شود.

صادق زاده سپس با اشاره به خواص ساختار تهیه شده، عنوان کرد: کاهش قیمت به دلیل سنتز این ترکیب از مواد ارزان قیمت، سادگی فرایند تولید تنها با استفاده از روش رسوب دهی و همچنین کاهش آلودگی به دلیل توانایی بالای این کاتالیست در تولید ترکیبات آلی در شرایط بدون حلال و دمای محیط، از فواید این دستاورد پژوهشی بشمار می روند. دانش آموخته دانشگاه بیرجند در ادامه تصریح کرد: کاهش هزینه به دلیل قابل بازیافت بودن کاتالیست و امکان استفاده مکرر از آن، میزان کم مورد نیاز برای انجام واکنش و افزایش سرعت واکنش به دلیل کارایی بالای آن، از دیگر مزیت های استفاده از این ترکیب خواهند بود.

لازم به ذکر است که نتایج این تحقیق که حاصل همکاری دکتر سیدمحسن صادق زاده، دانش آموخته دانشگاه بیرجند و مریم مالک زاده، کارشناس ارشد شیمی تجزیه است، در مجله Molecular Liquids به چاپ رسیده است.

تنظیم وزن با نور اتاق خواب

اگر به دنبال روشی آسان برای خلاصشدن از اضافه وزن خودتان هستید، سعی کنید تا جایی که امکان دارد، اتاق خوابتان را تاریک نگه دارید، چون نتایج مطالعات جدید نشان می دهند که خوابیدن در اتاقی با نور زیاد، خطر ابتلا به اضافه وزن را افزایش می دهد.

به گزارش ایران به نقل از مجله اپیدمیولوژی امریکا، محققان موسسه تحقیقات سرطان لندن در بررسی میزان روشنایی اتاق خواب زنان دچار اضافه وزن و چاقی، متوجه شدند که اتاق خواب آنها در طول شب به اندازه ای روشن بود که می توانستند براحتی سراسر اتاق را ببینند. در این تحقیق، از ۱۱۳ هزار زن خواسته شد تا میزان نور اتاق خواب خود را در شب گزارش کنند، مثلاً بگویند: نور به قدر کافی برای خواندن وجود دارد، یا اندازه نور برای دیدن فضای اتاق کافی است، اما نمی توان در آن چیزی خواند، یا اندازه نور به قدری است که می توانید دستتان را مقابل خود ببینید، اما فضای اتاق مشخص نیست، یا اینکه اتاق خواب به اندازه ای تاریک است که نمی توان نزدیک ترین وسیله را در آن مشاهده کرد. آنگاه پاسخ زنان شرکت کننده در این تحقیق بر پایه میزان چاقی آنان مقایسه شد و نتایج نشان داد که مقدار نور با میزان چاقی زنان ارتباط مستقیم دارد.

"آنتونی سویردور" از موسسه تحقیقاتی سرطان در این مورد می گوید: نور، ساعت بدن را مختل کرده و چرخه طبیعی خواب و بیداری را از تعادل خارج می کند. در چنین شرایطی، تولید ملاتونین یا هورمون خواب به تأخیر افتاده و باعث اضافه وزن میشود. اما هنوز شواهد کافی مبنی بر اینکه اگر اتاق خواب را کاملاً تاریک کنیم، به ازدستدادن وزن کمک می کند یا خیر، وجود ندارد.

قرن بیو فتونیک و برنامه های ستاد ملی سال جهانی نور

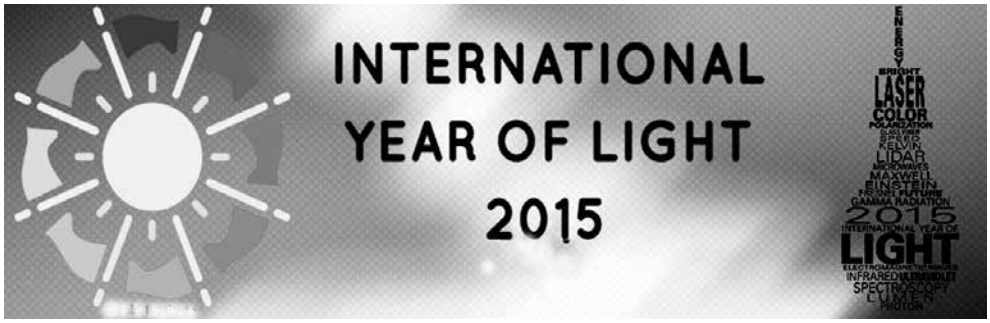

رییس ستاد ملی سال جهانی نور، اجرای آزمایش های نوری و انجام پروژه های مشترک در حوزه نور را از جمله برنامه های این ستاد ملی در سال جهانی نور اعلام کرد و گفت: به منظور اجرای برنامه های ملی، ستادهای اجرایی در ۳۱ استان کشور ایجاد شده اند.

به گزارش خبرنگار علمی خبرگزاری دانشجویان ایران، دکتر حبیب تجلی در نشستی با خبرنگاران، هدف از نامگذاری سال جهانی ۲۰۱۵ به عنوان "سال نور" را برجسته کردن اهمیت نور و تکنولوژیاپتیکی در زندگی و آینده ساکنان کره زمین ذکر کرد و افزود: نور در زندگی روزمره ما نقش حیاتی دارد و به عنوان یک علم فرارشته ای مطرح شده است، به گونه ای که قرن بیستم به نام قرن فتونیک و قرن بیست ویکم به عنوان قرن بیوفتونیک نام گذاری شده و سال جاری میلادی نیز سال نور معرفی شده است.

رییس ستاد ملی سال جهانی نور سپس با اشاره به برنامه های ستاد ملی سال جهانی نور یادآور شد: در این سال، علاوه بر برگزاری سمینارهای آموزشی در سطح دانش آموزان، دبیران و دانشجویان، اقدام به راه اندازی سایت مربوط به سال جهانی نور برای اطلاع رسانی در زمینه های مختلف اپتیک و معرفی حوزه های فعالیت علمی و فناوری اپتیک از قبیل انرژی، شهرسازی، دفاعی، کشاورزی و فناوری های نوظهور آینده راه اندازی شده است.

رییس ستاد ملی سال جهانی نور، برگزاری های نمایشگاه جهانی نور را از دیگر برنامه های این ستاد عنوان و خاطرنشان کرد: علاوه بر آن، در این سایت، اقدام به اعطای جوایزی به محققان جوان برای ارایه طرح های ابتکاری در به کارگیری نور در زندگی روزمره و فناوری های پیشرفته خواهیم کرد. وی همچنین خاطرنشان کرد: علاوه بر آن، به پیشکسوتان این حوزه جوایزی داده می شود و کتابی هم برای معرفی این پیشکسوتان منتشر خواهد شد.

عضو هیات علمی دانشگاه تبریز در پایان از انجام آزمایش های مربوط به حوزه نور در سال جهانی نور خبر داد و یادآور شد: این آزمایش ها در تمام سطوح دانش آموزی و دانشجویی، در حوزه های مرتبط با لیزر و کاربردهای آن انجام می شود. علاوه بر آن، سعی می شود که به طور مستمر در سال های بعدی نیز اجرای این آزمایش ها ادامه یابد.

لباس هوشمند ضد سرما در راه بازار

شرکت Hexoskin لباسی را طراحی کرده است که کاربر با پوشیدن آن، می تواند از سرمای قطب شمال در امان بماند.

به گزارش "ایران"، این لباس آستین بلند و یقه دار می تواند علاوه بر اندازه گیری میزان ضربان قلب، مسافت طی شده و میزان کالری سوزانده شده توسط کاربر، وزن وی و تغییرات نبض و ضربان قلب را نیز مشخص کند. سنسورهای این لباس، درون بافت پارچه جای گرفته اند و در هر دقیقه، حدود ۴۲هزار واحد اطلاعات را میتوانند ردیابی کنند. به همین دلیل، این لباس هوشمند یکی از پیشرفته ترین محصولات تناسب اندام در جهان محسوب می شود. اطلاعات این سنسورها از طریق یک وسیله کوچک ۴۰گرمی که به لباس متصل است، به گوشی هوشمند اندرویدی یا Ios

ارسال می شود و اپ هایی خاص، این اطلاعات بیومتریک را بلافاصله پردازش می کنند.

بنا به گزارش مزبور، برای تهیه این لباس ضد سرما، بر روی پوست و خز خرس قطبی مطالعاتی انجام شده و در نهایت، پارچه ای با ۵۷درصد پلی آمید، ۲۸ درصد پلی استر و ۱۵درصد الاستن ساخته شده است که در عین نگهداشتن گرما، مانع خروج عرق بدن نمی شود.

این لباس هوشمند تا پایان سال جاری میلادی با بهای ۱۹۹ دلار راهی بازار می شود.

رتبه سوم ایران از لحاظ بزرگی خانه ها

معاون مسکن و ساختمان وزیر راه و شهرسازی گفت: ایران، سومین کشور از نظر بزرگی مساحت منازل است.

به گزارش واحد مرکزی خبر، حامد مظاهریان در چهاردهمین همایش سیاست های توسعه مسکن در ایران، با بیان این که در سال های گذشته، میانگین مساحت واحدهای مسکونی کاهش یافته است، تاکید کرد: امکانات فرهنگی و اقتصادی باید بسیج شوند تا مردم در خانه هایشان احساس رضایت داشته باشند. مظاهریان افزود: طبق آمار مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی، حداقل مساحت مورد نیاز سکونت هر فرد ۱۷ مترمربع درج شده و میانگین واحدهای مسکونی در سال های اخیر از ۱۴۷مترمربع به ۱۱۰ مترمربع کاهش یافته است. با این حال، هنوز ایران، بعد از آمریکا و کانادا، سومین کشور از نظر بزرگی مساحت منازل است.

مظاهریان تأکید کرد: کوچک سازی خانه ها، به معنای کوچک سازی انسان ها نیست، بلکه خواسته های اعضای خانواده باید در جای دیگری سرمایه گذاری شود. وی سپس چالش های مسکن

در کشور را در چند محور تقسیم بندی کرد و افزود: کیفیت پایین خانه ها یکی از معضلات حوزه مسکن است. وی ناکارآمدی نظام تامین مسکن را نیز از دیگر معضلات حوزه مسکن دانست و گفت: در ۲۲سال گذشته، چهار دوره رکود و رونق در بازار مسکن داشتیم، سرمایه های کلان بانک ها صرف ساخت خانه های بدون متقاضی شده و از سوی دیگر، زمین به کالا تبدیل شده است که باید با سیاست های مالیاتی این اوضاع را بهبود ببخشیم.

وی افزود: طبق آمار در دهه ۷۰ به ازای هر ۱۰۹ خانوار ۱۰۰ خانه در ایران وجود داشت، اما بر اساس آمار سال ۹۳ به ازای هر ۱۰۵ خانوار ۱۰۰ خانه وجود دارد و البته بخشی از این کسری ها جبران شده، اما این آمار مربوط به حداقل هاست.

وی اسکان غیررسمی و بافت فرسوده را از دیگر معضلات حوزه مسکن در کشور دانست و گفت: ۷۷ هزار هکتار بافت فرسوده و ۵۶هزار هکتار محدوده سکونت گاه های غیررسمی در کشور وجود دارد که ۲۱ میلیون از جمعیت شهری را در خود جای داده است. همچنین نظام تولید صنعتی ساختمان همچنان در کشور ناکارآمد است، ضمن آنکه در ذهن سازندگان، تولید صنعتی مسکن به افزایش قیمت و زمان ساخت منجر می شود، در حالی که اینگونه نیست. وی در ادامه سخنان خود به ناکارآمدی سیاست های شهری و نادیده انگاشتن آنها در سیاست های مسکن اشاره کرد و افزود: شهرسازی و مسکن، جدا از یکدیگر نیستند و در طرح های توسعه عمران باید برای هر شهر برنامه ریزی جداگانه ای انجام داد. معاون وزیر راه و شهرسازی در پایان گفت: در کشور نظام تامین مسکن فراگیر وجود ندارد و دولت باید بکوشد تا اختلاف های طبقاتی و جغرافیایی در کشور کاهش یابد.

اعضای جدید سندیکا

نام شرکت: اطلس تهویه پارس (با مسوولیت محدود)
نام مدیرعامل: خانم مهندس آزیتا دادگستری
نشانی: خیابان میرداماد- حدفاصل بزرگراه مدرس و خیابان نفت جنوبی- پلاک ۳۳٤- طبقه سه- واحد ۱٦ کد پستی: ۱٥٤۹۹٤۷۱۳۹
تلفن: ٤-۲۲۹۱۱٤۳۳-۲۲۲۲۲٦۰۹
دورنگار: ۲۲۹۱۱٤٤٥
پست الکترونیک: info@auxac.ir
وب سایت: www.auxac.ir

نام شرکت: پارسازه (سهامی خاص)
نام مدیرعامل: دکتر بابک فخیم
نشانی: امیرآباد شمالی- خیابان یکم (شکرالله)- شماره ۹۸ کد پستی: ۱٤۱۳٦۷٤٤٤٤
تلفن: ۲۳ و ۲۲ و ۸۸۳۳۹۱۲۰
دورنگار: ۸۸۳۳۹۱۰۹
پست الکترونیک: parssazeco@yahoo.com
وبسایت: www.parsazeh.ir

نام شرکت: گرماگستر کوهین (سهامی خاص)
نام مدیرعامل: مهندس هوشنگ فرنود احمدی
نشانی: خیابان ولیعصر- بالاتر از زرتشت- پلاک ۱۹۰۸- طبقه سه- واحد ۱٥
کد پستی: ۱٤۱٥۸۸٤۹٤٦
تلفن: ۷-۸۸۹۳٥۲۸٦
دورنگار: ۸۸۹۳٥۲۸۷
پست الکترونیک: info@garmagostarkoohin.ir
وبسایت: www.garmagostarkoohin.ir

نام شرکت: وزان (سهامی خاص)
نام مدیرعامل: مهندس ابراهیم خادم احمدآبادی
نشانی: خیابان شهید مطهری- خیابان میرعماد- کوچه نهم- پلاک ۱٦- طبقه چهارم
کد پستی: ۱٥۸۷۷۱٤۳۱۱
تلفکس: ٥- ۸۸٥۳٤٥۷۰
پست الکترونیک: vazanco@gmail.com

نام شرکت: ژیان (سهامی خاص)
نام مدیرعامل: مهندس رضا پیرو دین
نشانی: میدان آرژانتین- ابتدای آفریقا- نبش بن بست حکمت- پلاک ۲٤
کد پستی: ۱٥۱٦۹٥٥۸۱۱
تلفن: ۸۸۷۹٤۹۲۲- ۸۸٦۷۰٤۱۰
دورنگار: ۸۸۷۹٦۰۳۷
پست الکترونیک: info@jyane.ir
وب سایت: www.jyane.ir

نام شرکت: سازه و ساختمان ایرانیان (سهامی خاص)
نام مدیرعامل: مهندس کامران دانش
نشانی: کیلومتر ۱٤ اتوبان تهران/کرج- شهرک آزادشهر- خیابان شهید گودرزی- کوچه ۱٥ غربی- پلاک ٤۷
کد پستی: ۱٤٦٦٦۹٥٤۳۱
تلفن: ۷ و ٤٤۱۸۱۹۸٦
دورنگار: ٤٤۱۸۱۹۸٥
پست الکترونیک: sazehiranian@gmail.com

نام شرکت: صنعت پردازان ثمین (سهامی خاص)
نام مدیرعامل: مهندس محمد اسماعیلی
نشانی: خیابان ولیعصر- بالاتر از جام جم- خیابان خرسند- پلاک ۳۸- واحد ۲
کد پستی: ۱۹٦٦۸٥۳۱۸٥
تلفن: ۹-۲۲٦٥۱٥۰۸
دورنگار: ۲۲۰۱۷۱۷٤
پست الکترونیک: sanat_pardazan@yahoo.com

ایرانی تر از ایرانی!

شرحی در بارهٔ خدمات فرهنگی "اِریک اَکسل هِرملین " (Eric Axel Hermelin)

تنها کسی که نیمی از زندگی و تمامی ثروتش را در راه ترجمه و ترویج آثار ادبی زبان پارسی، سرمایه گذاری کرده و به خاطر این کار از سوی جامعه و خانواده خود طرد شده و القابی مانند الکلی، خودآزار و دیوانه را پذیرفته است، یک نفر سوئدی است به نام "اریک اکسل هرملین". او در این راه تنها یک انگیزه داشت و آن هم عشق به زبان و فرهنگ پارسی بود.

اریک اکسل هرملین (۲۲ ژوئن ۱۸۶۰ – هشتم نوامبر ۱۹٤٤) نویسنده و سیاست مدار سوئدی بود که در ۱٤۰ سال پیش در جنوب سوئد در یک خانوادهٔ ثروتمند و اشرافی به دنیا آمد. هرملین در دوران جوانی به هند سفر کرد و مدتی را در آنجا گذراند. او در هند با یک ایرانی آشنا شد که بعدها به او زبان پارسی را آموخت. بد نیست بدانید که در آن دوران، زبان پارسی، زبان رسمی کشور هندوستان بود، اما انگلیسی ها برای این که زبان خودشان را به عنوان زبان غالب جا بیندازند و به نوعی برتری فرهنگی دست پیدا کنند، استفاده از زبان پارسی را در هندوستان ممنوع کردند و زبان هر کسی را که به پارسی حرف می زد، می بریدند! بدون تردید، اگر انگلیسی ها در حدود ۱۰۰ سال پیش مرتکب این سیاست استعماری ضدفرهنگی نمی شدند، امروز زبان پارسی، زبان مادری حداقل ۱/۵ میلیارد نفر در دنیا بود.

به هر حال، هرملین پس از فراگیری زبان پارسی به سوئد بازگشت و به ترجمهٔ آثار پارسی به سوئدی مشغول شد و حدود ۱۰ هزار صفحه از ادبیات پارسی را به سوئدی برگرداند. از این میان، می توان از کتاب های

هرملین در اواخر عمر، با جانی شیفته از شور عشق عرفانی با مولانا همدم شد.

بوستان و گلستان سعدی، گلشن راز شبستری، رباعیات خیام، آثار سنایی و واعظ کاشفی، پندنامه و منطق الطیر و تذکره الاولیای عطّار، مثنوی مولانا، گزیده هایی از شاهنامه، اسکندر نامهٔ نظامی و کلیله و دمنه نام برد.

هرملین به علت علاقهٔ شدیدی که به خیام داشت و تحت تأثیر افکار و عقاید او، زندگی عارفانه ای را درپیش گرفت و چون این روش زندگی برای یک فرد اشرافی در سوئد عجیب به نظر می رسید، لذاوی را به عنوان بیمار روانی، بستری کردند و تحت مداوا قرار دادند! ولی او همچنان به زندگی آکنده از وارستگی و دوری از تجملات خویش ادامه داد و به دهکده ای در سوئد رفت و ٤۰ سال آخر عمرش را در آنجا صرف ترجمهٔ متون پارسی و ترویج زبان و ادبیات پارسی کرد. وی آنچنان شیفتهٔ ادبیات ایران بود که در اروپا به عنوان برجسته ترین نمایندهٔ ادبیات ایران شناخته می شد و سفیر ایران در استکهلم نیز از او قدردانی کرد و مدال خورشید را به او اهدا نمود.

هرملین در اواخر عمر، با جانی شیفته از شور عشق عرفانی با مولانا همدم شد و می گویند کارش به جایی کشیده بود که بدون دیوان اشعار مولانا در هیچ کجا ظاهر نمی شد و تمامی تلاشش این بود که انسان اروپایی را با پیام و عرفان مولانا آشنا سازد.

وی به قدری تحت تأثیر ادبیات ایران قرار گرفته بود که تمامی آثار ترجمه شدهٔ ایرانی را با سرمایهٔ شخصی خودش چاپ و منتشر کرد و تمامی ثروت خانودگی و نیمی از زندگانی اش را نیز در این راه گذشت و همین کار باعث شد که به او تهمت هایی از قبیل دیوانه، خودآزار و الکلی بزنند، ولی سرانجام، سبک زندگی انتخاب شده توسط هرملین، الگوی بسیاری از اندیشمندان و نویسندگان غربی شد و در نتیجه، آثار ادبی ایران را از سوئدی به دیگر زبان های اروپایی ترجمه کردند و او را مورد ستایش قرار دادند، چون آثار پارسی که به وسیلهٔ وی به سوئدی ترجمه شده بود، از بی نقص ترین و معتبرترین آثار ترجمه شدهٔ دنیا محسوب می شوند.

نام و یاد او که نشان داد از یک ایرانی هم ایرانی تر است، گرامی و جاوید باد!

با استفاده از منابع اینترنتی